





چگونه بوده است آن حکایت گفت آورده اند که در زمان پیشین ستمکاری بود که هرگز درویش  
 با شتم و حیف خریدی و در بهای آن مضایقه بسیار نمود مگر از آنچه قیمت بود بدادی و در نشان  
 بر تو انکار آن طرح کردی با صغاف آنچه قیمت عدل میشد بهای ستمی هم درویشان از جور او بجان  
 و رسم تو انکار آن از بجای او بفقان پست سینه و لیسو خکان زو کباب کلبه محنت و کان زو خرا  
 روزی هرگز درویشی را بکشید بزور و نیمه بهای بدن فقیر نوآپشن او درویش دست و عابر آسنا  
 بر درویشی نیاز بقبله خضوع و خشوع آورد و فردا نظام از دعای بد این شو که شب گریان و گشتند  
 که خون زده تا چنگ در این محصل صاحب و پسر سید بر آن حال و قوف یافت زبان ملاست بر آن  
 بخدا و گفت فردا بر سر از تیرایان ضعیفان و کین شب که هر چند ضعیفان را شرف تو تو هم یکا نشانی  
 که جز درگاه حضرت که طاهر در بدین منوال سلوک کن بر در درمندان که همه شب چون شمع از سوز دل  
 استخوان بدین گونه ستم و امدار خانه سینه چرخان را با آسیب میداد و بران مساز و خون دل میان  
 بجای شتاب امداد در جاهای مقام میرزا مصرع مخور این قدح که فردا بجای خواهی آمد آن شکم بر غور  
 سخن آن عزیز بر چرخد از روی اسب بخار و حجت جا بلیت روی در هم کشید پست بر دای شمشیر  
 پیش دهه میسر که در دود غم از فسانه یکچونم درویش روی از وی بتافت و بکوشه خلوت  
 خود شتافت قضا را در بهان شب آتش در آبنار میفش افشاد و از آنجا بجای سرایت کرده بر تپائی  
 داشت پاک بوحشت و آن پسر دگر از بستر نرم برخاسته کرم نشاند قضا را با دما و جانغریز که روزگند  
 نصیحت میفرمود و بر محله رسید غلام را دید که با متعلقان خود میگوید ندانم این تشنه از کجا و سرا  
 من افشاد آن عزیز فرمود که اندو و دل درویشان و سوز سینه ایشان فردا حذر کن ز روز درویشا  
 ریش که ریش درون عاقبت سر کند غلام سر در پیش افکند و با خود گفت از مقام انصاف بناید  
 گذشت شخم جفا نیک با کاشته ایم بهتر از این بر نخورند او پست همه تخم نادانسی کاشته ایم بین  
 لاجرم تا چه برداشته ایم و این مثل آن آوردیم تا بدانی آنچه بفرزدان تو رسیده در مکافات آن است

کیا بکلیان

۵۸۵  
۷۸

۱۳۱۰۲  
سفر



نام کتاب: تاریخ ثبت دفتر  
 شماره قفسه: ۱۷۴۸/۱۷۴۸  
 شماره کتاب: ۴۷۱۷۲  
 تاریخ ثبت: ۱۳۱۰/۱۱/۱۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس بیچار خداوندی سزا آنکه بنیاد نه کرد باس سپهر را با هر کاف و نون بیچاره  
پدید آورد و اسرار عالم امارت بجهت کفر و بدعت آن کن فکان فلو انما آخر اید اوارده است  
ان بقول له کن فیکون ایجاد فرمود و فرمایش است با حق را این است که هیچ  
بندگان غنی است مرا و زار رسد بکبریا و منی که ملک من است و این غنی  
در بنیان و صفت بنیان از تعریف فاصراست و بنیان از نوصیه عاجز مخلوق را  
بر خالق چه معرفت و خالق را از مخلوق چه منفعت واجب الوجود پاک از نابود  
خالق چه غمزه چند پاخورشید و خشان از زکات ذرات چه نقصان بیند در این  
درگاه عجز و انکار باید که فخر و استکبار و راه دزدانک شاید نه راه گفتار الهی  
آخر حیلۀ لا ینسان و درود نامعدود و بیهادی سبیل و سپید رسل بولای حیرت  
و کل خواجۀ کائنات محبۀ موجودات قدوس ممکنات خلاصه فرمایش نصیب این شریف  
عالم امکان لکن در بین و نمان اسمان قوس آفتاب نبوت خم انبیا محمد مصطفی  
صلی الله علیه و آله و سلم و محمّد بنات و اکمل صلوات بر افضل و ضیاء اول و لب  
امام بحق ولی مطلق فائد ما سبوق محمل محمول در حجت اعقوب منبع بخت و معدن برکت  
عرفت و نفی مغرّاج نفوی حامل لواء الدین ضارب اعناق الشریکین ابن عم رسول

زُوجُ الْبُؤْسِ سَيِّفُ اللَّهِ الْمَكُولُ فَاسْمُ جَنَّتْ وَفَارُحِدُ رَكْرَكًا مَطْلُوبُ كُلِّ  
 طَالِبٍ عَلَى بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ خَلَا فِي مَلُوكَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِحُدُودِ حِسَابِ بَرٍّ أَوْ لَادِ  
 أَطْنَابِ أَوْ بَادِ كَمَا أَمَّه دَنَبُنْدُ وَادَكَةُ مَهْتَدِينَ وَوُجُوحُ سَاجِدِينَ وَجِبَابُ مَاجِدِينَ  
 خَوَسَرُ غَالِبِينَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَهْلُ رَاجِعِينَ وَفَعَلْكَ دُرُغْدُ هَمَائُونِ أَهْلِي حَضْرَتِ  
 سُلْطَانِ سَلَاطِينِ خَامِي مَسْلَمِينَ مَاجِي مَشْرُكِينَ فَامِجْ كَافِرِينَ غَوَاثُ لَوْرِي نُورِ  
 الظُّلَمِ ذِكْرُ الْقَرْبِ بِخَيْرِ الْعِجَمِ السُّلْطَانُ نَاصِرُ الدِّينِ شَاهُ فَاجَارِ حَسَدِ  
 مَلِكِهِ وَسُلْطَانِهِ كِه دِرَازَانِ عَهْدِ نَجَسْتِهِ بَيِّنَانِ كَهْرِ شَكْسْتِهِ شَدُودِ سُلْطَمِ  
 بَكْسْتِهِ اَمْدُودِ وَرَشِيدِ اَرَاكَانِ شَرِيفِ بَنُو وَ مَلِكِ مُرَقَنُو وَ طَرِيفِ  
 جَمْعِي سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اَزْ سَلَاطِينِ سَلَفِ بَرِ بَرِي جَنَّتْ وَ بَرِ مَلُوكِ  
 صَفُو اَعْلَى اللَّهِ دَرِجَاهُكُمْ دَرُكُلُوكِ سَنَاجِحِ عَلَوِي وَ تَرُوجِ سَنَالِكِ اَشْنَا  
 عَشْرِ سَبْعِ فَرْمُودِ وَ عَلَى الدَّوَامِ فِي اللَّيْلِ وَالْأَيَّامِ دَرِ اسْتِحْكَامِ قَوَائِمِ  
 خِلَافَتِ سَعْيِ بَلِيغِ وَاهْتِمَامِ مَا لَا كَلَامَ دَارِنْدُ وَ اَبْنِ حَقِيرِ كَثَرِ النُّفُوسِ عَلَى  
 اَبْنِ رَسْمِ تَبَرُّزِي مَعْرُوفِ بِه پَشْخَدَنْتِ كِه عَلَى الدَّوَامِ مِلَازِمِ حَضُورِ بَاصِرِ  
 التَّوَرِ مَبَاشَدِ نَظَرِ مَجْمُوعِ النَّاسِ عَلَى دِينِ لَوْلَا كَيْفِ مَبْلَاحِظَةِ وَ مَشَاهِدِ  
 عَقِبَاتِ مَسْئَلَةِ خَضِرِ شَاهِنشَاهِ رُوحِ الْعَالَمِينَ فِدَاءِ مَبِيعِ  
 شَدْنْدِ وَ شَوْكَشَنْدِ كِه نَالِفِي بَرِ شَنَدِ دَرِ اَوْرِدِ وَ بَابَاتِ الْفَضَائِلِ  
 مَقْشُودِ وَ مَقْمُوكِ بُولَاتِ مَطْلُوقِ كَرْدِيدِ وَ مَا التَّوْفِيقِ اِلَّا بِاللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ  
 وَ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَبْنِ سَبْعَةِ



فضایل و مناقب مذبح سید عالم و مولای متقیان شفیع امر جان حافظ و  
 و مروج دین و ایمان لنگر مبین و انبیا و حق مطلق خلیل و مدح منظر عجایب عز  
 مطلوب مرطاب جناب علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام استغاثت به عمر و غیر  
 کافه موجودات و کائنات خداوند یکتا بحضرت و اخلاص نماید کما قال رسول الله صلی الله  
 علیه و آله لو ان الغياض اقلام والنجار مداد والجن کتاب ما احصوا فضیلت علی بن ابی طالب علیه السلام یغیر خدا فرمود هر گاه درختهای  
 جنگلها قلم باشند و دریاها مرکب باشند و جن حساب کنندگان و انس نویسندگان  
 باشند نمیتوانند اخلاص نمایند فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را و لکن هر که  
 بقدر عقل از جزو و کل از بندگان بقیه ارتضا و ازین باغ هدای با من طمع و از زبان ذکر  
 کلچیند و نیم غایت نیند و زوی خود را مانند کداهان گرفته بر اینکوی جهات بر  
 اند تا کوی سلامت و امان برباید و از گفتگوی مرد و کجها بیاساید و زبکه جعبه بود  
 و اثنی عشر شهر رمضان هزار و دویست هفتاد مطابق هجری از اعمال شنبه خور  
 کمال با کس و حرمان حاصل کردم و خود را مظهر و درگاه خداوند عالم و مظهر و  
 خالق بیاد دادم خیال مندر و از معالجه این مرض فطری کند و طبیعت عظم از مندا و  
 ایند کرد فاضل و غاخر آمد چنان بجز طبیعت و لایست بجهت رسید که عیش نماید و مقصد  
 شوم بر لایست جناب علی بن ابیطالب علیه السلام شاید بر جن اخلاص فرمود  
 شکایات قلمی رحمی فرمایند که خود شرط و عهد نمودم بعضی در مدایح و شتم از مندا  
 انموله که کجایش اینصفت باشد از هر کس بدینم و امان قرآن که راجع بران بزرگوار است

و آنچه در ذوق غایت انجمن را و کشف نمود اند و آنچه از افواه خلافت استماع نمایم بنویسم  
 و بدو نملأ خطه ترتیب مراعات قاعده کتابت بجز بر آوردم و داخل اخلاص بنویسم  
 که هر کس فضیلتی از فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام بنویسد کناهان و گناهان و گناه  
 همه میرزد و ملائکه استغفار برای او میکنند مگر آنکه کاتب با حسن و مجتهد  
 در حدیث صحیح وارد است که خوانند فضایل حضرت کناهان چشم او میرزد و گوی هر کس  
 بشنو کناهان گوش او بر طر شود و دوازده هزار رخم قرآن در نامه علی او ثبت شود  
 ایا تیکه در قرآن راجع و بگو جناب امیر المؤمنین علیه السلام است بقدر بیکه امکان  
 پذیرد و به بیان ابد هر چه عبادت از صراط مستقیم که نازل شد کلمات را با مختصر  
بفضل بعضی از ان مسطور کرد که با از انجمله در کتب مبارکه فاححه الکتاب اینها  
القصیر ط المستقیم خود ائمه علیهم السلام فرمود اند لحقن الصراط المستقیم ان  
حضرت صادق علیه السلام منقول است که صراط بدو معنیست صراط دنیا و صراط  
آخرت اما صراط دنیا امام مفروض الطاعة است که بکنه بشناسد او را در دنیا و  
پرو بکند به دنیا و میکند بر صراط که بل جهنم است در آخرت کیست که نشناسد  
او را در دنیا میفرزد قدم او از صراط در آخرت پس افتد در آتش جهنم و بر و است  
بقی از حضرت علی علیه السلام صراط آخرت که جسر جهنم است از موازک تو را زدم شمشیر  
تیر تراست بعضی از خلافت فرمود میکنند از انجا مثل برق و بعضی مانند و بدین است  
بعضی فرمود میکنند بر راه رفتن و بعضی میرند بدو دست و شکم خود را آنکه مراد است  
که راه میرند مثل اطفال و در راه رفتن بمقتد خود و سینه پیش دادن بقدر بیکه میرند



میشود که بر او افتد و بگوید منکذرتند در خالیکه او بخندد و در جنت و دستهای  
 خود را بصراط گرفته پس منکذرتند از پیش و فرود گذار منکذرتند **مؤلف**  
 کوندا خلافت که در گذشتن از صراط مذکور شد بسبب خلاف خلافت است در  
 مقدار معرفت امام و نور ایمان پس هر که معرفت او بیشتر و نور ایمان او زیاد تر است  
 بهتر منکذرتند و هر کس امام علی را بشناسد و محبت و برساند از صراط گذشته  
 است و هر کس خلاف این باشد العباد بالله کذرا و اوبرا نش جهنت **ای**  
**میان که** **فلننقل المشرق والمغرب** به کتب نشاء **الی صراط مستقیم** در  
 مرجا از ايات که صراط مستقیم بیان شده عبارت از جناب امیر المؤمنین علی السلام  
 است **الذکر ذلک** لیکتاب لا رب فیہ که اول یسور مبارک که بقره است **الذکر**  
 اسنا از حرف اسم الله الاعظم که مقطعه است از اسرار است میان خدا و خلق  
 سر جنب است با حیب مطلع میشود رفیع از سر مجیب از حضرت صادق صلوات  
 الله علیه منقولست که مراد از ذلک الکتاب کتاب علی علیه السلام است **مؤلف**  
 کوندا ممکن است که منقح شد این باشد که این که ان علی بن ابیطالب صلوات الله علیه  
 است که هیچ شکی در او نیست که خوانست و اطلاق کتاب بر ایشان کامل بسیار  
 چنانکه جناب امیر المؤمنین علی السلام فرموده **انزعکم انک جرم صغیر و منک**  
**انظروا العالم الاکبر** و **انما الکتاب المبین الذی** باجره تطهر الضمیر و از احباد  
 و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد **ای** **مبنا که** **واستقیموا**  
 بالیقین و الصلوة معنی ظاهر است که استغاثت بوجه جبر و نماز و بندگی خداوند

و انما الکتاب المبین الذی باجره تطهر الضمیر و از احباد و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد  
 بالیقین و الصلوة معنی ظاهر است که استغاثت بوجه جبر و نماز و بندگی خداوند

و در نوع شدائد و سختیها و در بعضی اخبار صبر تفسیر روزه شده است پس معنی این میشود  
 که استغاثت بوجه جبر و نماز و صلوة تا در بعضی اخبار امیر المؤمنین علیه السلام  
 شده بنا بر این معنی است که استغاثت بوجه جبر با امیر المؤمنین و در معنی  
 در ماند که چاه در دنیا و چه را عزت **ای** **مبنا که** **ان الصلوة معنی**  
**عن النجاة و الشکر و الذکر** الله اکبر معنی ظاهر همان صلوة است که مکلفین بخا  
 می آوردند معنی باطنی اشاره بسو جناب علی علیه السلام است و ذکر الله اکبر یعنی  
 ذکر خدا هر آنکه بزرگ تر است در این حدیث که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل  
 شده آنحضرت فرموده **تخون ذکر الله و تخون اکبر** یعنی ما هم ذکر خدا و ما هم بزرگ تر  
**ای** **مبنا که** **اذکر الله** از ذکر الله که خدا فرموده یاد کنند مرا یاد کنم شما  
 ذکر خدا یعنی که اینجانب است چنانچه خدای تعالی در حدیث مذکور فرمود **اذکر الله**  
 این ابیطالب یعنی ذکر علی بن ابیطالب که من است هر کس او را یاد کند مرا یاد  
 کرده **ای** **مبنا که** **والذین آمنوا** استغاثت بوجه جبر یعنی کسانی که ایمان بخدا داد  
 اند شد بدتر است و دست داشتن ایشان مر خدا را از انکسای که ایمان  
 آورده اند انجناب اولاد او علیهم السلام هستند چون حقیقت ایمان بنا بر آنچه  
 بعضی اخبار تفسیر شده افراد است بر زبان و اعتقاد است بذل و عمل است اعضا  
 و جوارح و در غیر ایشان کامل بوده زیرا که عصمت مختص با ایشان بوده **ای** **مبنا که**  
**و من الناس من کثر** نفس ابغواء مر ضایب الله از طرق عامه و خاصه  
 شده که این آیه شریفه در شان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده و اینکه در فر

و انما الکتاب المبین الذی باجره تطهر الضمیر و از احباد و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد

و انما الکتاب المبین الذی باجره تطهر الضمیر و از احباد و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد

و انما الکتاب المبین الذی باجره تطهر الضمیر و از احباد و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد

و انما الکتاب المبین الذی باجره تطهر الضمیر و از احباد و غیران یعنی خواص حضرت کتابست که شک ندارد



جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهند و محض بفراش برده و نفر  
خود را در راه خدا فرو خندند بخت طلب خوشودی خدا **ای مومنان** که با آنها الله  
امنوا اذخلوا فی السیم کافه ولا یبقوا خطوا انما الشیطان یعنی ای مومنان  
ایمان آوردن اید داخل شوند در طاعت بندگی از خصم امام بحق ناطق امام جعفر  
صادق علیه السلام روایت شده که مراد از مسلم و لایب امیر المؤمنین و ائمه و اصحاب  
بعدا و علیهم السلام است از تعبیر امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که از جمله چیزها  
که انحصار در مقام نفیر ایه کریمه فرمودند است پس بدینست که بمنی باشد مسلمان کسی  
که بگوید آن محمد رسول الله صلی الله علیه و آله پس اعتراف کند بر سالتنا بنجاب و اعتراف  
و امر از نکتد با اینکه علی علیه السلام و جعفر و خانبین و او بهترین امنا و است خطوات  
الشیطان و دستنی اول و ثانیست علیهما اللعنه و العذاب چنانچه در روایتی آمده که  
دستی ان دو نفر خطر همارند **ای مومنان** که **ای مومنان** که **ای مومنان** که  
البقیات یعنی پس هرگاه بلغرند از جاده شریع اسلام که ولایت امیر المؤمنین و اولاد  
ظاهرین و صلوات الله علیه بر بوده باشد بعد از آنکه امند بسوختن ایتنان یعنی بلیها  
رکوشن و اشکار بر آنچه انچه که میخوانند شمارا بسوان رسول خدا صلی الله علیه و آله  
و رسالت خود و ولایت امیر المؤمنین و سایر احکام خداوندی همه بر حق است **ای مومنان**  
**مبارک** فاعلموا ان الله عز و جل حکم یعنی بدینست که خداوند غالب است  
قوی که عاجز از انتقام کشیدن شما نیست و حکم کند است بطریق حق **ای مومنان** که من  
یکفرنا بطاغوت و یومرنا بالله فقد استمسک بالعرفه الوافی عرقة الوثوق و است

مبارک

مبارک

مبارک

جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد طاهرین آنجا است جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله  
فرموده من احب ان یتمسک بالعرفه الوافی لا یفصلهم لها فلیتمسک بولا یم  
و وصیتی علی بن ابیطالب علیه السلام فانه لا یهک من احبته و تولاه و لا یجوا من  
ابغضه و عاده به یعنی هر کس که دوست دارد که چنگ زند و بر گردن الوافی را که بمقتضی  
متین است لقطع در او نباشد پس باید تمسک شود بولا یم برادر من و وصیتی من علی  
ابن ابیطالب علیه السلام پس بدینست که کسیکه او را دوست دارد و ولایت او را داشته  
باشد و بجات بمنی بدینست که او را دشمن دارد و بغض او در دلش باشد **ای مومنان**  
**والذین کفروا اولیائهم الطاغوت** یعنی جوتهنم من التورای الظالمین و الذین  
اصحاب النار هم فیها خالذون یعنی کسانی که کافر شده اند و سنان انها طاغوت است  
و مراد از طاغوت بر وایت حق ظالمان آل محمد صلی الله علیه و آله خارج میکنند نهاد  
یعنی کافران از روشنی بگو مار یکی و انها اصحاب شر هستند و کافران شر مغلند و در  
ود و حدیث دیگر وارد شده است که پس دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام باشند بخله  
انرا که چه در دینهای خودشان بر عایت عهده و ورع و عبادت باشند **ای مومنان**  
و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا خیر کثیر روایت حق معرفت جناب امیر المؤمنین علیه  
السلام و اولاد آنجا است **ای مومنان** الذین یتقیون انوارهم باللیل و  
النهار سیرا و علانیه فکلمهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون  
مردیت از امام محمد باقر علیه السلام مراد امام جعفر صادق علیه السلام و ابن عباس و غیره و که این  
ایه کریمه فاولئک است در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام که چهار در هم داشت

مبارک

مبارک

مبارک



بیکراده و شب تصدق فدا کرد بیکراده و در بیکراده پنهان و بیکراده را شکار **ایضا**  
**مبارک** که هو الذی انزلک علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و  
 منشیاهات بر ذات کلام و عتبات محکمات عبارتست از امیر المؤمنین و اولاد و اولاد  
 از علیهم السلام و منشیاهات اول و ثانی و تابع آنها است علیهم السلام اللغه العذاب **ایضا**  
**مبارک** و ما یعلمنا بک الا الله و انما یخون فی العلم یعنی تا قبل قرار آمدن  
 مکر خدا و گناه که در علم ثابت هستند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود  
 ما یم را یخون فی العلم مراد از لفظ یخون که حضرت فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد  
 اجناب علیهم السلام است **ایضا مبارک** ان الله اصطفی ادم و نوحا و ال ابرهیم  
 و ال عیمران علی العالمین منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود ما ال ابرهیم  
 هستیم و ما بقیه ان عترت هستیم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت  
 فرمودند گفت محبت بن حشمت بن حشمت یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
 که این بزرگواران کدام حقیقت برای شما از رسول خدا برای عترت شما پس جناب ما که نیست  
 حسین علیه السلام این آیه مبارکه را خواندند ان الله اصطفی ادم و نوحا و ابراخیم و یساکه و یساکه  
 و الله بدو نسبت که محمد از آل ابرهیم است و بدو نسبت که عترت هادیه هر آینه از آل محمد  
 است و حدیث دیگر هست که آیه مبارکه در اصل چنین نازل شد بود ان الله اصطفی  
 ادم و نوحا و ال ابرهیم و ال عیمران و ال محمد علی العالمین و زیاده بعضیها من بعض  
 لفظ ال محمد را جاعل منافع علیهم السلام اسقاط کردند و اما خدای مولى کون  
 کان کرد که بواسطه اسقاط اخفاء ضابط اهل بیت می نمایند و دیگر می نمایند که این

این حدیث را در کتاب  
 مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام

این حدیث را در کتاب  
 مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام  
 در باب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام

بقیه آیه که آل ابرهیم است لکن دارد بر آل محمد **ایضا مبارک** ان الله اصطفی  
 من قبله امیر المؤمنین در شان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است که لباس خردمند خوش اند  
 طبع مبارک کردند پس زاده خدا تصدق فرمودند بعد از بن عمار ترافروند و میفرمودند  
 رسول الله يقول من اثر علی نفسه اثر الله يوم القيمة بالجنة ومن احب شيئا  
 محبه لله قال الله يوم القيمة قد كانا ليعباد بكافون فيما يشتم بالعرف و  
 انما اكافئك اليوم بالجنة یعنی شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند  
 هر کس مقدم بذات بر نفس خود بندگان خدا را بجهت رضای خدا تقبل می دهد  
 مقدم می دارد خدا و ندا و داد و در روز قیامت نزد یکران بهشت هر کس و سنت را در چرخ  
 و این برای رضای خدا قرآن خداوند در روز قیامت میفرماید که مردم با شما  
 بقدر خودشان مکافات بعباد بخش می کنند و من مکافات میکنم بر تو امروز بهشت  
 و همچنین آیه مبارکه و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی مقدم می دارند  
 و تقبل می دهند بر نفس خودشان محابا را هر چند خودشان از فقر و احتیاج محراب  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام است منقولست که شخصی خدمت رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله آمد پیش شکایت کرد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از  
 کمر سنگی پس فرستاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بخانه زوجهات خود که غذا از برای  
 آن مرد بیاورند پس زوجهات گفتند نیست و نزد ما مکراب خالی پس حضرت فرمودند  
 من هذا الرجل البکله یعنی کنسیر برای این مرد درین شب که او را همان کند جناب امیر  
 المؤمنین علیه السلام عرض کردند من برای او هستم و او را همان میکنم پس حضرت نامگذاری







قرار بدهد و میبندد کماهی را که پشت از شرک باشد از برای هر که بخواد روايت شده از  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود هر که بجهت خود رسول خدا صلی الله علیه  
 و آله شنیدم و از جمله خبرها بشنید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول خدا صلی  
 الله علیه و آله حکایت میفرمایند اینست که هر کس با خلاصه لا اله الا الله بگوید او بر پشت  
 از شرک و هر کس بیرون رود از دنیا و بخدا شریک فرارند هدی و راجع به پشت شود بعد  
 از آن ابرائی را خواهد داد و بعد از لفظ این بشارت فرمودند من شریک و محبتك با علی یعنی خدا  
 نمی امرزد کسرا که بجدا وند شرک قرار بدهد و میبندد کماهی را که پشت از شرک باشد  
 از برای هر که بخواد از شمشیر و محبت تو با علی تا آخر حذیث از عتباتی از حضرت باقر  
 علیه السلام مرویست که فرمود این الله لا یغفر ان یشرك به یعنی خدا نمی بخشد کسرا که شرک  
 و لا یت علی برای طالب علم باشد و میبندد پشت ترا و از برای هر کس که بخواد  
 از برای و نشان جناب امیر المؤمنین علیه السلام **أَبْلَا مَبَاكِرَ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا**  
**هُوَ لَا يَهْدِي مِنَ الدِّينِ سُبُلًا** اولئك الذين لعنهم الله و من یلعن الله فلعن  
 بحید که نصیرا امه هم نصیب من الملك فاذا لا یؤمنون الناس یغیرا از حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام مرویست که میگویند کسانیکه نایع پیشوایان صلا کنند از آنها  
 راست تر است از آل محمد صلی الله علیه و آله انا که این سخنان میگویند کسانى اند که  
 لعنت کرده ایشا از خداى تعالی پس انى پیغمبر هرگز عیبای از برای او و اوری انا برای انها  
 یغیبی از ملک هست مراد از لفظ ملک بنا بر آنچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روا  
 شده امامت خلافت است فاذا لا یؤمنون الناس یغیرا پس انوقت میندهند مردم را یعنی ال

شایسته  
 و شایسته

محمد را بنا بر آنچه در حدیث سابق وارد شده است که آنحضرت فرمودند ما بنیم مردم که  
 خدا قصد کرده از خلافت امامت بقدر نقطه که در وسط هسته خرد ما است همچنین  
 است ایشا از ملک نصیب نیست ملک و خلافت و سلطنت و عظمت محفوظ است  
 علیه السلام است و دیگر از احادیث است **أَبْلَا مَبَاكِرَ** امر یخشدون الناس علی ما ائناهم  
 الله من فضله فقد ائناهم الابرهم الکتاب الحکمة و ائناهم ملکاً عظیماً یعنی آنا  
 حکم مینماید بر ناس که مراد محمد و آل محمد است علی الله علیه و آله است بر آنچه نیک داده  
 است ایشا را خداوند از فضل خود پس یخشدون که عطا کردیم نال ابرهم کتاب حکمت و عطا  
 فرمودیم ایشا را ملک عظیم مراد پشت از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند در تفسیر این  
 آیه شریفه یعنی که ایند پیغمبر و رسولان را و امامان را نال ابرهم پس چگونه افراد میکند  
 در نال ابرهم عطا های خداوند را و انکار نمیکند از آل محمد صلی الله علیه و آله و فرمود  
 ملک عظیمی که خدا با ابرهم داده ان بگو که کرد ایند در ایشان امامان جندی و کسکه  
 اطاعت کند ایشا را اطاعت خدا کرد و کسکه معصیت کند ایشا را معصیت کرده و  
 اینست ملک عظیم و روايت یکر و از شده که ملک عظیم ظاهری است که فرض شده است  
 از کافران و عتباتی غیر این که در چندین روايت آمده است از ائمه سلام الله علیه هر که  
 اند محض الخشوع و الدین قال الله علی ما ائناهم الله من الامامة یعنی نال انکسانی هستیم که  
 مردم حد مینماید بنابر آنچه عطا فرمود است ما را خداوند از امامت **أَبْلَا مَبَاكِرَ**  
 اینا که کفر را یا با نیا سوف نصیبیم نال ابرهمی بد رسته که کافرانند و بدبرایان  
 ما رو د باشد که داخل کنیم و جامیدهیم انها را در آتش جهنم کبر و ایت قوی مراد از اناست

شایسته

شایسته



بسم الله الرحمن الرحيم

علی بن ابی طالب اولاد او علیهم السلام است **اینها که** ان الله ما ترک من ان یؤدوا الاکامات  
الی انھما یعنی بدو سبکه خداوند ما را بر اینکه رد کنند ما را بر اهل  
خود در کتاب کافی و غیره در چندین و آیات عدیده است بدو سبکه خطاب حکم بنو  
ائمه صلوات الله علیهم است ما مؤمنان شدیم از ایشان اینکه او آید بگو اما بعد  
از این وصیت کند بگو و پس این آیه جاریست بر امانات ظاهره که رد نماید  
و خبانت نکند چنانچه از ائمه سلام الله علیهم وارد شده لا تنظروا الی طول رکوع الرجل  
و سجوده فان ذلک بنو اعداء فلو ترکوا لیسوا خیر لذلک و لکن انظروا الی صید  
حده به و آیه امانیه یعنی نظر میکنند بر طول دادن رکوع و سجود بدو سبکه این  
چیز نیست که عادات او است هرگاه ترک کند مستوحش میشود برای آن و لکن نظرها  
بر راستی قول و ادراک کردن امانت **اینها که** یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله  
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم یعنی ای انکسایند که ایمان آورده اید اطاعت کنید  
خدا را و اطاعت کنید رسول را و صاحبان امر را در کتاب کافی از حضرت باقر علیه السلام  
روایت کرده است این آیه شریفه که ما ائمه را بحضور قصد کرده و فرموده جمیع مؤمنین  
را فاروز قیامت باطاعت ما باشند عتباتی از اجتناب واجب کرده است زیاده شرعی  
فرمودند که در شان جناب علی بن ابی طالب جناب امام حسن جناب امام حسین علیهم السلام  
ناز شده است بخدمت حضرت علی علیه السلام عرض شد بدو سبکه مردم میگویند پس چه میشود  
خداوند تعالی آنها اینک مقصود از این آیه و امثال او ائمه اطهارند چرا در کتاب محکم  
اسم مبارک جناب علی بن ابی طالب اولاد طاهرا بنمایند بر اظهاریه پس اجتناب فرمودند

بسم الله الرحمن الرحيم

که

که پس شما بگوئید با ایشان که نماز نازل شد یعنی آن فرمود خداوند تعالی بنماز و اسم نبی  
که سه رکعت و یا چهار رکعت بگذارند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین  
و تفسیر نموند از برای ایشان و همچنین حکم زکریا نازل شد خداوند تعالی نام نبی از برای  
ایشان که از هر چهل درهم یک درهم بدهند تا آنکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله  
فرمودند تا آنجا که میفرمایند یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم تا  
شد در شان جناب علی علیه السلام و جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام پس چنان  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود من کنت مولاه فلیکن مولاه و قال او صیبتکم  
یکایا بیه واهل بیتی فانی تسئلک الله تعالی ان لا یفرق بیننا حتی یوردنا جنة  
الکوثر فاعطانی ذلک و قال لا تغفلوهم فانهم اعلم منکم و قال انهم من فخر جنت  
من باب هک وکن یدخلونک فی باب جنة لای یعنی هر کس را که من آفای او هستم پس  
علی آفای او است فرمود وصیت منکم شما را بقرآن مجید خدا و باهل بیت حبیب  
بدو سبکه من سوال کرده ام از خداوند تعالی که جدا نکند کعبه این دو زانو و او را  
کند ایشان را با هم در روز قیامت بر حوض کوفت پس خداوند تعالی هم عطا فرمود بمن این  
سوال مرا باز فرمودند شما تعلیم میکنید اهل بیت مرا پس بدو سبکه ایشان از شما  
اعلم هستند و فرمودند نهاد بدو سبکه که شما را از هدایت خارج نمیکند هرگز  
داخل نمیکند شما را بدو رکعتی بعد از نقل کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند  
پس هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا ساکت نباشند و بیان نمیفرمودند که  
کعبه اهل بیت اجتناب بر این آیه و غایت کردند فلان و آل فلان که ما بنمایند اهل بیت

خدا











رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا یعنی مردم بجهنم آمد بگوئیم از همان نور و کارها  
 و نازل کردیم بنوی شما نور آشکارا از جناب صادق علیه السلام و ثابت که برها  
 جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است نور من علی بن ابیطالب علیه السلام است  
اینها مثل کرم فَاَتَاكَ الْكَذِبُ اَمْ نُوَاثِقُكَ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَيَسْجُدُ لَهُمْ رَجُوعًا مِنْهُ وَ  
 فَضْلًا وَتَهْدِيهِمْ اِلَيْهِ لَعَلَّ اُولَئِكَ يَفْقَهُونَ یعنی بر ما کاسینکه ایمان آوردند و تمسک  
 کرده اند باو برین و در اخل میکنند ایشان را در حق فضل از خود و هدایت میکند  
 ایشان را بر راه راست بگو خود و مراد از اعتصام تمسک بولایت جناب علی بن ابیطالب  
 علیه السلام و ولایت امام است بنا بر ذوات بقی در تفسیر حدیث سابق که از  
 حضرت صادق علیه السلام روایت شد مذکور است که صراط مستقیم نیز بختا  
 علیها السلام است بنا بر ذوات یعنی آنکه ایستاد که کفایت میکند بولایت انجید  
 کنند خداوند عالم ایشان را داخل بر حجت فضل خود میفرماید و بر راه راست هدایت میکند  
از کرم میباید که الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَكْمَلْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ  
 الْاِسْلَامَ دینا از جناب امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلی الله علیه و آله منقول  
 که آن دو بزرگوار فرمودند جزین نیست که این میباید که نازل کرد بدین از اینکه جناب  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله نصب فرمودند جناب امیر المؤمنین علیه السلام را علا  
 و نشان دادن راه از برای مردم آن در روز غدیر خم و اینکه بر مکتب انجناب از حجة  
 الوداع پس فرمودند اند و بزرگوار که این یعنی ولایت جناب اخ فریضه بود که نازل کرد  
 او را خدا بفرموده پس بعد از آن فریضه نازل کرد ایند معنی این است که در کامل کرد ایندم

اینها مثل کرم

اینها مثل کرم

برای شما دین شما را و تمام کردم از برای شما نعمت خود را و از این شدم از برای شما  
 اسلام را که دین شما باشد اینها مثل کرم فَادْعَاهُمْ اِلَيْهِ لَعَلَّ هُمْ يَرْجِعُونَ یعنی  
 بجهنم آمد بگو شما از خدا بفرموده نور و کتاب آشکار کند حق از علی بن ابی تریم جتو  
 حکایت شده که او در تفسیر این آیه فرمود که نور عباد را از جناب امیر المؤمنین و آئمه  
 ظاهرین صلی الله علیه و آله است پس بنا برین میباید که لفظ نور که در متن  
اینها مثل کرم اَللّٰهُ يَهْدِي لِكُلِّ شَيْءٍ سَبِيلًا یعنی رَحْمَةً لِّكُلِّ شَيْءٍ سَبِيلًا و لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ  
 اِلَى النُّورِ بیهیچانم اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نیز اشاره بگو آنحضرت باشد و صراط امام  
 نیز آنحضرت است بنا بر آنچه در تفسیر آیات سابقه مذکور شد معنی ظاهر این  
 است و الله العالم که نشان میدهد خدای عز و جل بآن کتاب یا بآن نور که سبیل  
 ثابت کند خشنودی و از راههای سلامناز عذاب را و بیرون می آورد ایشان را  
 از ظلمات کفر بگو نور ایمان و هدایت میکند ایشان را بوی راه راست اینها مثل کرم  
اینها و لیتکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوٰة  
 وَ هُمْ رَاكِعُونَ یعنی و متوجهند که او را میکنند شما کسانی میباشد که بر پا می دارند  
 نماز را و کافران را امام بنی ناطق امام جعفر صادق علیه السلام روایت که تفسیر بعضی  
 از کلمات این آیه واجب است لهذا به فرمودند و این حقیر نیز با تفسیر تفسیر آن بزرگوار را در  
 ضمن ترجمه این آیه درج مینماید یعنی جزین نیست که اولی یعنی نزدیک تر و احق شما و بامور  
 شما از جانها و مالهای شما خداوند و رسول و است کسانیکه ایمان آورده اند یعنی  
 جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد انجناب که امامان هستند تا روز قیامت پس

اینها مثل کرم

اینها مثل کرم

اینها مثل کرم



بیان فرمود ایشا از خدا تعالی پرس فرمود الَّذِينَ يُعْمِلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ  
هُمْ زَاكِيُونَ یعنی مؤمنانند که اولی میکنند بشما کسانی که پناهند که بر پا سازند نماز را و  
 دهند زکوة را و حال آنکه ایشان در رکوع هستند که جناب علی بن ابیطالب از او را بخواست  
 است بعد از نماز آنکه آنحضرت فرمودند و بگویند أَمَّا الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ در نماز ظاهر  
 و تحقیق که در رکعت را بجا آورد و در حال رکوع بودند و رکعت مبارک آنحضرت حله  
 بود که بفرمود آن چنانکه در فاموس گفته بشارت ساز از او رزاه که دو نوع از بالا بود  
 است باینکه که استر داشته باشد باری حله بود که بمنان هزار بار بود و در پنا  
 عبارت از هجده خود طلایا ایشیهای این زمان موافق بوده و با حله آن حضرت  
 جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنحضرت عطا فرمود بود و آن حله بود که بجا  
 بدهد به بشارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاده بود پس مدعیان علی و عرض کرد  
 ولی الله و اولی با یکه مؤمنین يُنْفِقُونَ مِنْ ثَمَرِهِمْ نصیحتی بر منکرین و فقیر بفرمایند پس آنحضرت بشارت  
 را بطرف او انداختند و اشاره فرمودند بدست مبارک بسوگاتل اینکه بر دارا حله را  
 پس این ایه را خداوند عالم در شان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام نازل فرمود  
إِنَّمَا تَكُونُ خَيْرٌ مِمَّا يَشْتَبُونَ و آنکه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
 سوال کرد مملکی بوزن ملائکه تا از حدیث و در بعضی از روایات وارد شده که آنجناب  
 رکوع اکثر بشارت عطا فرمودند و این حدیث منافات ندارد با حدیث سابق که  
 حضرت حله را بشارت عطا نمودند زیرا که مکر است یک مرتبه در رکوع حله را عطا فرموده شد  
 و مرتبه دیگر در رکوع اکثر را و اینها را که در مرتبه ثابته نازل شده باشد لفظ ثبوتی

فعل مضارع است اشعار بر این معنی دارد زیرا که مضارع تکرار و تجدد است و او کردن  
 آن بصفتی جمع بعثت است که شامل ائمه از اولاد آنحضرت شوخنا بچه در حدیث سابق  
 کلامی فرموده بودند که حاصل مضمونش اینست هر کس از اولاد آنجناب برسد بر تبتا مانا  
 تصدیق میکند در حال رکوع و سائل از آن مملکی از ملائکه باشد از حضرت صادق علیه  
 السلام مرویست که او از پدر بزرگوار خود و از جد خود جناب رسول الله علیه و آله  
 نقل فرمود در قول خدا تعالی يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُكْفِرُونَ باینکه ایه مبارکه را که انما و کفرو  
 الله و رسوله نازل کرد پس چند نفر که عداوتها بدین نفر منیر است از اصحاب رسول خدا صلی  
 الله علیه و آله از منافقین جمع شدند در مسجد مدینه پس بعضی از آنها گفتند که اگر منکر این  
 ایه شویم کافر میشویم باین ایهات و هرگاه ایمان بیاوریم پس بدینست که این دلالت برای  
 هنگامیکه مسلمانی بنماید آنحضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما جناب علی بن ابیطالب  
 علیه السلام را پس گفتند تحقیق اینست که بدینست که محمد صلی الله علیه و آله ضابط  
 است در آنچه بیکه میفرماید و لیکن ما دوست منید ایم آنحضرت را و اطمینان میکنیم علی را  
 آنچه بیکه بشارت فرماید بعد از آن ایه مبارکه نازل کرد پس بفرمود يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُكْفِرُونَ  
 یعنی نعمت خداوند را میشناسند بعد از آن انکار میکنند از آنچه و لا یتجنبا علی بن ابی  
 طالب علیه السلام را منکر میشوند و بیشتر ایشان کافر اند بولایت آنجناب از حضرت با فرمود  
 السلام را و ایت چنانچه از کتب مجالین نقل شده که آنحضرت فرمود در مقام بیان شان  
 نزول ایه مبارکه إِنَّمَا وَكَلَنَاهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ بدینست که چند نفر که از سر راهفت داده با  
 کفر بودند از طائفتی که مسلمان شدند از جمله ایشان عبد الله بن سلام و اسد و ثعلبه



این نامین و این صورت پاپی بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله مشرف شد  
 و عرض کردند یا بنی الله بد رستبکه حضرت موسی علی نبینا و علینا السلام و صیبت نمود  
 بگو پوشع بن یون بنی و حتی شما بعد از شما آگست با رسول الله صاحب اخبار ما  
 بعد از شما آگست پس این آیه مبارکه انما اولیکم الله نازل کرد بد حضرت رسول صلی  
 علیه و اله فرمودند بنی یس برخواستند و بمحمد آمدند که پس ناگهان سائل از  
 محمد بنیون آمد بود حضرت فرمود ای سائل ایا کسی بتو چیزی نداده سائل عرض کرد  
 این خاتم را داد حضرت فرمودند که بتو داده اند خاتم را امر کرد عرض کرد اینجا بکه مشغول  
 نماز است حضرت فرمود بر کدام حالت عطا کرد سائل عرض کرد در حالت رکوع پس  
 بکبر گفتند پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله فرمود علی بن ابیطالب علیه السلام  
 و لقی شما است بعد از من مردم گفتند از حق شدیم محمد از حبشیت بویست و با سلام  
 از حبشیت بن و محمد صلی الله علیه و اله از حبشیت نبوت و صلی بن ابیطالب علیه السلام  
 از حبشیت ولایت بر خداوند تعالی نازل فرمود **اول مبارک** و من یؤلف الله  
 و رسوله و الذین آمنوا فان ربکم الله هم الغالبون یعنی آنکس که ولی میگرد خدا  
 رسول خدا را و آنکس که ایمان آوردند پس بد رستبکه لشکر خدا ایشانند علیه  
 کنندگان از خلفه تانی روایت شد بد رستبکه او گفت الله بجهنم تصدی کرد مرا  
 بجهنم انکسر و خال آنکه رکوع کند بودم نا اینکه نازل بشود در شان من اینچنینکه در شان  
 علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شد **ای مبارک** یا ایها الرسول بلغ ما انزل  
 الیک من ربک و ان لم تفعل فسا بلغت رسالتی و الله یعصمکم من الناس ان الله

یا ایها الرسول  
 بلغ ما انزل

یا ایها الرسول  
 بلغ ما انزل

لا یهدیکم القوم الکافرین یعنی ای پیغمبر تبلیغ کن و برسان بامت خود اینچنینکه نازل  
 کردند شما از نزد پروردگار خود در شان علی بن ابیطالب علیه السلام و هرگاه در شان  
 اینچنین نازل شد در شان ابیطالب بر تبلیغ نکرده رسالت خدای عز و جل و پیغمبر او  
 بجا نیاورد و خداوند تعالی حفظ میکند مرا از شر مردم بد رستبکه خداوند عز و جل  
 هدایت نمیکند کفری کافر را از کتاب جوایع از ابن عباس و سایر بزرگان الله روایت  
 است بد رستبکه خداوند عالم امر فرمود رسول حق را که نصب نماید علی علیه السلام را  
 برای مردم و خبر هدایت از ابولاهب انجید پس رسول خدا صلی الله علیه و اله منصرف  
 نمود از آنکه مردم بگویند منیل کرده است بتو این نعم حق و این که کران و شایب  
 نصب کردن حضرت رسول صلی الله علیه و اله امیر المؤمنین صلوات الله علیه را بر  
 جماعتی از اصحابش پس این آیه مبارکه نازل گردید پس دست مبارک علی بن ابیطالب  
 علیه السلام را گرفتند و در دوزخ حنم و فرمودند من کن مولای علی مولای  
 و خوانند این آیه را و در حدیث است این آیه مبارکه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت  
 علیکم نعمتی و در همان روز خدای تعالی نازل گردانید یعنی امر و کامل گردانیدم برای  
 شما دین شما را و تمام گردانیدم نعمت خود را و کمال دین تمامی نعمت بولایت جناب علی بن  
 ابیطالب علیه السلام را و از کتاب حاجی نقل شد که در اخبار و ابیات ظاهر از امام محمد  
 باقر علیه السلام شده است بد رستبکه ابیطالب فرمود بجهنم که حج کرد رسول خدا صلی  
 الله علیه و اله و خال آنکه رسانید بوجهی شریع یعنی احکام الهی و فرایض از زکوة  
 نماز و سایر احکام را بامت خود غیر از حج و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را پس بگو



چیز بل علیه السلام نازل شد پس گفت یا محمد بدو سستی که خداوند عزوجل سلامت شما  
 و میفرماید مرا بدو سستی که من بعضی نکردم هیچ پیغمبر از پیغمبران خود هیچ شورا از  
 رسولان خود مکر بعد از اكمال زمین خود و ناکند نمودن حجت خود و تحقیق باقی ماندن  
 بر توفیق و فریضه از چیزهایی که احتیاج نیست بسوای آنکه بر شما اند و چیز را بقوم خود  
 یکی فریضه حج است یکی فریضه ولایت خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از تو  
 پس بدو سستی که من خالی نگذاشته ام در زمانهای گذشته زمین خود را از حجت و حق  
 خالی گذاشت زمین را هرگز پس بدو سستی که خداوند اندام من میکند تا اینکه تبلیغ کنی بقوم خود  
 حج را خود حج را بجای آوردی و حج میکند با تو هرگز که استطاعت حج دارد از اهل شهر  
 از اطراف و از اعراق تعلیم میکند ایشان را از حج ایشان چنانکه تعلیم کردی ایشان را از شنا  
 و در کتب و در روز و وقت و اوقات مطلع میکردی بر طریقه ایچنانکه واقف گردانید  
 ایشان را بر اوج جمع آنچه که رسانیدی با ایشان از شرایع پس منادی رسول خدا صلی  
 علیه و آله ندا داد که اکاه باشد بدو سستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله اراده  
 حج دارد اینکه تعلیم نماید شما را از آن مانند آنچه که تعلیم کرد شما را از شرایع و در شنا  
 و مطلع گردانید شما را از آن آنچه که مطلع گردانید شما را بر اوج جمع پس خارج شد  
 جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و مردم هم با ایشان بیرون شدند و میل کردند  
 بسوای جناب نامکاه کنکه به بجای او را غنچه پیش بخا آوردند مثل را بر حج دارد ایشان را  
 و رسید عدد کنایه حج کردند بار رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل مدینه طهیه  
 و اهل اطراف و اعراق به مقدار هزار نفر و از ناهای که مقدار عدد اصحاب موسی علی نبینا

علیه السلام که مقام هزار بود ندانایان کنایه بودند که گرفت بر ایشان بیعت هرون  
 علی نبینا و علیه السلام پس شکستند بیعت هارون و پیروی کوتا له و سامری نمودند  
 همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفت بیعت از برای علی بن ابیطالب علیه السلام  
 بخلاف و جناب نبی رسول خدا صلی الله علیه و آله بوعده بود علیه السلام پس شکستند  
 بیعت امیر المؤمنین علیه السلام را و پیرو کردند کوتا له و سامری و موافق شدند  
 طریقه ایشان را با طریقه اصحاب جناب موسی و حکایات آنها در شکستن بیعت با حکایت  
 آنها در پیوستن صدا بلبس خاجیان در همان مکه و پیروی ما اینکه حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله در موفقی استاد ندانم بسوای او چیزی بل علیه السلام از جانب حق  
 پس عرض کرد یا محمد بدو سستی که خداوند تعالی سلامت من را و میفرماید بدو سستی که  
 استاجل تو و نهایت عمر تو و من طلب میکنم فدوم ترا بر چیزی که جان و کرم را بر بیعت  
 آن مؤلف گوید که آن کنایه از مرکز است بعد از آن فرمود پس وصیت کن وصیت خود  
 و مقدم بدار وصیت خود را بر قصد کن بسوای آنچه که در نزد شما از علم و میراث ایشان  
 پیش از نبوت اند و سلاح و تابوت و جمیع آنچه که نزد شما از علامات نبی است پس بیعت  
 کن آنها را بسوای وصی و خلیفه خود که بعد از تو خواهد بود که حجت با لغت من است بر همه خلایق  
 من و آن علی بن ابیطالب است پس بر افراد از این عهد است خلق و تجدید کن عهد و پیمان  
 و بیعت او را و یاد او را ایشان را آنچه که کردم بر ایشان از بیعت و عهد من آن عهد  
 پیمان که کردم ایشان را بان و پیشی گرفتن من که پیش کردم بسوای ایشان از ولایت و سر  
 من و صاحب اخبار ایشان و امای هر مؤمن و مؤمنه پس بدو سستی که من بعضی نکردم هیچ پیغمبر



از پیغمبران مکر بعد از کمال در تمام نعمت خود بدوستی و دوستانم و دشمنانم و دشمنانم  
 و است کمال تر پسند من بیکانگی کمال بن من تمام گردانیدن نعمت را بر مخلوق خود به پیر  
 و دستم و طاعت او و آن یعنی کامل شدن بنم به پیری و دستم بجهت اینست که بدست  
 من و اینک دارم زمینم بی کسی که تمام نماید با من و بدین ما اینک بود باشد بجهت از برای  
 بر خلق من پس از و کامل کرد اینک از برای شما بن شما را و تمام کرد و شما بن شما را  
 بولایت و دستم و افای هر مؤمن و مؤمنه علی علیه السلام بن من و دستم پیغمبر من  
 جانشین بعد از و بجهت بالغه من بر مخلوق همد و شما بن طاعت او بطلعت محمد  
 صلی الله علیه و آله پیغمبر من و مقرر است طاعت آن دو نیز کوار بطلعت من هر کس طاعت  
 کند او را اطلعت کرد است مرا هر کس غصبا کند او را عصبا کرده است مرا و او را  
 منصوب و علم گرداندم در میان خود و خلق خود هر که او را بشناسد که منبیا شد مؤمن و  
 هر که او را نشناسد کافر است و هر کس شریک قرار دهد بکفر او را ریخت او را شریک  
 و هر کس ملاقات کند مرا بولایت او داخل بهشت میشود و هر کس ملاقات کند مرا بعد  
 او داخل آتش میشود پس برافرازی محمد علی با همه نشان راه هدايت و یکی بر ایشان  
 یعنی و ناز بگردان بر ایشان عهد و پیمان و قرآن منافی که بسته ام ایشان را بران پس  
 بدرستی که من قبض کنند ام روح شریف تر از دجال است که منتقل بسو خود بتمام و طالب  
 مردم و برکشیدن تو هشتم بنوی خود جناب رسول خدا ترسید از قوم خود از اهل نفاق  
 و کرده شقاق از اینک مفرق شوند و برگردند بر طریقه که پیش از اسلام بودند و دست  
 از من بردارند بجهت آنچه دانسته بود از عداوت ایشان مرا پیغمبری را که محقق بود در حقها

ایشان از شدت دشمنی با علی علیه السلام و خواهرش کرد از خیرش اینک خواهرش میکند  
 از کرد و کارش حفظ اینجا را از شر مردم و انتظار کشید اینک بنیاد خیرش علی علیه السلام  
 بسو او از جناب تبلیل و عداوت نگاهداشتن او را از شر مردم و پس با خبر انداخت بصد  
 کردن حضرت را تا آنکه رسیده بمسجد خیف و آن مسجد است در موی پس آمد بسو حضرت رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله خیرش را و مسجد خیف پس از جانب خدا امر کرد پیغمبر اینک و دست  
 کند و صیت خود را و برافرازد علی علیه السلام را از برای مردم و بنا و در و عداوت حفظ  
 از مردم از جانب خداوند جل جلاله اینجا حضرت را که پیغمبر صلی الله علیه و آله خواسته  
 بودند تا آنکه جناب خیمه ثاب بکراج الغیم آمدند و آن واد است که میان آن و مدینه مقدس  
 صد و هفتاد میل است میان او و مکه مقدس و منی میل است پس خیرش آمد بسو اینجا  
 و امر کرد او را با پیغمبر که او را بود او را از جانب خدای عز و جل و بنا و در از برای آن  
 جناب و عداوت حفظ را پس حضرت فرمود اینجا خیرش بدو که من میترسم از قوم خود اینک نکند  
 کنند مرا و قبول نکند گفته مراد حق جناب علی علیه السلام پس حضرت از اینجا کوچ کرد  
 پس تا اینک رسیده بغداد بنیم که پیش از حمله است به میل آن موضوع است که هشتم  
 میل است و خیل از مکه دور است و آن مبعثات اهل شام است که از اینجا احرار می  
 آمد بسو جناب خیمه تا بن خیرش را و پنج ساعت روز گذشته باشند و تیری و عداوت حفظ  
 از مردم پس عرض کرد یا محمد بدرستی که خدا بعلی سلامت میرساند و منکوب میگردد یا  
 ایها الرسول بلغ ما ایزل الیک من ربک و ان لم تفعل فمألفک من الله و الله یضرب  
 من الناس و اوائل فافله تره یک جمعه بود پس امر کرد خیرش را اینک برگرداند







و انصاف و کبریا بندگان ایشان با حشاد و تیر باد پیششان و اهل شهرها و بر عجم و عرب  
و ازاد و کنده و کوچک و بزرگ و بر سبقت شهاب و ماضی و گذرنده اینست حکم او و جلال  
قول او و نافذ است امر او **لَقَدْ كُوِّنَ لَكُم مِّنْ لَّدُنْهُ مَوَاقِدُ** که ماضی و جابر و نافذ باشد  
معنی دارد یعنی گذرنده و فرموده است هر که مخالف است و نماید و مرحوم است هر که  
او کند و تصدیق نماید پس تحقیق که امر بد است خدای تعالی علیه السلام را و  
بشنو از او و اطاعت او نماید که مردم بد نسبت به شان اینست که این امر اینست  
است که اینست که امر از این محض پس بشنوند و اطاعت کند مفاد باشد برای  
امر هر روز کار نان پس بد نسبت به خداوند عز و جل و از این پروردگار شما و صاحب  
اخبار شما پس بعد از عز و جل محمد صلی الله علیه و آله صاحب اخبار شما است و از  
کسب که اینست که اینست خطاب میکند با شما پس بعد از من علیه السلام و شما  
و امام شما با مر خدا و پروردگار شما بعد از و امامت و در پیش از اولاد او و  
روز قیامت بعد از آن ملاقات میکند خدا و رسول او و اینست حلال میگردانید که  
خدا حلال کرده است و نیست حرام مگر آنچه نیکو خدا حرام کرده است شما را پس خدا  
حلال و حرام را بر من و من در خلوت آنچه خدا بمن تعلیم کرده بود از کتابش و حلال و حرام  
ناهمه باز تعلیم کردم ای کرم بنده علی مگر آنکه خداوند تعالی شمرده است و من بمن  
تعلیم نموده است و هر علی که تعلیم کرده شدم پس تحقیق شمردم او را در علی علیه السلام  
بشنوای متقیان نیست علی مگر آنکه تحقیق تعلیم کردم علی علیه السلام را و او است  
امام منین و فاضل ای کرم مردم اعراض نکنند از و متفرق نشود از و مرا و استبک

نکند از ولایت او پس او است اینجا آنکه کسی که مذهب میکند بگو حق و عمل میکند با و  
مضطرر میکند باطل را و نمیکنند از آن و نمیکرد او را در راه خدا ملاقات کند  
پس بدرستیکه اول کسی است که ایمان آورد داشت بخدا و رسول او و ایمان کسی است  
جان خود را فدای رسول کرد و ایمان کسی بود با رسول خدا و نبود کسی که بنده خدا  
با پیغمبرش از مردان غیر از او ای کرم مردم تفصیل بدهند و از این تحقیق تفصیل در  
او را خدا بیغالی و قبول کند و از این تحقیق نصب کرده است او را خدای تعالی ای کرم  
مردم بدرستیکه او امام است از جانب خدای تعالی قبول نمیکند هرگز خدا نوبه کسی  
که سر و ولایت او باشد هرگز که امر از خدا او را لازم است بر خدا که اینست که خدا که  
که مخالف است او نماید و اینکه عذاب کند او را همیشه اوقات و جا و بد روزگارها پس  
بدرستیکه اینست که مخالف نماید و از این انداخته میشود در آنست که هرگز آن مرد  
و سنگست و میباشند انش برای کافران ای مردم و الله بشارت دادند پیشینان  
از پیغمبر او رسولان و من آخر پیغمبر او رسولانم و حجتم بر همه مخلوقات از اهل  
آسمانها و زمینها پس هر که شک کند در آن پس او کافر است بکفر یکبار در زمان حیات  
بران بودند و هر که شک کند در این گفته من پس او شک است در همه گفتههای من و شک  
کند در همه گفتههای من از برای او است انشا اینجا است که میفرماید ای کرم مردم تفصیل  
دهند علی علیه السلام را پس بدرستی که او فاضل تر است از همه مردم بعد از من از  
وزن بسبب ما خدا نازل کرده است در قرآن و باقی ماندند خلق ملعونست ملعونست  
بدرستیکه خدا بزرگبست که در نمازها بر گفته مرا و موافقان نکند که او باشد بدرستیکه



جبرئیل خبر داد مرا از جانب خدا باین گفته من و هرگز نشستی کند با علی علیه السلام  
و او زاد و ست ندارد پس او باد لعنت و غضب پس باین نظر کند هر نفسی آنچه را  
پس فرستاده از برای فرمای خود و پس پدید از خدا بشکست عا لعنت نماید و از این بلغزد  
قدنهای شیخ بعد از استوار بودن آنها بدستی که خدا آگاه است باینچه میکنند انکرون  
مردم بدست که علی است جنب الله که نازل شده است رکاب خدا آن تقول نفس  
یا حسرت علی ما فرطت فی جنب الله یعنی اینکه بگوید کسی و احسرتا بر تفریطی که کرده  
در جنب خدا انکرون مردم تا مل کند در قرآن و بفهمند آیات را و نظر کنند بیکایات  
و متابعت میکنند متشابه از این قسم بخدا هرگز بیان نمیکند از برای شما واهی از او  
و اصح نمیکند از برای شیخ انصاری را مگر آنکه من گرفته ام دست او را و بلند کرده  
او را بسو خود و بلند کرده ام باز وی را و او بگویم کنند ام شما را بدستی که هرگز من  
مولای او بستم پس این محلی علیه السلام مولای او است و او علی بن ابیطالب است از من  
و وصی من است و در سبق او از جانب خدای عزوجل است نازل گردانیده است از  
بر منای گزین مردم بدستی که علی علیه السلام و پاکیزگان از اولاد من باشند ثقل  
اصفر و قران او است ثقل اکبر پس هر یک از این دو ثقل خبر دهند است از صاحب خود  
مواظفت دارد با او هرگز این دو خدا نمیشوند از همدگر تا کنار خوشی و کوفت دارد بر من  
شوند ایشان یعنی علی و اولاد او علیهم السلام اینهای خدا هستند و خلق او و حاکم از جانب  
او بندگان و اینها و آگاه باشند بقیقادی سالت کردم آگاه باشید بقیق و رسانیدم آگاه  
باشید بقیق شنوایندم آگاه باشید بقیق و اصح گردانیدم آگاه باشید بدستی که خدا

فرمود اینها را و من گفتیم از جانب خدای عزوجل آگاه باشید بدستی که نیست فرمان  
فرمای مؤمنان عجل از برای مردم این یعنی جناب علی علیه السلام و حلال نیست امارت و فرمان  
فرمای مؤمنان بعد از من از برای احدی غیر از جناب پس دست مبارک را زد و بیاورد و ای امیر  
المؤمنین علیه السلام و بلند کرد باز وی را و از ایندانش که جناب رسول صلی الله علیه  
الله بالای ستمها رفت بودند بلند کرد بودند جناب علی علیه السلام را تا اینکه پای آن  
حضرت عذای را نوی رسول خدا کرد و بگوید پس فرمود انکرون مردم این علی برادر من و وصی من  
و حاکم علم من و جانشین من است بر امت من و علی علیه السلام تفسیر کتاب خدا است  
و خواننده است مردم را بسو خدا و عمل کنند است باینچه که خشنود پیش خدا را و حاکم  
کنند است باد ثمنان خدا و بدستی که است بر طاعت خدا و هیچ کنند است از  
مقصود خدا خلیفه رسول خدا است امیر مؤمنان است و امام هدایت کننده است و  
کشند است کسان نیست و گیر گشتگان از حق و بیرون روند کسان از دین است با هر خدا  
تعالی میگویم و بلند بل کرد نمیشود گفته نزد من با هر خدا پروردگار من میگویم با هر خدا و  
دار هر که از او دست زد و بدستی که با او دشمن است و لغز کن کسی را که انکار  
او نماید و غضب بر کسی که انکار حق او نماید با هر خدا بدستی که توانا از کرد بر من اینکه  
امام است از برای علی است که دوست است نزد بیان کردن من از او و نصب کردن من او را  
بسیب باینچه که کامل کردی از برای کیند کسان از دین ایشان و تمام کردی نصرت او را و حق  
شدی اسلام را که دین ایشان باشد پس فرمودی هرگز طلب کند غیر از اسلام دینی را پس  
هرگز قبول نمیشود و او را در آخرت از زبانتکار است با هر خدا بدستی که من شاهد میکنم



که بدستوی محبتی من ساندیم پیغام ترا نا انجا بشک فرمودند بمرگم بپرهیز باز خدا  
 بیفت نمایند با علی امیر المؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و امامان که ایشان  
 کلمه یاقه میباشند **مؤلف گوید** بنویسمانست را و لا حین علیهم کسیر باقیست نا  
 روز قیامت اینست مراد از کلمه یاقه چنانچه علیا گفته اند بعد از آن بلا فاصله فرمود  
 هلاک نمیکند خدا کسی را که خدعه مکر نماید و رزم میفرماید کسی را که وفا نماید بعد از این  
 مبارکه را فرمودند و من نکست ما یتما یکت علی نفسه نا انجا بشک میفرماید بمرگم  
 کس طاعت کند خدا و رسول خدا را و علی بن ابی طالب علیه السلام را و آنکه ذکر کردیم ایشان  
 پس چنین رستگار میشوند رستگار شد عظیمی نا انجا بشک و بعضی از فقرات حدیث که از  
 علی بن ابی طالب بقولش است اینست که عین خطاب از میان قوم غرض کرده و پرهیزند با  
 رسول الله این امر از خدا است و با از رسول خدا است حضرت فرمودند بلی از خدا است  
 و از رسول خدا است بدو است که علی بن ابی طالب علیه السلام امیر المؤمنین است و اما  
 المؤمنین و قائم الامر المحملین است میباشند و از خداوند عالم روز قیامت بر صراط است  
 میکند و ستان خود را به بهشت و دشمنان خود را به جهنم **ایمیر میگوید** که در سؤالات  
 قل یا اهل الکتاب لنسلم علی شیعی حتی یقیموا التوریه و الانجیل و ما انزل الینکم  
 من ربکم یعنی بگو ای صابان کاتب که از خدا نازل شده است بنشینند شما بر  
 چیزی نا انکه بر باد آید و توبه است انجیل را و آنچه را که نازل شده است بگوئید از پروردگار  
 شما از حضرت باقر علیه السلام رواست شده است که مراد از قول حق تعالی ما انزل الینکم  
 من ربکم و لا یستامر المؤمنین علیه السلام است **ایمیر میگوید** که در سوره اعراف از پروردگار

ایمیر میگوید

ایمیر میگوید

عزیز است

عن سینیل الله و یقولون ینا عوجا و هم بالآخره کافرون و ینهنا حجاب علی الاعراب  
 و حال بعرفون کلا لیسنا هم یعنی آنکه اینک اعراف میگویند از ما خدا و پیغمبر و کسی  
 از او حال آنکه ایشان با خود کافر اند و میان آن دو فرقه که مؤمنان و کافران میباشند  
 صاف است و بر بالای آن حجاب که اعراف باشد خود را میپوشند که میباشند هر یک  
 از بند و فرقه را بعلامت ایشان که خدا از برای ایشان گذاشته از کتاب جمع نقل شده  
 که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رواست ما ایشان را میپوشیم در روز قیامت  
 میان بهشت و جهنم یکدیگر که ما را یاری می کنند میباشند و از ابعلاست و پس داخل  
 میکنیم او را بهشت و هر کس شمر دارد ما را میباشند و از ابعلاست و پس داخل جهنم  
 میکنیم او را از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرموده اند در تعبیر این  
 آیه که ما بینم بر اعراف میباشند با و دان خود را بعلامت ایشان و ما بینم اعراف که مرگم  
 نمیشناسند خدا و ندانند جل را مکرر و مکرر ما بینم اعراف که نکند او خداوند  
 ما را در روز قیامت بر صراط است پس داخل بهشت نمیشود مگر کسی که بشناسد ما را و ما او را  
 بشناسیم داخل نش نمیشود مگر کسی که شناسد ما را و ما شناسیم او را از کتاب بصائر  
 نقل شده که از حضرت باقر علیه السلام رواست که رجال که در پایه مبارکه است ایشانند  
 اما مان از آل محمد صلی الله علیه و آله اعراف صراطی است میان بهشت و دوزخ پس هر کس  
 شفاعت کند بخواه او اما مان از ما اهل بیت و آنکه از مؤمنان گناه کاران باشد بخوا  
 میباشد و هر کس شفاعت نکند از برای او چه افتد به جهنم **ایمیر میگوید** که در  
 اعراف قال الذین امنوا به و عزروا و نصره و ابغوا التوراة الذی نزل معه اولی

بلند است

ایمیر میگوید



اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی کسانی که ایمان آورده اند و پیغمبر تعظیم کرده اند بجناب را  
 در ناری نمودند آنحضرت را و تابع شدن اند و بر او که نازل شده با او و انکسار ایشانند  
 و متکبران از جناب باقر علیه السلام مرویست که فرمود که مؤمنان علی بن ابی طالب  
 طالب علی است **ایتر مبارک** که در سوره انفال ایمنا المؤمنون که این را ذکر  
 الله و جعلت قلوبهم و اذا نزلت علیهم امانا فاما نزلنا و علی بن ابی طالب و کما  
 یعنی جز بنی نبی که مؤمنان کسافه نیستند که هر وقت ذکر میشود در نزد آنها خداوند  
 عالم میرسد و لای ایشان و هر زمان که خوانند میشود بر آنها امان خدا ایمان ایشان  
 زیاد میشود و به پروردگار خود موکل میکنند و تقوی بر سر و در میان ایشان و اخوانه  
 مبارک بر و این استی این است شریفه و در شان جناب امیر المؤمنین و جناب ابی ترستا  
 و مقداد علیهم السلام نازل شده است **ایتر مبارک** که **وَقُلْ عَسَى أَنْ يَمُنَ**  
**عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ** و المؤمنون یعنی یا رسول الله بگو عمل نمایند پس و در باشد که به عتید  
 خدا و رسول خدا و مؤمنون عمل نماز از جناب باقر علیه السلام و اینست که ذکر شد این  
 نزد جناب پس فرمود الله او علی بن ابیطالب علیه السلام است و از حضرت صادق علیه السلام  
 پرسیده شد از معنی این آیه پس فرمود مؤمنان ایشانند اما ظاهرین صلوات الله علیه  
 از حضرت صادق علیه السلام و اینست که فرمودند در سبب که اعمال بندگان از ایشان  
 میبندند هر روز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل بکنان و بدان ایشان پس برسد  
 و باید چنانکه کبیر از شما از اینکه عمل قبیح عرض شود بر پیغمبر از حضرت باقر علیه السلام  
 مرویست که فرمودند هیچ مؤمنی و کافر نیست که در قبر گذارد شود تا اینکه نشان از

در جناب

در جناب

شود اعمال او بر رسول خدا و امیر المؤمنین و بر یکی یکی از امامان ائمه ائمه که  
 کرده است خدا طاعت او را بر بندگان داده شود **ایتر مبارک** که در سوره  
 نوبه است یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین یعنی ای کسانی  
 که ایمان آورده اید به پیغمبر خدا و با صادقین باشید از حضرت باقر علیه السلام مرویست  
 و ثابت شده که ما اهل بیت خدا و ندخل ثانه از لفظ صادقین قصد کرده یعنی ما آل  
 محمد صلی الله علیه و آله باشیم **ایتر مبارک** که در سوره نوبه است یا ایها الذین آمنوا  
 فذکوا شکر موعظه من تکرر و شفاء لیا فی الصدق و هدی و رحمة للعالمین  
 یعنی ای مدبک شما موعظه از پروردگار شما و شفاء از آنچه بیکه در گنجهها است و هدایت  
 و رحمت از برای جمیع اقسام مخلوقات است مبارک متصل با پیغمبر است **قل بفضل الله**  
**و برحمته** فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله بگو بفضل  
 و رحمت خدا پس بان باید شاد شوندان بهتر است از آنچه بیکه جمع میکنند از مال دنیا  
 از جناب باقر علیه السلام مرویست که فرمودند بفضل الله جناب رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله است و رحمت از جناب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و در روایت  
 قوی زیاد کرده این فقره را پس این فضل و رحمت خدا باید شهنیان ما شاد شوندان  
 بهتر است از آنچه بیکه داده شده اند دشمنان ما از طلا و نقره از پیغمبر صلی الله علیه  
 الله علیه و آله مرویست که فضل خدا نبوت پیغمبر شما است و رحمت او و لای علی بن  
 ابی طالب علیه السلام است پس بان یعنی نبوت و لای باید شاد شوند یعنی شهنیان  
 بهتر است از آنچه بیکه جمع میکنند مخالفان ایشان از مال و اولاد و اهل و گزارد دنیا

در جناب

در جناب



در جواب سوال

در جواب سوال

در جواب سوال

در جواب سوال

**ایضا مبارک** در سوره یونس است **الان اولیاء الله** خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی اکاه باشند بدوستی که دوستان خدا از روی ایشان نیست و اندک ناله نمیشوند از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام زیرا که فرمود اینها یعنی دوستان ما اهل بیت هستیم و ما با ائمه از کسانیکه پیروی کرده اند ما را خوشحال ما را دانا ما را خرد **ایضا مبارک** اما انت منید و لیکل قوم هاد یعنی جزین نیست که تو ای پیغمبر ترسانند هستی و برای هر قومی مذاهب کنند همتا از کتاب مجمع نقل شد و متبکه اینانه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند ما انما انزلنا من عند ربنا یعنی من گفتم و علی علیه السلام مذاهب بعد از من از کتاب کلام نقل شده از جناب باقر علیه السلام مذاهب است که رسول الله صلی الله علیه و آله و او هر زمانه از ما اهل بیت مذاهب میکنند هست که مذاهب میکنند از ابوابی که پیغمبر آورده است و از پس مذاهب کنندگان بعد از پیغمبر جناب علی علیه السلام است بعد از جناب و صبا او است واحد بعد واحد **ایضا مبارک** در سوره عداس **اموا و تطین فلو یمنهم یدکر الله الاید کر الله تطین القلوب** یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و سلاک میشوند لایهای ایشان بنام خدا اکاه باشند که بدو خدا را ناساکن میشود بر ذراتی آنکسانیکه ایمان آورده اند شهادتند و ذکر الله جناب امیرالمؤمنین و از لاد ظاهرین او سلام الله علیهم است **مؤلف** گوید بنابر این معنی به اینست که شعبان بسبب امان خود که ذکرند لایهای ایشان مطمئن میشوند از احوال ائمه و از سایر امور مفرقه و مهمله **ایضا مبارک** **الذین امنوا و عملوا الصالحات** طوبی

**لهم و حسن ما یب معنی ظاهر است** کسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند از برای ایشان است خوبه و بازگشت خوب از برای ایشان است از حضرت صادق علیه السلام روا شده است فرمودند طوبی از برای کس نیست که چنین نذر نماید در زمان نبوت حضرت عجل الله فرجه که از ما است پس مایل نمیکند دل را از حق بعد از مذاهب پس سوال نموده که طوبی چیست فرمودند که طوبی رنجی است رجعت یعنی آن در خانه علی بن ابیطالب علیه السلام است و نیست شومیه مگر اینکه در خانه او شاخه از آن درخت هست از کتاب مجمع منقول است از حضرت کاظم علیه السلام روا شده که ما بخواب از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روا شده که بدو سبکه را از حضرت سوال کرده مذکور است حضرت فرمودند در آن است که هیچ آن در خانه من است و شاخ آن بر کسیر اهل بیت است پس سوال کرده که از طوبی مرتبه دیگر چیست فرمودند که آن در خانه علی است پس عرض شد چند است حضرت که مرتبه پیش فرمود که در خانه من است اکنون نیز میفرماید در خانه علیست پس حضرت فرمود که خانه من و علی و بیت بجا میباشد **ایضا مبارک** در این سوره عداس **عالم الکتاب** **الذین کفروا لست من سلاسل کفر بالله شهیدانین و یمنکم و من عند علم الکتاب** یعنی نمیکویند کسانیکه کافر شده اند یعنی یونس و فرستاده خدا بکوائی محمد کفایت میکند شهادت کسبکه نزد او است علم کتاب مرد نیست سوال نموده ای از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام از بهترین منافقین منافقی که از برای آنحضرت ثابت است پس جناب اینابه را خواند و فرمودند که ما را قصد کرده است از لفظ من عند علم الکتاب از جناب رسول خدا منقول است سوال کرده شد از اینابه که **و من عند علم الکتاب** حضرت فرمودند از برای

در جواب سوال



در جبهه

من علی بن ابیطالب علیه السلام است ایضا میساکم در سورة ابرهیم است اگر تر کبیر  
الله مثلا کلمه طیبه کثیره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السنا تواتر اکلها  
کل چین یعنی اماند بود و ندانستنی بنده بنیاد چگونگی خدا مصلی را یعنی که بنده خدا  
کلمه پاکیزه را مانند درخت پناکی که بیخ آن در زمین استوار و محکم و پایدار باشد که  
بالای آن یخا بنایمانان کشیده میند و میثاق خود را در هر روزی که خدا حکم کرده میثاق  
دادن آن از جناب صادق علیه السلام مرویست که سوال کردند از این بزرگوار پرس فرمود  
جناب رسول الله صلی الله علیه و آله بیخ آن شجره است بالای آن جناب علی بن ابیطالب  
علیه السلام است و ائمه اطهار از ذریه آن جناب شاخهای آن شجره است و علمائش از شاخه  
شیعیان ایشان که مؤمنان اند و رفته آن شجره است یعنی بمنزله بزرگوار بنیاد بنیاد  
فرمودند قسم بخدا بدینستی که هر وقت مؤمنی که متولد میشود بر یک بزرگوار بعلیه ابا  
در آن شجره و بدینستیکه مؤمنی چون فوت شود و رفته از آن ساقط میشود ایضا میساکم  
در سورة حجر است ربنا انظر فی الیوم یغفون قال فانک من المنظرین الی یوم  
الوقت المعلوم قال ربنا اغفر لی الذنوب الذین هم فی الارض لا یعلمونهم اجمعین  
الا عبادک منهم المخلصین قال هذا صراط علی مستقیم یعنی گفتا بپسرای  
پروردگار من پس منهای که مرا ناز ورنیکه بر اینک میباشند و مردمان گفت خدا در  
جوابا و پس بدینستیکه تو از مملکت اد شد گانی ناز و روز و وقتا نشسته شد معتز  
کرد این شد بنفخ اول گفتای پروردگار من سو کند خورم باغوا ای تو مرا و نومید  
ساختن تو مرا از رحمت مرا بنده از استه کردیم برای آسمان کنایه از زمین و هر چه

در جبهه

همه ایشا را که راه کردیم مکرر بنده کان نواز ایشان که خالص شده کان باشند از شر و فتنه  
و جلی که مکرر و فریب من ایشا را از شر بنده گفت خدا بپسرای این اخلاص را بمان زاهد  
است که خواست بر من رغبتشان بکنی نازد و روز صاحب خود را بمنزل مراد میرساند  
و نواز بر بندگان من است علی نیست صراط مستقیم عبادت از امر المؤمنین علیه السلام  
چنانچه از سید نجم علیه السلام روایت شده و بعضی از قریه لفظ علی بارغ بر و ناز غزل  
قراش کرده اند بنابر تفسیر اینست که هر چه بلند است راست و این قراش معنوی  
بخش صادق علیه السلام است و بلند می زاهد کنایه از شرف است از کافی نقل شده که آن  
جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که ایه مبارکه هذا صراط علی مستقیم  
احتمال دارد که موافق قراش مستقیم یعنی که علی بارغ که صفت مشبه باشد فرموده باشد  
و از اینجا است این قراش ترا بخت داد اند و احتمال اصنام هم دارد مثل غلام زید یعنی  
صراط علی بن ابیطالب مستقیم است مؤلف گویند که رجحان در نظر اینست که احتمال  
مراد باشد ایضا میساکم در سورة نحل است یغفر الله لکم الله ثم یشکرکم و یهتدوا اکثر  
الکافرین یعنی میباشند بگفت خدا را و انکار میکنند از او و بیشتر ایشان جاوید  
از روی عناد از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرمود ما بخدا قسم نعمه الله مستقیم  
چنان نعمتی که عطا کرده و داده است خداوند عالم را و بر بندگان خود تا آخر چنانچه  
میساکم در سورة غل است نزلنا علیک الکتاب یتینا لکل شیء و هدی و رحمة  
و بشری لِّلنَّاسِ یعنی با محمد فرو فرستادیم بر تو فراد را خالص که بیان روشنی است  
برای هر چیزی و راه نمودن و بختایش بر همه اگر بدان بگرفتند و مژده است بر همه

در جبهه

در جبهه



مر مسلمانی را از عتباتی حکایت شد است که از حضرت صادق علیه السلام روایت شد که  
 فرموده اند ما اهل بیت قسم بخدا می‌دانیم آنچه در آسمانها و زمینها و آنچه در  
 در بهشت و جهنم و آنچه در میان آنها است بعد از آن فرمودند بدو رهنمایی که این در  
 کتاب خدا است پس این را به را خواندند ایضا مبارکه در سوره انفالت یا ایها الذین  
 آمنوا استجبوا لله ولرسوله اذا دعاکم لما یحییکم یعنی ای کسانی که ایمان آورده  
 اجابت نمائید از خدای و مرسول را بطاعت قبول و ایضا و نواهی چون بخواند رسول  
 او شما را مرا بچیزیکه زندگانی کند شما را بر او است فی جنت یعنی بهشت است از حضرت  
 صادق علیه السلام روایت شده که نازل شد است این آیه در ولایت جناب علی بن ابیطالب  
 علیه السلام مؤلف کوفه که ایمان آوردن بر ولایت جناب جنات و زندگانی است  
 این آیه مبارکه در سوره نحل است هل یستوفون من امر بالعدل وهو علی خیر  
 مستقیم یعنی آیا بر این است این شخص چنین و کمین که اگر میفرماید بر استقامت و او در رفو  
 خود برادر است و سبب در سبب طریقت پسندید که بهر مطلب توجه نماید و در  
 معصوم نباشد در حدیث وارد است آنکه کسی که امر میفرماید بعد از جناب امیر المؤمنین  
 علیه السلام و امامان بعد از او پسندد (اینکه میفرماید که در سوره نحل است ان الله یحب  
 بالعدل والاحسان و انما اوی القریة و بنی النضر و المکر و البکر یعنی که  
 گفت که نزد کردن یعنی بدوستی که خداوند میفرماید بر استقامت میفرماید بهر کوی که  
 در طاعات و میفرماید بطاعت دادن بر خوبان از ذلت و نهی میفرماید شما را از عمل فحش  
 و از فعلی که انکار می‌کند بر شما نشان در شرح و عمل از شما کاری پسندید شما را

بود

نکته  
در تفسیر

نکته  
در تفسیر

شما شاید که شما پسندید که در حدیث وارد است از حضرت باقر علیه السلام که غلام  
 جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله است پس هر که اطاعت او کند پس تحقیق از است  
 رفته است و احسان جناب امیر المؤمنین علیه السلام است پس هر که در دست دارد  
 حضرت و این تحقیق یک کرمه است که گوید که در بهشت است این آیه فی القریة قریب  
 ما اهل بیت است از فرموده خدا تعالی بنده گان را بدوستی و عطا کردن بمانا امر  
 حدیث و در روایت دیگر در تفسیر و نهی فرمودن خدا تعالی از فحشا و منکر و نهی  
 فرمودند فحشا و زانی است و منکر ناپاک است و بنی النضر لغیر الله ایضا مبارکه که  
 در سوره نحل است و او فوایعک الله اذا غاهد و لا تقضوا الايمان بعد  
 توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفایلا ان الله یعلم ما تفعلون یعنی و فاکید  
 پیمان خدا چون عهد بستید و مشکند سوگندها را یعنی پیوندها را پس از استقامت  
 ان بسوگند بخدا و حال آنکه تحقیق کربانید این حضرت عزت را بر پیمانهای خود گواه  
 بدو رهنمایی که خدا می‌داند آنچه می‌کنید از فقر عهد و سوگند و شما را بدان جز آنکه  
 داد و از حضرت صادق علیه السلام نقل است چون نازل شد ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام  
 و بود از جمله فرموده های رسول خدا صلی الله علیه و آله که سلام کنید بر علی علیه السلام  
 یا مارة بر مؤمنین یعنی بگوئید سلام علیکم یا امیر المؤمنین پس بود از جمله خبرها  
 که استوار کرده خدا تعالی بر ایشان در آن روز فرموده جناب رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله مزان دو نفر که اولی دو سق بود باشد که بر خیزد پس سلام بر آنجا  
 یا مارة مؤمنین نماید پس گفتند یا این امر از جانب خدا می‌باشد یا از جانب رسول

نکته  
در تفسیر



رسول خدا است پس رسول خدا فرمود از جانب خدا و رسول و است پس خدا بشارت  
 نازل کرد اینها را اینها و لا تقصروا الايمان فاما انما يقصروا لفظ ايمان قول جناب  
 پیغمبر است بایشان و مقصود از لفظ تو که بگوید قول باشد که ابا این از جانب خدا  
 با از جانب رسول و است **اینها** که در سوره غلات و لا تكونوا کافران  
 نقصت عنکم ایضا بقوله انما نأخذون انما نأخذون انما نأخذون انما نأخذون انما نأخذون  
 هي اربعة من امته انما يهلكوا امته به و كسبتهم لکم يوم القيمة ما كنتم فيهم تخلقون  
 یعنی میباشند مانند اینکه باز کشته در همان خود را پس از قوت و در خاله که رشته  
 و سنها ناب باز داشته باشد یعنی مانند اینکه در سنها از آنکه ناب او باشد  
 و محکم و قوی است فانه و دهد و پاره پاره کند و اندر فرستاد حضرت با و علی  
 زنی بود از خاندان بنی تمیم بن مره نامیده میشد ریخته و خنجر کعب بن اسد بن تمیم بن کعب  
 ابن غالب بود صاحب خانه است پس چون زبمان خود را میبشت بجهت ناب او را  
 باز میکرد بعد از آنکه ناب او را محکم کرده بود پس بر منبکشت و زبان میبشت بر  
 فرمود بدو دستکم خدا یعنی امر فرمود بوفای پیمان و نهی فرموده از شکنجیدن  
 پس این مثل از ده است از برای ایشان پس فرموده میباشد مثل آن زن موم  
 گوید خداوند عالم این مثل فرموده برای کسانی که در ولایت جناب امیرالمومنین  
 مستأمنانند و ضعیفانمان هستند و لا یبطل او ردشان رفته و  
 بعد است کرده باز میباید **اینها** که در سوره نساء و لا یسأل الله شیئاً  
 الا حیرة من شیئاً الذي لا یسأل الله شیئاً الا حیرة من شیئاً الذي لا یسأل الله شیئاً الا حیرة من شیئاً

اینها

اینها

یعنی منزه است خداوندی که بزرگوار خود را که محمد صلی الله علیه و آله است از مسجد  
 الحرام را میباید اقصی که در آسمان است از کتاب کشف الغم نقل شد که از جناب رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله سوال شد که در شب معراج جناب احدیت با کدام لغت  
 تا تو تکلم میفرمودی و حضرت فرمودند با هر که خداوند عالم در شب معراج بلغث و بلج  
 جناب علی بن ابیطالب تکلم میفرمودند پس الحاشا شدیم اینک عرض کردم در همانجا  
 پروردگار را تو با من تکلم میکنی و با پیغمبر علیست پس فرمود با احد من شیئاً  
 که نیست مثل اشبا و من قیاس نمیشوم بکردم و بیان کردیم بشوم با شبا خلق ککو  
 من ترا از نور خود و علی را از نور تو پس مطلع شدیم بر سر اثر قلب تو پس بنا هم بود  
 قلب تو کفنی را که زبانه ترا از علی و است بذاری پس خطاب نمودم بر تو بلسان علی را این  
 قلب تو مطمئن شود **اینها** که در سوره نساء و لا یسأل الله شیئاً الا حیرة من شیئاً  
 یعنی ای قوم یعنی بدو نیست که این قرآن مردم را هدایت میکند بسو طریق که انان  
 و محکم ترین راهها و طرق در حدیث وارد شد که آیه مبارکه در ولایت جناب  
 امیرالمومنین علیه السلام نازل شد است که این قرآن مردم را بسو ولایت مختص  
 هدایت میکند یعنی ولایت حضرت محمدرضا و طرق و اقوام صراطهای مستقیم است  
**اینها** که در سوره نساء و لا یسأل الله شیئاً الا حیرة من شیئاً  
 الناس الا کفورا یعنی فانی اکثر الناس بولاية علي لا کفورا یعنی تخیل مبارک کرده  
 برای خلق در این قرآن از هر مثل پس امتناع نمودند اکثر مردم نسبت بولاية علی بن  
 ابیطالب از هر چیز مگر از کفران و زدن **اینها** که در سوره نساء و لا یسأل الله شیئاً الا حیرة من شیئاً

اینها

اینها

اینها



الذي انزل على محمد الكتاب وكم يجعل له عوجا فلما لينذر باناسا بيد باسريد  
 جناب امير المؤمنين عليه السلام است که کفار را باس و عذاب شد نهاد است و دشمنان  
 و بن زانل است **اين مبارکه** الذين كانت اعينهم في غطاء عري كروي كانوا  
 لا يستقيقون سمعا از جناب صادق عليه السلام مرويت که فرموده ذکر خدا و لا  
 على عليه السلام است زمانه ذکر ميشود على بن ابي طالب حبه های منافقين بوده  
 است و کوشش آنها استطاعت سمع ندارند از کثرت بغض عداوت که دارند با اهل  
 مبارکه او انما الذين كفروا بايات بيهم ولعائنه كجبت اعماهم فلا يقسم  
 لهم يوم الفتنه و زمانه در حديث تفسير شده كه انبى كه كافر شدن اند بولايت  
 على بن ابي طالب عليه السلام بملافاات پروردگار خود ملافاات مينكند و رب خود را به  
 ولايت جناب پس باطل شد اعمالشان پس در روز قيامت برای آنها نمیکند ارب  
 مهران از عمل خیر پس آنهاست که میستند **اين مبارکه** ان الذين اسوا و  
 عكوا الصالحين كانت لهم جنات الفردوس و من لا يفي كسانه انما انوارها  
 اند و عمل صالح نموده اند برای ايشان است جنات فردوس و نيشكي و منزل که ساكن  
 شوند در آن در كتاب مجمع از جناب پيغمبر صلى الله عليه و آله روايت شده كه جنات  
 صد درجه است ميان هر درجه بقدر منافات ميان زمين و آسمان است فردوس بالا  
 تر جنت است از جنت درجه از ان جاري ميشود نهرهای بهشت و منكه بخوانند  
 از خداوند گريم پس فردوس را سوال نمائيد و بخوانند كه كتاب حق حكایت شده كه  
 از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه اين آيه مبارکه در شان ابی و زو مقدار و عمارين

ترجمه  
 آنکه

ترجمه  
 آنکه

ترجمه  
 آنکه

باس و سلمان فارسي را زنت اين جنات فردوس منزل و نماوي ايشانست مؤلف  
 اين حادثه و ايات مبارکه و چه در فضيلت برای جناب على بن ابي طالب عليه السلام قرار  
 دهد و ولايت جناب آنچه توضيح کند بجا باشد اين در مقدار و سلمان و عمارين باس  
 از احباب ائمه و خدام جناب امير المؤمنين عليه السلام بودند اين منازل و مدارج است  
 اند و من در شان انحضرت كابينت **اين مبارکه** قل لو كان البحر مدايا ليكلمات رب  
 لنفيد البحر قبل ان ننفذ كلمات رب و لو جئنا بمثليه مددا ليعق بگوهر گاه در زمان  
 مرگت باشد برای كلمات پروردگار من هر اینه مقام ميشود در با و كلمات پروردگار  
 من تمام ميشود مؤلف كويد من مناسب است در شان جناب امير المؤمنين صلوات الله  
 عليه كه هر گاه در باها مازود و زخنها فلم باشد هر اینه اخذای فضيلت و جمع منفعت  
 استبد و مولایي بنی آدم ميشود و در حادثه معتبره وارد است كه اين آيه مبارکه  
 در شان جناب امير المؤمنين صلوات الله عليه قرار گشت چه نيكو گفته يعقوا از شعر  
 كتاب فضل ترايب بحر كا و بهشت كه تركش نرا نكشت و صبحه بنما **اين مبارکه** ان  
 سورة كهف است قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الحكم آله واحيد من كان  
 بر خوايقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا جز نبوت كه من  
 بشرم مثل شما و حق ميشود بسو من بدست كه خدای شما خدای يكانداست پس هر كس  
 استبد لغای خدای خود را دارد و عمل خود را نيكو نماید و شراب قرار دهد و عباد  
 خدای حق احدی را از جناب صادق عليه السلام روايت شده كه از انحضرت سوال كردند  
 از اين آيه مبارکه فرمودند عمل صالح مفرق و ولايت ائمه عليهم السلام است لا ينيرك بعينها

ترجمه  
 آنکه

ترجمه  
 آنکه



ربه احد یعنی خا اضر نماید خود را برای جناب علی علیه السلام و در خلافت جناب علی بن ابی  
 طالب علیه السلام شریک قرار ندهد کسی که نیست خلافت از برای او و نیست او را ناهل  
 ان باز از حضرت فرمودند که عمل صالح معرفت خوانند است و هر کس در ولایت جناب  
 علی بن ابیطالب شریک قرار دهد بگریانا با خدا شریک قرار داده یعنی شریک قرار  
 دادن در خلافت و انکار نمودن ولایت آنحضرت را شرک بخدا است و اطاعت حضرت  
 اطاعت خداوند است **ای مبارکه** یوم نحشر المنافین الی الرحمن فذلک یوم  
الجزیم فی الجحیم و روز از جناب صادق علیه السلام روایت است که فرمودند که جناب امیر  
 المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شوال فرمودند از معنی این آیه  
 مبارکه یوم نحشر المنافین الی الرحمن فذلک یوم فذلک لا یموتون الا ذکابا  
 اولیک رجال ایتوا الله فاجتنبوا الله وارضوا عما لکم من نعمته المتعین  
 معنی این مبارکه اینست که روزی که محشور میگردانیم منافقین را و زحالتی که دارند و شک  
 باشند بر خدا یعنی بر منازل قریب خود که در بهشت اشتباه باشد و بر این کافران را بسو  
 و زح چنانکه بپایانم را دارند و زحالتی که تشنگان باشند یعنی آنها را تشنگ و پیا  
 بد و زح کنیم و رحمت دیگر هم هست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود  
 یا علی اینها یعنی منافقان شیعیان تو هستند **ای مبارکه** لا یموتون الا ذکابا  
من اتخذ عینا الرحمن عینا یعنی مالت نمیشوند شفاعت امکر کسی که در نزد خدا  
 قبول عهد نماید یعنی قبول کند ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را یعنی عهد و لای  
 آنحضرت شفاعت برای آنها است که قبول کنند ولایت **ای مبارکه**

در تفسیر این آیه مبارکه

در تفسیر این آیه مبارکه

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات یصلونهم الرحمن و ذلک انما یمکن انهم  
 آورده اند و عمل صالح بجای آورند که زود بگردانند خداوند رحمن از برای ایشان روز  
 در دلهای مردمان یعنی آنها را دوست و محب و گردانند خلق بنماید سبب نزول این  
 مبارکه اینست که روزی جناب مولا ی منافقان در خدمت جناب رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله نشستند بودند حضرت فرمودند از خدا بخوان ترا بخود و زنده شومین بفرماید  
یا ایها الذین آمنوا اخلصوا فی قلوبکم المؤمنین و این حضرت خواند بعد از آن این آیه  
 مبارکه نازل شد در کتاب کافی منقولست که مقصود از ولایت جناب امیر المؤمنین  
 علیه السلام است در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جناب رسول خدا  
 صلی الله علیه و آله در آخر نماز بوضو بلند فرمودند که منم منبشند الذین  
من علی المودة فی صدور المؤمنین و الطیبه و العظمه فی صدور المنافقین  
 یعنی خدا با عطا کن بغلی مودت را در سینه های مؤمنین و طیبیت و عظمت را در سینه های  
 منافقان بعد از آن این آیه مبارکه نازل شد که خداوند عالم فرمودند زود باشد که گردان  
 او را محب **ای مبارکه** یا ایها الذین آمنوا اخلصوا فی قلوبکم المؤمنین و منافقین  
قوما لکم قوم لذرا به بنی امیه تفسیر کرده اند یعنی پس از من نیست که انسان گردیم بر  
 تو قرار که بلغت تو فرستادیم ما اینکه بنی امیه و منافقین را و بنی امیه قومی را  
 که خصوصیت دشمنی ایشان میباشد و آنها منافقین هستند در کتاب کافی از جناب  
 صادق علیه السلام روایت است که فرمودند منم منبشند که خداوند عالم انسان گردان را بر  
 زبان حضرت رسالت هنگامیکه برانمود جناب امیر المؤمنین علیه السلام را علم هدایت پس

در تفسیر این آیه مبارکه



مجلس

بنارث دادند با مختصر مؤمنین او ترسانند که این را ای سر مبارک و ابی القاسم  
ایزنا بآمن و عمل صالحانم آهنگ خداوند عالم میفرماید یعنی بد رسته که من مرا به  
عقارم بر کسب که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید بعد از آن قبول هدایت  
کند مراد از آن آهنگی است که راه بنیاد بسو و لایب اهل بیت علیهم السلام در کتاب مجاز  
از حضرت سول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمودند جناب امیر المؤمنین  
علیه السلام با علی بن ابی طالب گمراه از نو شد که راه ابدی شد و دیگر هدایت بنیاد بسو  
خدا گنبد بنوی تو هدایت یافت در کتاب مجمع از حضرت باقر علیه السلام هدایت  
روایت کرده ثم آهنگی یعنی بسو و لایب ما اهل بیت قسم بخدای حق که هرگاه کسی  
خدا را کند مادام العمره درین کرم مقام بعد میزد در خالبت که در و لایب ما بنشد  
خداوند عالم او را بر فردا نش جفتم می اندازد ای سر مبارک و لعنه عهده ما الی  
من قبل فنیق لم یجید له عزما یعنی پیوسته که عهد کردیم بسو ادم از پیش بر  
فراموش کرد و بنافتم از برای او عزیمتی بنیان را مر از جناب صادق علیه السلام روایت  
شده که خدا بنفله فرمود ما عهد کردیم از ادم در عهد و علی و فاطمه و حسن و حسین و  
ائمته علیهم السلام بر فراموش کردیم و در عهدت دیگر هم هست که جناب باقر علیه السلام  
فرموده که خداوند عالم عهد کرد بسو حضرت ادم در حق محمد صلی الله علیه و آله و در حق  
ائمته علیهم السلام بر فراموش کرد و فرمود که این سبب حاجت نشد و سایر انبیا انانی  
که اولوا العزم هستند قبول نمودند و لایب را و فراموش نکردند و عهد دیگر هم هست  
از انجناب و فتنه عهد و پیشانی را انبیا اولوا العزم گرفتند خداوند عالم فرمود تا

مجلس

کلامی که

سفر

مضمون فارسی او این باشد که من رب شما هستم و محمد صلی الله علیه و آله رسول من  
است و علی علیه السلام امیر المؤمنین است و اولاد او اولاد من هستند و عزرا علم  
و نهنگ از ذریه اینها است نصرت مندم با و درین خود را و قوی منکم در وقت خود را با و  
استقام منکم با و از عذای خویش کرد ندید که خدا بشما که اقرار کردیم با رحمت ایمان و در  
با اینها و شهادت دادیم بر حضرت ادم تا مثل نموده انکار و نافراری بود که صاحب  
بسر ثابت شد عزیمت بر پیغمبر که جناب نوح و جناب خلیل و جناب موسی و جناب عیسی و  
جناب محمد صلی الله علیه و آله بنا برین حضرت ادم صاحب عزیمت شد که خدا بتعالی بنفرتما  
و لم یجید له عزما ای سر مبارک که من آتیع هدای فلایب یعنی پیوسته که  
که تابع شد هدایت مرا که راه و شفی نبشود و زحمتت اردانت که هدایت و لایب  
جناب امیر المؤمنین و اولاد انجناب است کسب که تابع امر آنها بشو هدایت بافتد است  
ای سر مبارک و من اعرض عن ذکر من له معیته منک و خیره یوم الفتنه  
اعنی قال رب لم خیر منی اغنی و قد كنت یصیر قال کذلک استلک با شایسته  
و کذلک الیوم نشی از جناب صادق علیه السلام روایت در کتاب کافی که یعنی  
خدا بتعالی فرمود هر کس اعراض کند از ذکر من یعنی از و لایب یعنی من انبیا علیهم السلام  
که معیشتان تنگ نبشود و محشور منکمیم و از در روز قیامت کور منکونید خدا و ما  
چرا محشور کردی مرا کوز و حال آنکه من بنیاد بودم میفرماید بترک کردی تو ابان ما را که نه  
باشد و فراموش نمودی هیچکس از من غایب ترا فراموش میکنم ای سر مبارک  
و کذلک بجزئی من آتیع و لم یجید له عزما ای سر مبارک که من آتیع هدای فلایب یعنی پیوسته که

مجلس

مجلس

مجلس







منصب ظاهری و است مرویست که قصر مشید کناه از جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 و بر مقلد جناب فاطمه و فرزندان ایشانست که حسن و حسین علیهما السلام را بشد کوه  
 ثقلین مستند و هر دو ایشان از ملک و حق خود مفضل شد اند علی بن ابی طالب و  
 روایت کرده که ابیه میا که بر مقلد و قصر مشید مثل است بر آل محمد صلوات الله علیه  
 اله که اب از آن برداشته نمیشود و اوقات ظهور ایشان قصر مشیدان قصر بلند است  
 و آن مثل است برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام برای ائمه سلام الله علیهم که اول  
 ایشانند و فضائل ایشان که منقراست ز همه عالم اینچنینست که شریعت و بلندی  
 بر همه دنیا چنانکه خداوند عالم فرمود لیسر علی الدین کله و جناح شاعر عربی که گفته  
 بر مقلد و قصر مشید مثل لای محلی مستطیر فالقصر مجد هم الذی لا یزول  
 و البیض علیهم الذی لا یتزیر یعنی چاه مقلد که از او آب برداشته نمیشود و قصر بلند  
 مشایخ و نبیها از برای آل محمد بر قصر عیانت از بزرگی ایشان که بلند نمیشود و  
 ایشان و چاه علم ایشانست که ابان یکشد تمام نمیشود ایک میا که و ما از سنانا  
من قبلک من رسول و لایبی الا اذ انعمی الی الشیطان از کتاب کافی نقل شد از  
 حضرت باقر حضرت صادق علیه السلام مرویست که ولا یحدی بجزایه شریفه است  
 شمه حدیثی که از جناب سید الشاهد علیه السلام مرویست مذکور است که محدث جناب  
 امیر المؤمنین علیه السلام است ایک میا که الا اذ انعمی الی الشیطان فی اینبیه قبیح  
الله ما یلی الشیطان ثم یحکم الله ابایه و الله علیهم حکم یعنی نفرستادیم ما پیش از  
 فرستادن تورا و هیچ نبی را مگر چون از تو کند میفکند شیطان در کار تو و او پس

و انما یلی الشیطان

و انما یلی الشیطان

را بل میگرداند خدا تعالی اینچنینی میکند شیطان پس ثابت میگرداند خدا تعالی اثبات خود را  
 و خدا تعالی انا است احوال بندگان و حکم است بقوه فعلی که کند بر وجه حکمت و معجز  
 باشد روایت شد از ابی عبد الله علیه السلام روزی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را  
 فقره از حضرت حضرت کریمه بودند شریف و زکند و یکی از انصار فرمودند انا در  
 تو طعام هست عرض کرد علی بن رسول الله پس بر غاله ماده را دینج کرد بریان نمود و بخت  
 حضرت از در حضرت عثمان موی کاش جناب علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در اینجا  
 حاضر میشدند پس اول و دومی حاضر شدند بعد از آن جناب امیر مؤمنان علیه السلام  
 شریف و زکند بود که این ابیه مبارکه نازل شد و ما از سنانا من قبلک من رسول  
و لایبی الا اذ انعمی الی الشیطان فی اینبیه قبیح الله ما یلی الشیطان ثم یحکم  
 الله ابایه یعنی و قبیح که از جناب خواهر و تمنا کرد که جناب امیر المؤمنین علیه السلام در  
 اینجا باشد لفا که شیطان در امتیه انحضرت یعنی در اینجا تمنا می نمود که آن روز  
 آمدند حضرت رسول و از وی حضرت امیر بود که میخواست جناب امیر شریف بنیاد  
 شیطان اولان و نفر را با آنجا رساند پس فرمود که خداوند عالم چیزی را که شیطان الفا  
 کرده که جناب امیر المؤمنین علیه السلام شریف آوردند بعد از آنها تم حکم الله ابایه  
 یعنی خداوند عالم ثابت و محکم میکند بر خلق یعنی نصرت میدهد جناب علی بن ابی طالب  
 السلام را ایک میا که و ان الله لهما الذین امنوا الی صراط مستقیم یعنی بدینکه  
 خداوند عالم هدایت کننده است کسانی که ایمان آورده اند بکتاب و حجت مستقیم  
 یعنی نام مستقیم بنابر روایتی که جناب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد کرام انحضرت

و انما یلی الشیطان



اینر میا که واکین کفر و کذب و ایانایان و لثک کلم عذاب منهن و بعد  
 قتی وادانت کسی که ایمان نیار و داند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 و امتداد اولاد او علیه السلام و نکین ایشان نمایند برای آنها عذاب خوار کننده هست  
 مراد از این است که امیر المؤمنین علیه السلام و جاهد و فی الله حق جهاد و جاهد  
 یعنی جهاد کند در راه خدا چنانچه سزاوار جها باشد و خداوند شما را بر گزیده است  
 جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و آیت شد که چون از جنگ و جدال بتو ک کشد  
 فرمودند و جند من الجهاد الا صغیر الجهاد الا کبر یعنی جمع کردیم از جهاد  
 بکو جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس و مخالفت کردن از جهاد اکبر است در حدیث وارد است  
 که حضرت باقر علیه السلام فرمود که خداوند پندار داریه مبارکه هو اجنبیکر ما اهل بیت را  
 قصد نمود عن الجیون یعنی ما هم بر گزیده گان این میا که و لثک کلم عذاب منهن  
 لغدنا السموات والارض من فیهن هرگاه تابع نبند حق خواهشهای ایشان را  
 هر آینه نباه و ناچیز نباشد آسمانها و زمینها و هر چه در آسمانها و زمینها است از ملا  
 و جن و انس و غیران از حق حکایت شد که گفتار است فساد آسمان بنامدن باران  
 و فساد زمین و زمین نماند و درین حال فسادنا هم حاصل میشود و نیز گفته  
 که حق درین به میا که جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین صلی الله علیه و آله و آله  
 که بی وجود ایشان آسمانها و زمینها فاسد و تباه میشد اینر مبارکه که انک کلم  
 الی میرا ط منینیم در حدیث است یعنی ای ولایا امیر المؤمنین علیه السلام یعنی یا محمد دعوت  
 میکنی توانهارا بکو و لایا امیر المؤمنین و این مراد انصراط الشیقیم است مگر اینر

اینر میا که

اینر میا که

اینر میا که

اینر میا که

اینر میا که

مبارک و این که اینر میا که و لثک کلم عذاب منهن و بعد  
 عن الامم انک کون یعنی کسی که ایمان بر آخرت بنا و داند و کارهایش منتهی انداز  
 امام هارون بعد از کشته اند اینر میا که و لثک کلم عذاب منهن و بعد  
 از نه لایمیت المستکبرین یعنی خداوند عزوجل میداند چیزی را که پنهان میکند و آنچه را که  
 اشکار میکند و بد رست که او سبحانه دوست میدارد متکبرین را در حدیث کبر  
 از متکبرین کسی را که کبر و لایب علی بن ابیطالب علیه السلام متکبرند یعنی از روی کبر و دانا  
 خود منکر و لایب جناب نبی باشند خداوند عالم دوست میدارد داناها را اینر مبارک  
 الله نور السموات والارض مثل نور کسکین فیها مضباح المصباح  
 رجا جده از حاجه گانها گوید ری یوقد من شجر مبارک که زبونه لایمیت  
 ولا غریبه بکاد زبونها یضی و لوقد تمسک نار نور علی نور بهندی  
 لیون من ربنا و یضی الله الامثال للتایس والله یحکم فی علمه یعنی خدا نور  
 آسمانها و زمینها است صفت نوریکه مستویا است مانند روزنه ایست و در  
 که نهایشان بخارج راه ندارد و مانند خاچه پنج بسته که در آن چراغی فروخته در فند  
 است از اینکینه که مصباح در آن نورانی تر است ان ابکینه از غایت صفا و لطافت کوا  
 ستان ایست بزرگ و درخشند ان چراغ که از اینکینه است فروخته شد و از ایندا از  
 روغن و رخت بابرکت بسیار نفع که ان زبونه است که در زمین مقدسه رست  
 نه در جانب شرق است از مغرب و در طرف غرب از مغرب و در یکست و غن اندر خند  
 روشن و نه بنفخ خود و اگر چه نرسیده باشد بآن اش روشن و فروز باشد بر رسته

اینر میا که

اینر میا که



راه منتهای خدا بنور ثابت خود هرگز میخیزد و میان میکند مثلها را برای مزه جان  
 و خدا بهر چه خواهد داد اما است از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرموده اند  
 الله نور السموات والارض مثل نور جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 کشف ان سینه مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است نور علم و رانجا  
 بنو است المصباح فی زجاجه چنانچه غیبت و شیشه علم آن رسول الله است که برشته  
 است بگویند جناب علی علیه السلام که با قلب مبارک خیر المومنین علیه  
 زجاجه است از جاجه کاشا کوکب در یوسف من شجرة مبارکه زبونه لا شجرة  
 ولا غیر کینه یعنی لا یهوی و لا یضرب از جناب صادق علیه السلام منقولست که  
 فرموده اند این کوکب در جناب امیر المومنین علیه السلام است که افروخته شده  
 از شجره مبارکه ابرهیمیه نه که یهود است و نه نصرانی که از آنها یضرب و لوله کینه  
 ناز از جناب صادق علیه السلام مرویست که نزد بکت که علم خارج شود از  
 دهن غار ال محمد که جناب امیر المومنین و امامان از اولاد حضرت است پیش از  
 آنکه نطق کنند بان یقین نور علم حضرت روشنی میدهد پیش از بیان نور علی نور  
 یعنی الامام فی آخر الامام ان امام بعد از امام است ایضا مبارکه فی بنو مبارک  
 الله ان رجع و یزید کفرها انما یعنی ان مشکون در خانه نبیست که خداوندان  
 که بلند شود و ذکر کرد نام خدا در آن خانه ملد از بیوت بروایتی خانه های نبی  
 و خانه علی بن ابیطالب صلوات الله علیه از آنها است در حدیث دیگر از جناب باقر  
 علیه السلام منقولست که قناده یکی از بزرگان علمای اهل تشنه است عرض کرد جلالت خدا

نور

قسم بخدا هر آنکه تحقیق نشستم در پیش سوخته های پس قلب من مضطرب نشد پیش  
 روی هیچک از آنها چنانکه مضطرب شد و در پیش روی تو حضرت فرموده اند  
 در لگجانی تو و کجا نشسته در مقابل بیو نشسته که خداوند عالم فرموده فی بیوت  
 الله ان ترفع نا احرانه پس تو در اینجا و ما ان بیو هستیم قناده عرض کرد صدق  
 والله جعلنی الله فداک باین رسول الله قسم بخدا مراد از بیوت خانه های کلی و تنگ  
 نیست بلکه میباشد این مبارکه و اذا دعوا الی الله و رسوله فیکم بههم  
 ان یقولوا سمعنا و اطعنا و اولئک هم المفلحون در حدیث است که مراد از  
 این به جناب امیر المومنین علیه السلام است یعنی چون خوانده شوند بکجا خدا  
 و پیغمبر و نا حکم کنند همان ایشان بوقت محاصره آنکه گویند شنیدیم قول را و فرما  
 بر ما را و امر را و اگر چه حکم بر ما باشد نه برای ما و انکرمه مومنان ایشانند  
 رستگاران و مراد از مفلحون اینجاست ایضا مبارکه و عدا الله الذین امنوا  
 منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلفنا الذین من  
 قبلهم و لنمکن لهم الذی رضی لهم و کتبنا لهم من نعمت یخوفهم انما  
 یبغضون و نبی لا یشیر کوشی شهاب و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون  
 و عده کرده است خداوندان کسان را که ایمان آورده اند و عمل صالح نموده اند  
 این خلیفه کرده اند خداوندی ایشان را در زمین یعنی بعد از پیغمبر چنانکه خلیفه گردانند  
 او بسیار اقبل از آنها و هر آنکه متمکن و ساکن سازد و باقوت گرداند خدا چنانکه  
 برای ایشان در ایشان از ان نبی که برگزیده است برای ایشان که اسلام است

نور

نور



مکتبہ اسلامیہ  
کراچی

الظالم على يديه ويقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا يا ويلتني لم  
أخجل ملائكا خيلا يعني وزر به منكره ظالم و دوست خود را که او را نباشد مگوید  
ایکاش بار رسول خدا را می نداشتم یعنی علی بن ابیطالب را اخذ میکردم امام مفسد او را  
داد و ست نمیکردم و او را اختیار نمینمودم **ایضا مبارکه** لقد اختلف عن الكثير  
بعد از جانی و كان الشيطان يلاينان خدا و لا یعنی مزایه بجفتن کراه کرد مراد  
او از ذکر خدا بعد از آنکه امد بسو من ذکر خدا و حکم شد که ولایت جناب علی بن ابیطالب  
عليه السلام بقول کم ذکر شد نیست که ذکر ولایت انحضرت است **ایضا مبارکه** هو الذي  
مرج الخبز هذا عذب قرآن وهذا ملح اجاج یعنی خداوند عالم انکسبت که  
خالی کرده و دوزخ را با اینگونه که مشبه نشوند یکدیگر یکی شیر و یکی شور و تلخ  
از کتاب کافی حکایت شد که از ائمه علیهم السلام را رد شد که خداوند عالم نشان داد و لا  
ما را برد و باها هر کدام ولایت ما را قبول کردند شیر و کوارا شد و هر یک که قبول  
و منکر کردند بدند شور و تلخ شدند **ایضا مبارکه** هو الذي خلق من الماء بشرا فجعله  
نسبا و صهرا و كان ربك قديرا یعنی خدا انکسبت که خلق کرد از آب بشری پیر  
او را نسب کرد پسند و داماد کرد و بود پروردگار نوراناد از کتاب مجمع و اینست  
در احادیث معتبره وارد شد است که ای مبارکه در شان جناب امیرالمؤمنین علیه السلام  
ناراست که انحضرت منسوبو با جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله بسبب صلیب که بر سر  
انجناب بود از صلیب عبدالمطلب بودند و داماد بود بجهت خورشفاطه سلام الله  
علیهما حکایت شد از کتاب مالی با سند معتبره که نسبت در این با من بن مالک

وَاَمْرًا بِحُلَاةٍ اَمْلَا  
 بَطِيْنًا اَحَدًا مَّا اَلَا اَبْر  
 مَعِ الْاَجْمَعِ  
 مَعِ الْاَجْمَعِ بَطِيْنًا  
 اَمْلَا اَحَدًا  
 بَطِيْنًا اَحَدًا



میشود که از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله سوال کرده بفرموده خداوند عز و جل برادرش  
 فرمودند علی بن ابیطالب از من استغرض کرد و فدای تو شوم بیان فرما که علی چگونه  
 برادرش حضرت فرمودند خداوند عز و جل خلق کرد این را در زیر عرش سینه صغری  
 سال قبل از خلق آدم و ساکن کرد ایشان را برادر و برادران و برادران و برادران و برادران  
 آن خلقت آدم در غامض علم خود تا زمانیکه حضرت آدم را خلق کرد پس نقل نمود آن  
 آب را از آن تولد پس جاری نمود بصلب آدم و قبلیکه قبض و رخ اخفش نمود نقل کرد  
 آن آب را بکوسن بشت بشت در پشت تا بصلب عیسی المطلب بعد از آن شفا کرد  
 خداوند عالم نصف بصلب عبدالله و نصف دیگر را بصلب یونس المطلب بعد از آن بصف  
 آب هستم و علی از نصف دیگر است پس علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من است  
 در دنیا و آخرت اینها که و بعد از آن من در کون الله ما لا یفهمهم ولا یفهمون  
 و کان لکافر علی ربه ظهیر یعنی عبادت میکنند غیر خدا چیزی که نفی و ضرر  
 با ایشان نمیشناسند و بود کافر بر پدر و در کار خود ظاهر لفظ علی بمعنی ضرر است و  
 الظهیر بمعنی ایمن و یمنای علی به بالایداء مثل قوله تعالی ان تقاها تعاهرا علی  
 تقاها یعنی غایب و مخفی باشد و بالی و بالی و کافر و کافر و کافر و کافر و کافر و کافر  
 هم بشت است بکافری مثل خود بر ضرر و بر رت خود و در حدیث دیگر از تنی و از  
 است که کافر در دنیا به مبارکه و دوستی است که بر جناب امیر المومنین علیه السلام  
 بود یعنی و بعضی بر ضرر و انحصار هم بشت بود با اولی اینها که و الذین لا یستعینون  
 مع الله لیسوا الا بالحق و لا یستعینون مع الله الا بالحق و لا یستعینون مع الله الا بالحق و لا یستعینون

اینها که

و اینها که

یعنی

یفعل ذلک یلقی آثامنا بضاعت له العذاب یوم الیموم و یجذبهم بها  
 الا من تاب و امن و عمل عملا صالحا و انک الله سبیلهم حسنات  
 کان الله غفورا رحیما یعنی هر کس که زنا کند و قتل نفس نماید و با خدا با بخود خدا  
 دیگر را بخواند برگردد و به پند جزای بدکاری خود را و کونیند نام جاهلی است و جهنم  
 اگر سنگی از کنار او رها کنند در مدت هفتاد سال در قدر آن رسد و و چند آنکه  
 شود مراد از عذاب روز قیامت مخلص است و جهنم مکرر کنیکه توبه کند و اینها  
 آورد و بکند کارهای شایسته پس خداوند عالم کاهان ایشان را متبدل میکند  
 به شکوینها و هست خدا امر زن کاهان کاهان کاهان بویه و هست خدا ایشان  
 مهران بایشان در کتاب آمانی و ذات شد است که از جناب محمد باقر علیه السلام  
 سوال کرده شد از تقی بن ابی مباحه فرمودند و زد میشود مؤمن کاهان کار یعنی  
 از شعبان ما اهل بیت تا آنکه باز داشتند میشود بوقف حساد در روز قیامت  
 خداوند عالم میباشد آنکه مباشرت و قیام میباشد بحساب او و مطلع نمیکرد  
 بر حساب او و کثیر از مردم یک میشوند با و کاهان و زان و قبلیکه اقرار نماید  
 به بدیهای خود و بفرماند خدا تعالی که نویسنده کاران اعمال که متبدل کند اعمال  
 شیعه اهل بیت را بحسنات و مومنان سازد با حسنات را که کبی مطلع نشود پس  
 در آن هنگام خلافت میکنند ما کان لهذا الفکر سبیل و احسنها بنو و از برای  
 این بنی بک کاهان بعد از آن امر مهران با و خداوند او را داخل بهشت کند و انک  
 یبدل الله سبیلهم حسنات پس اینست تا و بلایه و این و کاهان از شعبان



ما بخصوصه هست که گناهان ایشان را بدک به بنکوبتها میکنند در حدیث  
 انما بیحقی لیسوا ربنا من انما من محمد باقر علیه السلام فرموده اند در روایات  
 خداوند عالم امر میفرماید جنات دشمنان را بکمر بند و نشان مارد کنند و  
 گناهان شیعیان و محبان مارد اگر نه ببرد دشمنان مارد نمایند **ایها مبارک**  
والله یقولون ربنا هب لنا من اولادنا و ذریا قرة اعین واجعلنا  
للسلفین اماما ما یعنی دیگر عبدا الرحمن مانند که از دگر بناز میگویندای پروردگار  
 ما بخش ما را از زنان ما و فرزندان ما که نشود و بشود ما باشد و بگردان ما  
 برای برهنگاران پیشوا یعنی ما را چنان توفیق برهنگاری که شایسته امامت  
 متعین باشیم از کتاب جوامع نقل شده که جناب صادق علیه السلام فرموده ما  
 خداوند تعالی کرده است و در روایت دیگر وارد شده است که این آیه در شان ما  
 نازل شد و از مناقب نقل شده که این آیه مبارکه که مخصوص جناب است ثابت است  
 اکثر دعای آنحضرت این بود **ربنا هب لنا من اولادنا و ذریا قرة اعین** مراد از ذریه  
 جناب فاطمه علیها السلام است و از ذریات حسن و حسین علیهما السلام از حضرت امیر المؤمنین  
 علیه السلام مرویست که آنحضرت فرمود قسم بخدا من هرگز اولادی نخواهم  
 خوش و خوشتر قامت و لکن من از خداوند سوال کردم اولادی که مطیع باشند و  
 خدا تعالی او خائف و ترسناک باشند از خدای عزوجل تا آنکه زمانیکه نظر کنم بگو  
 او و حال آنکه مطیع باشد مرا و او را و خائف و وحل باشد چشم من روشن شود  
 معنی واجعلنا للسلفین اماما حضرت فرموده یعنی بگردان ما را برای متعین امام و پیشوا

و این دعا را  
 در روزهای  
 پنجشنبه و  
 شنبه بخواند

افند انما هم بکسانیکه قبل از ما بوده اند پس افند نمایند بکسانیکه بعد از ما  
 در حدیث دیگر از قبیل مرویست که جناب صادق علیه السلام فرموده که ما اهل  
 بیت ایمانیم که این دعا را میگویند و قبی فرموده که روایت شده بدستیکه از و ارج  
 حدیث دیگر است و در روایت ما فاطمه زهرا است قرة اعین حسن و حسین است و  
السلفین اماما جناب علی بن ابیطالب و اولاد طاهرین علیهم السلام است **مولى قرة**  
 یعنی ملا از لفظ متعین آمده سلام الله علیه من خواهد بود و بنا برین دعا کنند حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله میباشد نه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام **ایها مبارک**  
واجعل لی من الانبیاء من و ارجل من و رثة جنت النعم یعنی بگردان  
 برای من از انبیا و از رشتگان من و از رشتگان من و از رشتگان من و از رشتگان من  
 نامی و از رشتگان من و از رشتگان من و از رشتگان من و از رشتگان من  
 بهشت پر نعمت را خرد و کعبه است از قبیل دارد است که نشان صد جناب است  
**ایها مبارک** و آنکه لیرزقنا ربنا الغالبین یرزقنا ربنا الغالبین یرزقنا ربنا الغالبین  
یرزقنا ربنا الغالبین یرزقنا ربنا الغالبین یرزقنا ربنا الغالبین یرزقنا ربنا الغالبین  
 علیه السلام نازل شد است جناب محمد باقر جناب جعفر صادق علیه السلام فرموده  
 مراد از لفظ انه و لا است جناب امیر المؤمنین علیه السلام است اینچنان و لا آیه که نازل  
 در روز غدیر حرم برای جناب امیر المؤمنین علیه السلام بلیان عربی او را چونکه نشان  
 قوم حضرت خنیاب عربی بود علی بن ابی طالب است و جناب صادق علیه السلام روایت کرده  
 در تفسیر آیه مبارکه و کونز لنا علی بعض الانبیاء قرة اعین ما کما نوابه مؤمنین

و این دعا را  
 در روزهای  
 پنجشنبه و  
 شنبه بخواند

و این دعا را  
 در روزهای  
 پنجشنبه و  
 شنبه بخواند

و این دعا را  
 در روزهای  
 پنجشنبه و  
 شنبه بخواند



سید محمد

پیش

شدند پس حضرت فرمودند که وصی و وزیر خلیفه من میشود پس ابولهب علیه السلام  
گفت محمد شما را محضر کرده که قطعاً پس متفرق شدند چون روز دهم شد حضرت جمع کردند  
انهارا و بهمان قسم نمود پس اشامانند شیرا با ایشان تا آنکه شیرند باز فرمودند  
کدام یک از شما وصی و وزیر خلیفه من می شود باز ابولهب علیه السلام گفت محمد شما  
محضر کرده پس متفرق شدند پس چون روز نهم شد امر فرمودند جمع شدند و باز  
بهمان نوع نمود پس اشامانند با ایشان شیر را تا آنکه شیر شدند بعد از آن باز فرمودند  
کدام یک از شما وصی و وزیر خلیفه من میشود و فایمکنند بوعدهای من و از آنیکند  
قرض مرا پس جناب امیرالمؤمنین علیه السلام برخاستند خال آنکه کوچک تر است  
بجست یق و باز یک ترین ایشان بود بحسب ق و کمترین ایشان بود بحسب مال پس  
عرض کرد بار رسول الله من هستم حضرت فرمود تو از وصی که خلیفه من و وصی من  
و وزیر من و وفاکنند بوعدهای من و ادا کنند قرض من است **ایکامبا**  
**و قال یا ایها الناس علیکم منوطاً بالظیر قاتلتنا من کل شیء یعنی حضرت سلمان**  
**گفتای مردم اموخته شدیم زبان مرغان را و از هر چیز داده شدیم در گنج**  
**بصا شرا** جناب امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شد است که آنحضرت فرمودند  
باین عباس بدرستیکه خداوند عالم بما تسلیم فرمود زبان پزند کار چون سلیمان  
این آورد تعلیم نمود همچنان اموخته بان هر چند را که در روز باشد عمر این  
**علیکم السلام لانه وقع عینک و ج و ز شایع علی الحایط و هدا هدا لهما فرمود**  
**علیهما کلامهما ساعة ثم نهضاماً خارا علی الحایط هدا لک ذکر علی لانی**

دینا

من مکتوبات حضرت امام علی (ع) به حضرت عثمان (ع)



ثم نهضوا فمشى عليهم السلام ما عهد الطير فقال كل شيء حلفت الله على طير او  
 بهيمة او بشي فيه روح فهو اسمع لنا واطوع من ابن آدم ان هذا الوتر شاطئ  
 بامرهم يفتككفت كه ما ضلت فقال رضى محمد بن علي عليه السلام فرصا بوق  
 انه لها ظلم فصدتها از حضرت با فرعليه السلام روايت شده است كه بگفت  
 كيو تر ميديد بجا دست انحضرت از بالاى بوازير بين فرزند اندن و از در دادند  
 او از خود را بپس حضرت رد كرد برانها كلام ابشار اساعتي بكنه ناكساعت جواب بپاشا  
 فرمود پس بپاشا شد و پريدند ببالاى بوازير كيو تر با ساد ساعتي گفت كوكرد بپاشا  
 بپاشا شدند و پريدند پس از انحضرت سوال شد اين مرغها چه بودند حكايه اين مرغها  
 چه بپس حضرت فرمود هر چه نيك خدا خلق كرده از پرنده و يا چيريكه صاحب  
 مطيع تر و شينون تر است براي ما از بپي آدم باز و بسكه اين كيو تر بمرحبه خود كان  
 كرده بود پس بختان قسم خورد براي او كه نكرده اينچيزي ناكه كان كرده كيو تر كفت  
 را حق ميشويم بجا كه محمد بن علي عليه السلام پس را خوش شدند پس من خبر دادم او را كه ظا  
 است مرز و جانش را بپس قضيتي نمود و وجه خود را اخبار كشته و در اين معني دارد است  
 كه طيور و ساير حيوانات تكلم با ائمه سلام الله عليهم را طاعت و انقياد بپاشان ميخوانند  
 اياك مباكلا قل الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى يعني بگو حمد  
 خدا براى است و درود بركند كان او سبحانه و تائيد كه ابشار از اينكه است و در  
 جوامع روايت است كه ابشاران الحمد لله كه جناب على ائمه از اولاد ظاهرين و ضلوا  
 الله و سلا عليهم ميپاشند اياك مباكلا من يحب المضطر زاد عاه و بكيف

نيك  
 نيك  
 نيك  
 نيك

مبيند

التوبة و يجمعكم لخلق الاكرض اجاب صاود عليه السلام و رويست كه اين را به او رساندند  
 و دشان جناب قائم ال محمد صلى الله عليه و آله يعني او قسم بجا اينجناب مضطري  
 كه چون در ركعت نماز گذارد و در مقام ابراهيم عليه السلام و بخواند خداوند  
 جل را مقرون با جانب نمايد دعاى او را خداوند بپارزد و در ركعت اول و در ركعت  
 در ركعت دوم اينحضرت را ابراهيم عليه السلام و اذ اوقع الكفول عليهم ابراهيم عليه السلام  
 دانه بين الارض تكلمهم ان الناس كانوا باينا لا يوفون يعني چون واقع  
 شود گفتند كه ان وعده عذاب است بر ايشان بپروان و زير ايشان جيند و از  
 زمين سخن گويد با ايشان نكده مردمان بودند بختان ما از وعده و وعده خسر  
 نشر از سريقين تصديق بان نميگرددند فتنه از جناب خدا و عليه السلام روايت كرده  
 كه روزى جناب رسول خدا صلى الله عليه و آله بنزد جناب امير المؤمنين عليه السلام رفت  
 بزدند در خالبتكه انحضرت فذري از زبان جمع كرده بزرگداشتند و در سينه خواهند  
 بودند جناب رسول خدا صلى الله عليه و آله كه حركت ارادند انحضرت را و فرمودند بپاشا  
 دابة الارض بعضى از اصحاب عرض كرد كه جفلسا فداك بپاشا منكران از ما پاره ديكر را  
 با اين اسم حضرت فرمودند لا والله نميپاشان اسم مكر مخصوص با و اين دابة است كه  
 خدا در فرموده ما اينچاشكه فرمودند با على چون اخرا زمان ميشو خارج ميكند خدا  
 تراد و احسن صورت و معك قسم قسم به اعداءك تا اخر خدا و سم بسم داغ نهاد  
 و ميكنم الله داغ است يعني در ركعت توالف داغ است كه دشمنان خود را داغ ميشود  
 نشان ميكني از جناب صاود و عليه السلام باز روايت است كه شخصى از عمار بن ياسر

نيك  
 نيك  
 نيك



کرد که این آیه مبارکه را بنویسد و در میانداختن غار فرمود کدام آیه عرض کرد این آیه  
 مبارکه و آخر جنازه را از آن آیه از زمین آیه الارض چیست کجاست عمار جواب داد که  
 بخورم و بجای شام و نمیشوم تا اینکه بنوشانم و هم یک عمار با آن شخص آمدند و بخدمت  
 با سعادت جناب امیر المؤمنین علیه السلام در خالیتکه آن شخص خربار و مسکین و نادان  
 منیر بودند حضرت فرمودند ای ابوالقحطان بنی بجوز پس عمار آمد و نشست و با آن  
 جناب مشغول بخوردن شد پس آن شخص بگریه و پشیمانی عرض کرد ای امیر المؤمنین  
 گفت سبحان الله تو قسم خوردی که بخور و بنیاشامی و نمیشی تا اینکه دابة الارض را  
 بمن نشان دهی عمار فرمود و نمیشی نموده بود دابة الارض را اگر دانا بود میشناخت  
**ایکلا مبارک** که من جاء بالحق من ربها و هم من فرج يومئذ المومنون  
 و من جاء بالبينه فكتب وجوههم النار يعني هر کس بیاورد که نبگوئی پس او را  
 جزایش بهتر از آن فعل نبکو و ایشان از هول عظیم در روز قیامت میترسند و هر  
 یکند خصلت بگردان پس بگویند که شود و در میان ایشان در افتاد و در حدیثی وارد  
 است که حسنه قسم بخدا که ولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و تنه  
 قسم بخدا پیر و بی دشمنان آن شخص در کتاب وضو الواعظین از جناب باقر علیه السلام  
 روایت است که حسنه ولایت و حب جناب امیر المؤمنین علیه السلام است <sup>عادت</sup> سینه  
 و بعضی آن شخص است هیچ عمل با بعضی عداوت و بلند و مقبول نمیشود **ایر مبارک**  
 و قل الحمد لله سیرتکم آياته في غير قوتها و ما ركب بغا فاعلموا ان در حدیثی وارد  
 است که ایات جناب امیر المؤمنین و ائمه از اولاد ظاهرین اینجانب است تا آخر حدیث

بزرگوار است که در پیشگاه

نیکو

نیکو

قال امیر المؤمنین علیه السلام و الله ما يقرب اليه اكرم مني يعني منم مجد از من بزرگتر است  
 برای خداوند نیست **ایر مبارک** انك لا تعلم من اخيت و لكن الله بهد  
 من نيت و هو اعلم باليهندين و من شان جناب ابوطالب علیه السلام که پدر زکریا  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام است در کافی از جناب ضاق ضلو الله علیه و آیت  
 شد که مثل ابوطالب مثل آنجا که فاسد است که پنهان کردند ما را و کفر را ظاهر  
 نمودند صاحب قبر شما میگوید جناب ابوطالب که ایمان خود را پنهان میکرد و محبه  
 آن بود که قدرش زیاد تر باشد بر نصرت و هواداری جناب سول خدا صلی الله  
 علیه و آله فانه الله اجرهم مرتین پس خداوند عالم داد ایشانرا اجر دو مرتبه  
 یعنی دو اجر میدهد در اخلاص و از حدیثی وارد شد که شخصی بخدمت جناب امیر المؤمنین  
 علیه السلام عرض کرد که تو درین مرتبه هستی که خدا بقای بنو کرامت فرمود یعنی امیر مؤمنان  
 و پدر کن ابوطالب در ذات جهم معذب میباشد حضرت فرمودند که قصر الله فاك  
 یعنی ساکت شو خدا همان ترا بشکند قسم با خدا بشکند محمد را بر آنکس که تسابیح حق  
 هرگاه بدرد من هر گناه کار بر روی من شفاعت کند مرا آینه خدا قبول مهرش  
 مرا آینه بدرد من را آن جهم معذب میباشد و حال آنکه پسر و قسم التار و الجنة  
 یعنی این نخواهد شد **موقوف** که یکم بحال این شخص را دان که ابوطالب و  
 ابام جاهلین بوی ایمان در باطن نیاید و در کفر بواعث بالله چنانکه در حدیثی وارد  
 است مجد جناب صادق علیه السلام عرض شد که مردم گمان میکنند که ابوطالب  
 کافر بود پس حضرت فرمودند دروغ گفتند چگونه او کافر است خال آنکه این آیه را

قصص



گفته است که گفتوا اما وجدنا محمداً نبيا كونه خطا في اول الكتاب...  
بگوشت که کتاب اول ای لوح محفوظ یعنی ایندانشنه اید شما بدرستی که  
ما محمد را یافته ایم پیشتر مثل موشه است در کتاب اول که لوح محفوظ  
باشد در حد دیگر گوار داشت که چگونه ابوطالب را فرستاد و حال آنکه او نمیکند  
ایستاد منظومه لقد علمنا ان ابنا لا مکذب لدینا ولا یفشی بقول لا یاطل  
هرینه تحقیق داشته اند بدستیکه پسوانگدین کرد شد نیست ز من و ما  
گفته میشود بقرآنیهای داخل کافران و بعضی بنسبی القسام بوجهی ثمال لیسنا  
عصمه لارامیل یعنی پاک دامن و نفس شریفیست که طلبی دارند کی بر کین  
روی انجناب یعنی برکت و فی انجناب طلبی دارند خداوند مبعوث و فریاد رس  
متکمل با موبتیمان و حفظ نماییم زمان یعنی پیش پناه بیتمان و پیوزنان  
میباشد از جناب امام بحق ناطق جعفرین محمد صادق علیه السلام و زانست  
است که فرموده جبرئیل نازل شد است بر رسول خدا صلی الله علیه و آله که با  
محمد بد زستی که بر در کار تو سلامت میسراند و منبر نماید که من حرام کردم است  
جهنم را بر ضلعی که فرد فرستاد است ترا و بطنی که ترا حمل کرده و کار و حجر که ترا نکا  
داشته پس صلب ضلع پرت که عبد الله بن عبد المطلب است و انجناب بطنی که  
ترا برداشته است پس امنه بنت وهب است و اما حجر یعنی امان پس امان ابو  
طالب است و این کنایه از مرتب است چون ابوطالب مختص را تربیت کرد و متکمل  
امورا مختص بوزار طفولت تا بزرگ شدنند او را که لا اله الا هو کل

وتمت کتبنا  
بجمله  
مستخرج  
من کتاب...

فصل  
در...

شیء هالک الا وجهه یعنی نیست خدای جز او سبخیانه هر چیز هالک می شود مگر وجه  
خدا مؤلف گوید که خداوند جل علاه من و میرا است از اینکه در حقیقت و ذات  
باشد بلکه درین اوهلاک نمیشود و هالک نمیکرد و وجه او که ائمه هدی باشند با  
و مقام حق هستند جناب صادق علیه السلام فرموده نحن وجه الله الذی لا یهک  
یعنی جناب امیر المؤمنین و ما امان از اولاد ظاهرین و کجما الله میباشد که زایل  
نمیشوند باز از انحضرت روایتست که هر کس را طلعت خداوند در سوخته و آینه  
نمیچید و هر چه امر کنند قبول نماید پس آن وجه خدا است که هلاک نمیشود و حدیث  
دیگر وارد است که وجه الله بالقرآن جناب امیر المؤمنین و اولاد انجناب  
مستطابست و عن الباقر علیه السلام فی هذا الاية فیهی کل شیء و بقی وجه الله  
والله اعظم من ان یوصف بالوجه و لکن معناه کل شیء هالک الا وجهه و عن  
الوجه الذی یؤتی منه لن یزال فیما یرید و ما یرید و اقیم الصلوة ایت  
الصلوة شکی عن الفحشاء والمنکر و ذکر الله اکبر در احادیث و روایات وارد  
است لکن صاحب تفسیر صافی متوجه شده که صلوة ایشان جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
است که ولایتنا مختص فی میکنند از فحشاء و منکر از روایات دیگر که مستفاد  
شده اولی و دومی است جناب امام محمد باقر علیه السلام فرموده نحن ذکرا لله و  
نحن اکبر یعنی ما هستیم ذکر خدا و ما هستیم بزرگتر از شما که و ما یحیی با انبیا  
الا الکافرین یعنی انکار نمیکند اباث ما را مگر کافران از علی بن ابی طالب قوی  
شد که گفته در ذیل این آیه یعنی ما یحیی با انبیا و الا یمه علیه السلام الا

مستخرج من کتاب...

مستخرج من کتاب...

مستخرج من کتاب...



الكافرون يعني انكار نمکند امیر المؤمنین و ائمه را مکر کفار اینها را مکر  
 بل هوایات بینات فی صدور الذین اولوا الفهم و کتاب کافی و اوست که بنید  
 امام محمد باقر علیه السلام اینها به مبارکه را ندانند فرمودند و ایشان فرمودند  
 مبارک خود بگویند مبارک خود یعنی یات بینات در سینه های ائمه علیهم السلام  
 است که علم با ایشان داده شده است **اینها مبارک و الذین جاهدوا فینا**  
**لنهدینهم سبلنا و ان اتلفکم الخبیثین** یعنی کسانی که جهاد میکنند در راه ما هلاک  
 هدایت میکنیم ایشان را بگوراه خود و بدو نیست که خدا فرستاده که با بنو کار است از جناب  
 امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرمودند اینها به مبارکه برای ال محمد و  
 شیعیان ایشانست یعنی کسانی که جد و جهد کنند در راه ما ایشان را بسو و لا یشال  
 که سبل ما هستند هدایت میکنیم پس انکسان شیعیان خواهند شد و ائمه از آل محمد  
 سبل و راههای خدا هستند از کتاب معاصی حکایت شد که از آنحضرت روایت شد  
**اینها المؤمنین علیهم السلام الا و ان مخصوص فی القرآن بایمانه اخذوا و ان یصلوا**  
**علیها فاصیلوا و ینکم انا الحسن بقول الله عز وجل ان اتلفکم الخبیثین** ائمه  
 مبارک و له المثل الاعلی فی السموات و الارض هو القدر الحکیم یعنی بر خدا  
 مثل اعلی در آسمانها و زمینها و او است عزیز و حکیم و رحیم و اخبار از حضرت امام رضا  
 علیه السلام مرویست که جناب سو خدا صلی الله علیه و آله مجتهد امیر المؤمنین علیه السلام  
 مفرمودند با علی انک المثل الاعلی در راه است که فرمودند در آخر خطبه خود  
 کلمة التقوی و سبیل الهدی و له المثل الاعلی در راه است که فرمودند

کتب معتبره  
 بدست

کتب معتبره  
 بدست

کتب معتبره  
 بدست

السلام علی ائمة الهدی ما انجا بک فیقرها بد و رتبه لا یبقی و المسئل الاعلی ائمه  
 مبارک فایم و جهلک للذین خیفان بن خیفان اشاره است بسو و لا یشال جناب امیر  
 المؤمنین علیه السلام بر و اوست **اینها مبارک و الذین جاهدوا فینا**  
**لنهدینهم سبلنا و ان اتلفکم الخبیثین** و هم لا یستکبرون تجا فی جنوحتهم  
 المصراع بدعون ربهم خوفا و طمعا و یأمرهم بقیعون و کتاب علی از  
 جناب امام محمد باقر علیه السلام روایت شد ما انجا بک فیقرها بد و رتبه  
 شان جناب علی بن ابی طالب علیه السلام با نایع و شیعیان انحضرت شد که در اول شب سجود  
 پس چون دو نلث از شب گذشت با فر فرستاد خدا خواسته باشد که فرج کواشفاته و لجا  
 میکنند بسو خدای خود در خالینکه هر سان هستند از عذاب خدا و طمع دارند و در  
 انچه بک نزد خدا میباشند ظاهر میباشند اینها را که جز نیست که بصدق میباشند با  
 ما انجان کسانی که چون بخاطر ایشان آورده شود آیات معانی افتد بچند و بسبب  
 با حمد و زود کار خود و ایشان تکرر نمیکند کنار و در زمین و پهلوهای ایشان از  
 خوابگاه خود و میخواهند خدای خود را از خوف و طمع و نفاق میکنند از چیزها  
 ما با ایشان رو کرده ایم **اینها مبارک و کذب یقینهم من القذاب الاعلی و القذاب**  
**الا کبر اعلمهم بر حیون** یعنی مزایه البش میباشند آنها را از عذاب دانی که نزد  
 تر است سو عذاب اکبر که قیامت شاید آنها را رجوع کنند و جمع از حضرت صفای  
 علیه السلام روایت شده است که فرمودند که جناب علی بن ابی طالب علیه السلام با  
 و لید بر عقبه مشاجره و غاصه نمودند و لید فاسق ملعون کفشا و الله ابسط یمینک

کتب معتبره  
 بدست

کتب معتبره  
 بدست

کتب معتبره  
 بدست

کتب معتبره  
 بدست



الكنية  
الشيخ

20

فی سبیل اللہ



با یکی دوست مدارد و با یکی دشمن بدارد و ما محبت ما پس خالص میگرداند و دوستی را  
 از برای ما چنانکه خالص میبویطلایان هیچ کد و غل و غش و زان نیست هرگز  
 هرگز اراده کند محبت را بسجده و بداند پس امتحان نماید قلب خود را که اگر مشارکت  
 کرد در دوستی نادر و دوستی دشمنان ما را یعنی انهارا نیز دوست است از ما نیست و ما  
 از انهارا نیستیم خداوند عالم و جبرئیل و میکائیل دشمن انهارا است خدا تعالی دشمن  
 کافران است **ایکام میناکه النبی اقرن بالیومنین من انفسهم یعنی جناب**  
 رسول الله صلی الله علیه و آله اولیست بکردم از نفسها ایشان در هر امری که  
 اگر میکنند با صلاح و نجاح معنوی میباشد دنیا و اخوانها را چنانکه در حدیثی  
 وارد است فرمودند در روز غدیر خم **انها الناس و الناس الانس و لی بکم من انفسکم فانما**  
**لی ثم اوجبکم مبرا للمؤمنین علیهم السلام ما اوجبکم لنعینه علیهم من اولادیه فاما**  
**من کنت مولاه فیکل مولاه یعنی ای مردم ایا بنسبم اولی بشما از خود شما عرض کرد**  
**بل بعد از آن واجب گردانید برای اینرا المؤمنین علیهم السلام اینچنین را که واجب کرد**  
 بود برای نفس خود از اولادیت پس فرمودند بدانند من مولای هر کس پس علی مولای آن  
 پس خداوند عالم جناب رسول خدا را پدر مؤمنین گردانید و لازم کرد مونه انهارا برادر  
 و نزدیک پسران مؤمنین پس حضرت با لای میفرستد برزدند و فرمودند من ترک  
 ما لا یلوی ریه و من ترک دینا و ضیاعا فیکل و الی کف لازم الله نیتة للمؤمنین ما  
 یکریم الوالد و لازم المؤمنین من الطاعة ما یکریم الوالد یعنی هر کس مالی بکارد  
 بعد از خود برای او است و هر کس فرض بکارد و با عیال پزیشان حکا پس عرض کرد و نه

مر جبرئیل  
 و میکائیل

مراست و امر عیال او بگو من پس خداوند لازم گردانید بر سول خود آنچه را که بخواهد  
 لازم است در حق و لد و لازم گردانید بر مؤمنین اطاعت خود را از آنچه لازم است بر  
 اولاد پدر را همچنین لازم گردانید بر جناب امیر المؤمنین علیهم السلام و نیز ائمه آنچه را بر  
 جناب رسول خدا لازم گردانید جناب سول خدا و جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیها  
 پدران این امت هستند بدلیل اینکه خدای تعالی فرموده **مبارک و اعبدوا الله**  
**لا شریک لاه و یومئذ یأمر الذین احسانا و الذین جناب سول خدا و امیر المؤمنین علیهم**  
**السلام است و کتاب علل از جناب امام موسی کاظم علیه السلام سوال کردند چرا جناب**  
**رسول خدا صلی الله علیه و آله بابوا القاسم مکنی شد فرمودند که آنحضرت را فرزندی**  
**بود قاسم نام از این سبب مکنی شد باین کینه پس سائل عرض کرد ای فرزند رسول خدا**  
**ایها امرا از اهل شزار و مشکان حضرت فرمودند بل ایا نمیدانید که رسول خدا فرمودند انا و**  
**علی ابوا هذه الامة گفت بل فرمود ایا نمیدانی که رسول خدا پدر جمیع این امت است از**  
**جمله امت جناب امیر المؤمنین علیهم السلام است عرض کرد بل فرمود ایا که نمیدانید**  
**که علی قاسم نام را و جناب است عرض کرد بل فرمود پس جناب سول را صلی الله علیه و آله ابو**  
**القاسم گفتند از شما آنکه او پدر قاسم جنس ما است عرض کرد یعنی این چیست فرمود**  
**بدینست که شفقت حضرت بر امت مثل پدرها است بر اولاد خود و افضل امت جناب**  
**علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از پیغمبر شفقت جناب علی علیه السلام بر**  
**امت مثل شفقت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود زیرا که او خلیفه و وصی**  
**او است امام است بعد از او پس با پیغمبر فرمودند انا و علی ابوا هذه الامة نا اعلی**



در کتاب کافی از سلیم بن قیس و ابی جعفر الطیار که  
 گفتند من و حسن و حسین و عبد الله بن عباس و ام سلمه و اسامه بن زید در نزد معویه بن  
 بودیم در میان من و معویه کلامی گذشت گفتیم با او که من شنیدم از رسول خدا صلی الله  
 و اله که فرمود من اولی هستم بمؤمنین از نفسهای ایشان بعد از من علی بن ابی طالب که  
 برادر من است و ابی بکر مؤمنین از نفسهای ایشان پس بعد از شهادت و حسن بن علی  
 اولیست بمؤمنین پس بعد از آن حسین که پسر من است و ابی بکر مؤمنین از نفسهای ایشان  
 پس من و قی که شنیدیم شوحین پس از علی بن الحسین و ابی بکر مؤمنین و او باشد و از  
 بنای و ملاقات کنی او را پس بعد از او پسر و محمد بن علیست که اولیست بمؤمنین از  
 نفسهای ایشان و فرمود که زود باشد که درک و ملاقات کنی او را با حسین پس حضور  
 کامل گردانیدند و از ده نفر عداوتی را که نه نفر از ایشان اولاد جناب علی امام حسین  
 علیه السلام میباشد عبد الله بن جعفر کوفی طلب شهادت کردم از حسن و حسین و  
 عبد الله بن عباس و عمر ام سلمه و اسامه بن زید پس شهادت دادند از برای من که در  
 نزد معویه بگویم گفت که من شنیدم از سلمان و ابی ذر و مقداد که گفتند ما شنیدیم  
 این را از جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله از جناب صادق علیه السلام فرمودست  
 که فرموده این آیتنی فاک اما اولی بکلی مؤمنین من نفسیه و علی اولی من بعدی یعنی من  
 اولی هستم بر هر مؤمن از نفس خود و علی علیه السلام بعد از من اولی است بر این پیش  
 میاید که ایما برید الله لیدهب عنکم الی جبرائیل الیه و یطهرکم تطهیرا یعنی  
 جزین نیست که خدا بفرستد مینی از شما اهل بیت بدی و جبر و طاهر و طاهر است

در کتاب کافی  
 از سلیم بن قیس

نماید پاد کردنی جناب امام محمد باقر علیه السلام فرمود که این آیه مبارکه نازل شد  
 در میان جناب رسول خدا صلی الله علیه و اله و جناب علی بن ابی طالب علیه السلام  
 و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام حسین علیه السلام و نزول این آیه مبارکه  
 در خانه ام سلمه و حضرت رسول صلی الله علیه و اله شد پس خواند جناب رسول خدا  
 صلی الله و اله جناب امیر المؤمنین را و جناب فاطمه و جناب امام حسن و جناب امام حسین  
 علیه السلام را بعد از آن نوشتند ایشان را از عبا خیری که مال از جناب رسول خدا  
 از آن فرمودند اللهم هؤلاء اهل بیتی الذین وعدت فیهم ما وعدت بیتی اللهم  
 اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا یعنی خداوند آنها اهل بیت مندان اهل  
 بیت که تو وعده کرده در آنها چیزی را که وعده کردی با راهبیر از ایشان رجس را و پاک  
 گردان آنها را پاک کردنی ام سلمه عرض کرد یا رسول الله من هم با ایشان هستم حضرت فرمود  
 بشارت باد ترا ای ام سلمه پس بدینسانکه تو بگو خیر هستی یعنی بزرگوار تو و خیر است  
 و تواز خوبی در حدیث دیگر فرمودند ای ام سلمه این آیه مبارکه نازل شد در حضور  
 من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام را و اولاد حسین و غیره اهل بیت است  
 ما کان محمدا بالحدیدین خایکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله  
 یبکی شیئ علیما یعنی نیست محمد پدرا خدا و لکن رسول خدا است و خاتم  
 النبیین آیتنی که نیست بدی بر کسی پس بیل حقیقت که ثابت شویمان از جناب امی  
 و میان دیگران آنچه که در میان بدی و فرزند نایب است که مانع از مظاهر باشد  
 یعنی تواند رجس کسی را که ادعای فرزندی از من نماید و هیچ کند که مانع شود از رجس

در کتاب کافی  
 از سلیم بن قیس



بلکه رسول الله و خاتم انبیا است از جناب رسول خدا در کتاب ماثب و ایت کرده که  
 فرمود یا علی من خاتم انبیا هستم و تو خاتم او و شباهت جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 فرمود اند که جناب محمد صلی الله علیه و اله خاتم هزار نبی است و من خاتم هزار رسول  
 و من مکلف شده ام بر چیزی که آنها مکلف نشدند ای ایها مبارک که هو الذی یصلی  
 علیکم و ملائکته یخیر حکم بین الظالمین الی التور و کان بال مؤمنین رجاء بعد خلد  
 عالم و ملائکه او صلوات میفرستند بر شما تا خارج کنند شما را از ظلمات بشو نور  
 ایمان حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس ده صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد  
 خداوند صد صلوات بر او میفرستد و هر کس صد صلوات بفرستد خداوند عالم  
 ملائکه او عز وجل هزار صلوات میفرستد چنانکه خداوند عالم در آیه مبارکه میفرماید  
 هو الذی یصلی علیکم و یجمع از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده که فرمود  
 صلوات الملائکة علی علی بن ابی طالب و ذلک انه لم یصل علیها احد غیره یعنی  
 یعنی صلوات فرستاد ملائکه بر من و بر علی بن ابی طالب علیه السلام هفت سال و آن  
 بهمان این بود که احدی غیر از من و غیر از علی نماز نمیگردد ایها مبارک که ان الله و ملائکته  
 یصلون علی الشیخ با الیهما الذین آمنوا و صلوا علیه و سلوا انبیا یعنی بدو است که  
 خدای تعالی در ملائکه صلوات میفرستد بر پیغمبرای انکاست که ایمان آورد و او صلوات  
 فرستد بر او و سلام کند سلام کردی و سلوا انبیا یعنی سلوا الیه بالولاية یعنی سلیم  
 نماز برای جناب حصا اخباری بولا است سلیم نماز برای جناب صادق علیه السلام  
 سوال کردند چگونه صلوات فرستیم فرمودند بگو صلوات الله و صلوات الله

در جناب حضرت

در جناب حضرت

و انبیا و قد سلیم و جمع خلوقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله  
 و بر کائنات عرض کردند ثواب این نحو صلوات بر پیغمبر چیست فرمود خداوند عز و جل  
 و الله همیشه بونم و لذت نامه یعنی خارج شد نشاء از کائنات بخدا قسم مثل روزی  
 که از مادر متولد شد باشد ایها مبارک که بوم نقیض جوهر هم در انوار بقول  
 یا اکبنا اطفنا الله و اطفنا الرسول یعنی روزی هست که بگرد و منقلب شود  
 روی کفار در آتش از حالی بحال دیگر منکونند ای کاش اطاعت میکردیم خدا و رسول  
 خدا و رسول خدا را از علی بن ابی طالب حق و ایت است یعنی ولایت امیر المؤمنین زاکا  
 ما قبول میکردیم ایها مبارک که ما نوار بیا انا اطفنا ساداتنا و کبرائنا فاضلوا  
 السیلا یعنی خداوند بدو است که ما اطاعت کردیم سادات و بزرگان خود را از انبیا  
 راه ما را که گرفته اند و ما را که راه نمودند و بصلوات انداختند از حق و ایت است که این کلام  
 کتاب است که غصب مذوق محمد را که از طریق جنت سبیل حق گمرا شد و سبیل  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام است ایها مبارک که و من یطیع الله و رسوله  
 فقد فاز فوزا عظیما یعنی هر کس اطاعت خدا و رسول خدا کند بر چنین که رستگاری  
 رستگاری عظیم در کافی از جناب صادق علیه السلام روایت است که خداوند عالم  
 فرموده و من یطیع الله و رسوله اطاعت خدا و رسول در قبول کردن ولایت علی بن  
 ابیطالب اولاد انحضرت است اینست شکاری عظیم یعنی ایها مبارک که انا عرضنا  
 الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشقق منها و حملها الا  
 انه کان ظلوما یعنی بدین حق که نشان دادیم امانت را بر آسمانها و زمینها و کوهها این

در جناب حضرت

در جناب حضرت

در جناب حضرت

در جناب حضرت



وامتناع نمودن از آنکه متحمل شوند از او ترسیدن از آن و انسان با امانت را کشیده  
 که او ظلم و جهول بوده است و معانی و در عین از جناب صادق صلوات الله علیه  
 و اوست که امانت و ولایت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام است چنانکه در آیه  
 مبارکه دیگر وارد شده است ان الله بامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهْلِها یعنی  
 بدو نیست که خدا تعالی امر فرمود است آنکه ادا نماید امانت استو اهل آن و عصب  
 نماند علی بن ابی طالب و اوست که امانت و ولایت جناب امیرالمؤمنین  
 علیه السلام است یعنی امانت که امر واهی باشد که خداوند عالم نموده بر اسماءها  
 زمینها و بر کوهها پس ابا و امتناع نمودن از تحمل آن که قبول نمایند پس انسان که  
 اولی است حل نمود و عصب کرد و ظلم و جهول بود یعنی ظالم و جاهل بود چنین  
 این دو لفظ صفت مشبیه یعنی اسم فاعل است در عوالی مذکور است که جناب  
 متفان علی بن ابی طالب علیه السلام زمانیکه وقت نماز می رسید منزل میشد  
 بر خود می پیچید و رنگ مبتلا گشت تغییر میکرد پس عرض میکردند مرا چه میشود با امیر  
 المؤمنین میفرمودند وقت نماز آمد و وقت امانت که خداوند عالم بر کوهها  
 و بر اسماءها و زمینها تکلیف نمود و نشان داد می رسیدند مؤلفی که یک نظر  
 با هم معنی امانت بنماز تغییر شد و جناب امیرالمؤمنین علیه السلام تغییر شد است  
 چنانکه گذشت در تغییر از الصاق نفوس عن الفحشاء والمنکر که صلوات علیها است  
 از انتخاب پس ثواب بر این برکشیدن و اوست بر و اوست سابق و این معنی دیگر نیست  
 این می آید که در کمال دین و تو العلم الذی لا یزال لیلان من ربک هو الحق یعنی با

در کمال دین

با عهدی میبند که آنکه داده شده اند علم را انجان علی که نازل شد است بسو و از پروردگار  
 تو که ان خواست از علی بن ابی طالب حق حکایت شد که بسند معتبر و ایت کرده که  
 انجناب علیه السلام است چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که در سوره خدا را بخیر بیکه نازل کرد  
 است خدا بر سول خود مقرر به مبارکه و به یکدیگر از ایزد الهی و الحمد لله و اینها  
 اینچه نازل شد بسو و از خداوند که غالب است بر همه ستوده بر نعم و نبوت و آخر و به میان  
 صراط و در دنیا چه گذشته و از امانت مبارکه هر چه لفظ صراط است تا و این جناب امیر  
 المؤمنین علیه السلام است که خود را مختص با ولایت مودتی از ایزد میگرداند و جلال  
 بینهم و بین الفری که با و گناینها فری ظاهر و قدر ناینها السیر سیر و اینها الی و  
 انما اینها یعنی گردانیدن میان سبب و اهل آن نه آنکه بگویم خود برکت داریم  
 ان بکثر ثوابها و در عینها و در عینها معشواشکارا امواصل میگردانند که از هر مرتبه  
 قرینه دیگر انرا توان دید و تعدیل کردیم و از آن در هر بار حق مردم را که کسی صبح از منزل  
 حرکت میکرد قبلوله را در منزل دیگر میکرد اگر عصر حرکت میکرد شب منزل میکرد  
 که سیر کنند شبها و روزها و آن در هر بار و حالیکه امان با فکان باشد از دشمن و  
 درندگان بجهت کثرت خلق و احتیاج از حضرت باقر علیه السلام مرویست که در حدیث  
 در معنی این آیه مبارکه فرمودند بلکه خداوند عالم در خصوص نهادن قرآن مجید مثلها  
 بنان فرموده فمن انفرک الله فیها یعنی ما بین ان قرنها انجناب که خدا برکت داده  
 در آن و اوست قول خداوند عالم را که سیر کند فضلها از انجا که امر کرده است  
 خداوند بسو و اینها پس خداوند عالم فرموده و جلال اینها و بین الفری که با و گناینها

در کمال دین



فيها قرى ظاهرة بقية قرار يوم نهبان ايشان بغير شبهة وبيان ايمان صلوات الله  
 عليهم که بغير از ايشان شده انها چنان بقرای مبارکه قرای ظاهر و قرای ظاهر  
 رسولان مستند و التمسک عنا الى شيعتنا و هم شايستگان و نقل کنندگان از ما  
 بشو شيعيان ما و فقهاى شيعيان ما و قول خداوند عالم که فرمود و قد رزانا فيها التبر  
 پس بغير مثل استبرای علم که سبر کرده بشو بان در نافعان و رسولان لباى و ايمان  
 که فرموده بشو انما عز وجل مثل استبراجين که سبر کنند از علم در شيعيان و روزها از ما  
 بشو انها در حلال و حرام و فرائض و احکام در خالبتکه اينستند و انها را که اخذ کرده  
 اند انها را از معدن شيعيان معدنکه ثامور شد اند اخذ کنندگان معدن در حاکم  
 اين باشند از شيعه ضلال و مشغل شدن از حرام بشو حلال بغير اين اندازانکه حلال  
 ميشود از حرام باشد و کتاب کمال از جناب عالم عجل الله فرجه و ايتست که فرمودند  
 در معنى اين به مبارکه تحرى الله الفرى الحق بارک الله فيها و انتم الفرى المظاهرة بغير  
 قسم بخدا ما عيشتم و فرمايشکه برکت داده است خدا در انها و شما شيعيان ما و فرائض  
 هستيد و آنچه نقل شد و اجماع ترجيح اين عبارت بشو چندانکه تکرار است ولى  
 خوش ايد بشو که الفاظ ان نقل شود و عبارت اينست الا حجة على الباقى و عليه السليم  
بل فمنا ضرب الله الامثال في القرآن محقق الفرى الحق بارک الله فيها و ذلك قوله  
الله عز وجل فمن اقرضنا نينا حجت امرهم ان با تو نافعان و جعلنا بينهم و بين  
الفرى الحق بارک الله فيها اى جعلنا بينهم و بين شيعتهم قرى ظاهرة و الفرى الظاهر  
الرسول و التمسک عنا الى شيعتنا و فقهاى شيعتنا و قوله سبحانه و قد رزانا فيها

التبر قال التبر مثل التبر سبب فيها لباى و ايمان مثل لباى سبب من التبر الى  
 الالباب عنا اليهم في الحلال و الحرام و الفرى الحق بارک الله فيها اى سبب  
 عن مقدماتها الذى امرنا ان باخذ و ائمنه امينين من الشك و الضلال و التمسک  
 من الحرام الى الحلال ايمى مبارکه قل انما اعطاكم بواحدة بغيرى اى بغيرى  
بمردم که موعظه منکم بغيرى بغيرى و زشاد منکم شما را بکفایت عن الکافی و بغيرى  
عن الصادق عليه السلام قال انما اعطاكم بولاية علي عليه السلام هي الواحدة اليه  
قال الله في کتاب کافي علي بن ابيهم بقى از جناب صادق عليه السلام روايت  
کرده که خداوند عالم فرمود و انما اعطاكم بولاية علي لايت جناب علي ان واحد است  
که خدا فرمود ايمى مبارکه اليه يصعد اليكم الطيب و العمل الصالح برفعة  
 بغيرى بشو خداوند بلند ميشود کلم الطيب عمل صالح را بلند مينمايد از جناب صادق  
 عليه السلام روايتست که کلم الطيب است که مؤمن بشو بولاية الله لا اله الا الله محمد  
 رسول الله علي و آل الله و خلفه رسول الله فرمودند و عمل صالح اعتقاد است  
 بدل اينکه اينکلمات که گفته خوانند از نزد خدا و شکی نيست در اين از جناب  
 پروردگار عالمان از کتاب کافي حکايت شد که از جناب صادق عليه السلام فرمود  
 است که در نافعان اين به مبارکه فرمود و لايتنا اهل البيت و ائمتنا ائمتنا  
 من لم يؤمننا لم يرفع الله له عملا بغيرى لايت ما اهل بيت است و اشاره فرمودند  
 بشو مبارک خوشتر هر کس قبول ولايت ما نکند بلند نمينمايد خداوند عالم از  
 بر او عمل بشو در احاديث ديگر هم وارد شد که عمل صالح قبول کردن ولايت جناب

در کتاب  
 التبر بغيرى  
 بغيرى  
 است



المؤمنين عليه السلام است که هیچ عمل نیک بدون ولايت حضرت باجماع نمیرود  
و توفیق کو به چنانکه در زیارت جامع و وارد شدن و میوالا نیکر تقبل الطاعة  
و لکم المودة والرحمة من الله و لکم من الله عذابا و الذین یحکمون الشیاء لکم عذابا  
یعنی آنانکه مکر میکنند مکرهای بیدار مراد مکرهای قریب است نسبت بحضرت رسالت  
مرایش از عذاب است سخت را حجت مرحوم فیض رتبه بر صاف فرمود که آنکه مبارکه  
شامل مکرهای اشخاص است و در نمودن و مبتدئ سول خدا صلی الله علیه و  
اله زاد نجات خو جناب انوار المؤمنین علیه السلام و شامل مکر نیکدی که غیر از آنها  
باشد توفیق کو بیک چون بعضی مختص داده اند مکرهای قریب نسبت بحضرت رسالت  
مرحوم فیض در مقام و این کلام فرمود و لا عموما به واضح است و محتاج بیان نیست  
از مکر مبارکه که انا ارسلناک بالحق بقیس و نذیرا و ان من امة الا خلا فیها نبیا و  
مدرست که ما فرستادیم ترا بدین حق که اسلام است در حالتیکه مژده دهند  
بحق و ترسانند از عذاب و عقوبت و نبوه هیچ از ائم سابقه مکر اینک گذشت در  
میان ایشان ترسانند از کائنات حکایت شده که از جناب باقر علیه السلام فرمود  
که جناب سول خدا صلی الله علیه و اله از دنیا رفت مکر آنکه از برای جناب رسالت  
شد بحجت ساند احکام بامت و ترسانند ایشان از عذاب خداوند بیک  
گفته شود که نبوی تحقیق که ضایع کرده خواهد بود جناب سول خدا صلی الله علیه  
اله کسانیکه از زمان در کمر ای بدان خود بودند از امتان اینک یعنی چون نبی  
کسی احکام خدا را با ایشان نمیرساند پس ایشان ضایع و گمراه میشوند و مرشد شدند

فانکس

حضرت با کفایت نمیکند امت قرآن مجید کراهت امت حضرت فرمودند بلی اگر  
بیانند از برای قرآن کسی که تقیید نماید عرض شد بخداست حضرت که ابا حضرت  
صلی الله علیه و اله تقیید فرمود قرآن را فرمود بلی از برای تقیید فرمود و شان و راز  
برای امت واضح گردانید و ان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام ایضا مبارکه  
ثم اودعنا الکتاب الذی اصطفینا من عباده و افضلناهم ظاهرا و باطنا و مناهم مقتصد  
و مناهم سابق بالجهیزات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر یعنی بعد از آنکه ما کتاب  
مستقیمه را بر ائم سابقه فرستادیم بجهیزات ادبیم قرآن را با آنکه برگزیدیم از بندگان  
خود پس بعضی از بندگان برگزیدیم کتم کردند بر نفس خود برخی از ایشان مبارکند  
و جوی یکر از ایشان پیشی گیرند اند به بنکوبتها با مر خدا و این توریبه و اضطفاء و  
بخشایش بزرگ و مرحوم فیض انه را باین قسم معنی کرده منفرماید بعد از آن بجهیزات  
دادیم کتاب را بانگشانکه برگزیدیم از عبای خود پس بعضی از آنها ظالم بر نفس خود  
شدند یعنی امام زمان خود را شناختند و بعضی مقتصد شدند که امام خود را  
شناختند و بعضی شکیست کردند بجهیزات باذن خدا که خود امام علیه السلام  
باشد این است فضل کبیر از کتاب بصائر فقل شده که از جناب باقر علیه السلام فرمود  
شده که ایه مبارکه در شان اولاد جناب علی و خاتمه علیهم السلام است در کلام  
از جناب باقر و این شده که سابق بالجهیزات امام است و مقتصد غار فبقی اما  
است و ظالم بر نفس آنکست که امام خود را شناسد و عن الکاظم علیه السلام  
انه لا اله الا الله قال نحن الذین اصطفانا الله تعالی و شاهدنا الکتاب فیه

فانکس



بینان کل شیء یعنی حضرت کاظم این باب را خواند و فرمود پس ما انکسافی هستیم  
 که بپسندیده است ما را خداوند عالم و میراث داد بنا بر کتابی که در او بیان  
 هر چیزی هست از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند ازین باب مبارکه  
 آنحضرت فرمودند در شان اولاد فاطمه علیها السلام است السابق بالخیرات اما  
 است و منهم مقصد غار فبرامام است وظالم لنفسه انکسبست که امام را  
 نشناسد در مناقب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرموده این  
 مبارکه نازل شده در حق ما و در حق ذریه ما و از حضرت باقر علیه السلام مرویست  
 که فرمود ایشان یعنی بنی کنان برگزیده ال محمدند از جمیع حکایت شده که از حضرت  
 علیه السلام مرویست بعد از آنکه بیان ظالم لنفسه مقصد میفرماید اما السابق  
 بالخیرات جناب علی بن ابی طالب حری حریین علیهما السلام است و کسب که ازال  
 محمد شهید شد و از سعد التو حکایت شده که نیز از آنحضرت روایت شده که  
 سابق بالخیرات را همین میفرمایند که ذکر شد در جمیع از جناب رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله مرویست که سابق بالخیرات پس داخل بهشت میشوند بغیر جناب و اما  
 پس جناب کرده میشوند جناب پس یعنی اسان و اما ظالم بنفس خود حری و مقام بعد  
 از آن داخل بهشت میشوند پس آنها کساف هستند که میگویند الحمد لله الذی اذهب عنا  
 الحزن و عن سعد التو عن النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث یذكر فيه ما  
 الله ليحيي علي عليه السلام يوم القيامة قال فلو دخلوا منازلهم وجدوا الملائكة  
 يقولونهم بكمامة ربهم حتى اذا استقروا فقرأهم قبل كلهم هل جئتم ما وعد ربكم حقا

سما

لا لو انتم ربنا و ضينا فارض عنا قال رضاي عنكم و تحبكم اهل بيتي حلتهم دار  
 و صا نعم الملائكة فميتنا ميتا عطاء غير محبذ و ذلنس فيه سيعرض فعند ما قالو  
 الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن لان ربنا لغفور شكور یعنی از کتاب سعد  
 حکایت شده که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست در حدیثی که آنحضرت  
 میفرمایند در آن حدیث ایچرا خدا پندارد روز قیامت برای محبت جناب امیرالمومنین  
 علیه السلام مهتاب فرمود آنحضرت فرموده جو محبت جناب امیرالمومنین علیه السلام  
 داخل منازل خود میشوند می بایند ملائکه را که ایشانرا نهیست میکنند بسبب  
 داشتن خداوند ایشانرا ملائکه چون قرار گیرند در مقر خود گفته میشوند مرا ایشان را  
 که اباح و صدق یافتند ایچرا که هر روز در کار شما و عد داد بود شما را میگوینداری  
 ای پروردگار ما را از حق خشنوشیم از تو پیش را حق شوار ما خداوند عالم میفرمایند  
 بسبب ضای من از شما و بسبب شستن شما اهل بیت جنیت کبیر میفرماید  
 نمودند در سر من و محض کردند باملائکه من پس کوارا باد کوارا با عطا بشکرت  
 قطع شدن و تمامی ندارد و نهیست زان کد و روا و فای تلخی چنانچه نفهم و نه ایضا است  
 بلغم و کد و در نمای اخت چنان نیست با اینکه معنی بکر اینست که نهیست زان حرکت  
 و استغالی پس از استماع اینکلمات میگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن تا آخر آیه  
 انهم مباکر ان الله یبیک الشوائب الارض ان ترز لا یعنی بد زستی که خداوند  
 نگاه میدارد اسمانها و زمینها را بجهت کراهت نجاستی آنکه زان شوند اما اگر خود  
 چون بکن را در حال بقا ناچار است از نگاه دارند و ا کال از حضرت رضا علیه السلام

این حدیث را در کتاب  
 مناقب حضرت امیرالمومنین  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت علی بن ابی طالب  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت زین العابدین  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت جعفر صادق  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت محمد باقر  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت کاظم  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت رضا  
 علیه السلام در کتاب  
 مناقب حضرت مهدی  
 علیه السلام در کتاب

فانکسب



حدیث فرمود بينا بيننا السموات والارض ان كرونا بيني وبينكم که داشته است خلقت  
 عالم آسمانها و زمینها را از این که بر طرف شوند و از آنکه اظهار صلوات الله علیهم منقول  
 که فرمودند لو لا ما فی الارض مینا لساخا یا هیکلها یعنی هرگاه می بود که زمین را  
 مزایه فرود میبرد زمین مثل یکه مینا که بر القران الحکیم انک لکن المرسلین  
علی خراط منقیم معنی پس اشاره بر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و اهل بیت  
 قرآن نظیر این اشارات گذشته است بعضی گفته اند معنی پس بلیغی با انسان است از  
 متعاقب شدن که از جناب صادق علیه السلام مرویست که فرمود اند و اما این  
 پس است از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و معنی اینها الشیخ الوحی است یعنی  
 ای شنوندن وحی و انحصال حکایت شد که از حضرت صادق علیه السلام حکایت  
 شد که فرمود بدو رستی که بر جناب رسول خدا اسم است پنج اسم در قرآن است و  
 پنج در قرآن نیست آنچه در قرآنست محمد و احمد عبد الله و حسن و حسین و علی  
 شده که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که در تفسیر قول خداوند  
 عز وجل قرآن مجید سلام علی الین فرموده است بن محمد است ما ال محمد هستیم  
 یعنی ایه اینست ای محمد بن محمد و استوار از فقر و عیب قسم بدیست که پیشند  
 و شبهه از جمله فرستاده شد کافی بر او راست مؤلف گوید که در اول کتاب کرده  
 که در هر جای قرآن که خراط منقیم است لابد جناب علی علیه السلام است ایه  
میلکه لک الحق النول علی الکریم فهم لا یؤمنون یعنی البته بتجسس که راست  
 گفتار ما بعد از ایشان پس ایشان را همان خواهند آورد بر صفت کفر و فسق

این  
 است  
 و

خواهند گرفت مراد که واضح شد است و اکثر ایشان که راست شده است گفتار خدا  
 بعد از ایشان کافی اند که اقرار بولایت امیر المؤمنین میکنند کاروی آنکه قال الصادق  
علیه السلام من لا یقر بان یولایه علی امیر المؤمنین و لا یقر بان یولایه یعنی از کسانی  
 که اقرار میکنند بولایت جناب امیر المؤمنین علیه السلام و او را امامان بعد از  
 انجناب فهم لا یؤمنون فرمود یعنی همان می دارند با امامت جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 و او کشته بعد از آنحضرت پس چون اقرار نکردند میباید عیبها را بچیز که ذکر فرمود  
 خداوند عالم در آیه میباید که بعد مؤلف گوید ازین تفسیر امام علی علیه السلام مستفاد  
 شود که در آیه سابقه که اصل اند از ایشان هم از مخالفت امیر المؤمنین علیه السلام  
 و قبول نکردن ولایت انجناب بوده اینست از ولایت هم غافل شدن چنانکه از خداوند  
 غافل شدن چنانکه از خداوند رسول غافل میباشند اینها که ازین آیه  
الذکر و خیر الزکریا بالتسبیح بیشیر و یغفر و آنچه که بر بعضی چیز نیست میرساند  
 که نفع دهد کسی که بپزدی کند قرآن را و بر سر خداوند حق با آنچه از او پوشیده  
 از امور آخرت پس بشارت و او را با امرش کما هان و منزلی بزرگ و زاینجهان از کافران  
 کافی حکایت شد که در حدیث سابق وارد است که مراد ازین آیه جناب علی بر آن ظاهر  
 علیه السلام است یعنی از آنست که متابعت کرده است که کلام خدا باشد و ترسید  
 از خدای عز و جل پس رسول خدا را موافقت بشارت او انجناب را بفرمود  
 کریم اینها که لا یؤمنون بما انهم لا یؤمنون بما انهم لا یؤمنون بما انهم لا یؤمنون  
 شمر این و نیاید که اینهم او را و امام اشکارا مفسر کرده اند امام مبین بلوح محفوظ

اینها که ازین آیه  
 الذکر و خیر الزکریا  
 بالتسبیح بیشیر و یغفر  
 و آنچه که بر بعضی  
 چیز نیست میرساند  
 که نفع دهد کسی  
 که بپزدی کند  
 قرآن را و بر سر  
 خداوند حق با  
 آنچه از او پوشیده  
 از امور آخرت  
 پس بشارت و او را  
 با امرش کما هان و  
 منزلی بزرگ و  
 زاینجهان از کافران  
 کافی حکایت شد  
 که در حدیث سابق  
 وارد است که مراد  
 ازین آیه جناب علی  
 بر آن ظاهر علیه  
 السلام است یعنی  
 از آنست که متابعت  
 کرده است که کلام  
 خدا باشد و ترسید  
 از خدای عز و جل  
 پس رسول خدا را  
 موافقت بشارت او  
 انجناب را بفرمود  
 کریم اینها که لا یؤمنون  
 بما انهم لا یؤمنون  
 بما انهم لا یؤمنون  
 بما انهم لا یؤمنون



و از جناب امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمود: أنا والله لأيام المبين این  
 الحقیر الباطل و ریشه من رسول الله یعنی من بخدا قسم امام مبین که جدا میکنم حق  
 از باطل مبرات گرفتم از اذن رسول خدا صلی الله علیه و آله از معاصات شد که از  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام و آیت شد که اینجند از پدر و برادر خود و از  
 کرده صلوات الله علیهما جمعین مانده نازل شد این بار مبارکه و کل شیء احصینا  
 فی اینا مبین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله اول و ثانی برخواهند و غرض گزیندن  
 رسول الله ان توبه است حضرت فرمودند لا بعد عرض کردن با اینان اینچنین است  
 حضرت فرمودند لا عرض کردن اینان قرآن حضرت فرمودند لا پس در انوقت  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام و ذکر دنا مکتوبی رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 بر حضرت رسالت فرمودند که امام مبین نیست یعنی امیر المؤمنین بدینستی که او را  
 اما سبکه احصا کرده است و از خدا علم هر شیء را عن الا حجاج محمد النبی صلی الله علیه  
 و آله فی حدیث قال معاشر الناس ما من علم الا علمت به و ربی و انا علمت به علیا و  
 فداخصاء الله فی و کل علم علمت فقد اخصت به فی ایمان المتبین و ما من علم الا  
 علمت به علیا از کتاب احجی نقل شد که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی  
 است در جمله او از حدیث طولانی فرموده که در مرتبه نیست هیچ علی مگر آنکه تعلیم  
 انرا خداوند بمن و من تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام و تحقیق که احصا کرده خدا  
 علم را در من و علوی که دانستم تعلیم کرده شدم بر تحقیق که احصا کردم او را و اما  
 متفان و نیست هیچ علی مگر آنکه تعلیم کردم انرا بعلی علیه السلام مؤلف گوید بنابر

بر این آیه و آیه الهذا به دلیل است شیخ بر آنکه امام علیه السلام عالم است بجمع اشیا بما  
 كان و ما یكون فی یوم القيمة و هیچ چیز را و تحقیق پوشیدن نیست بتعلیم حدیث و  
 علا ایضا میساک و جاء من اقصا المدينة و جعل یقول ان یاتون امیر المؤمنین  
 یعنی آمدند بخال از دورترین جای انان شهر یعنی از روان که نهایشان شهر بود  
 مرئی یعنی جیب بخار که بنوعی آمدنار بنشیند و اینجا است از روی مرحمت گفتی  
 کردن من تبعیت کنبدان فرستادگان را یعنی پیغمبر را از علی بن ابی طالب و ابی طالب  
 آیه مبارکه نازل شد انک در شان جیب بخار را اخرا به مبارکه و جعل من الکرم  
 بعضی گفتند بدینستیکه از جمله کسانی بود که ایمان آوردند بجناب محمد صلی  
 الله علیه و آله و حال آنکه میان او و میان محمد حضرت رسالت مآب شنید رسالت  
 فاصله بود یعنی پیش از پیغمبر بود بشصت سال و بعضی گفته اند در غاری عباد  
 میکرد خدا را پس و اینکه خبر پیغمبر اینکه با انطاکیه فرستاد بودند که در اوقات  
 سابقه حکایت شده و سپید ظاهر کرده بن خود را بعد از ان میگفت ای قوم تابع  
 رسولانی را که خدا فرستاد از مجال حکایت شد که از جناب رسول خدا صلی الله علیه  
 و آله منقولست که فرموده صد یهون سه کس هستند جیب بخار که مؤمنان  
 بن است که منی گفت با قوم اتبعوا المرسلین و من یمل مؤمنان فرعون و علی بن  
 طالب علیه السلام و اینجا با فضل از ایشان است از جوانمغفل شدن که از حضرت  
 رسالت مآب صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود پیشی که نهان است که  
 که کافر نشدند بخدا یکچشم هم زدند علی بن ابی طالب صاحب بن مؤمنان فرعون پس

در حدیث



ایشانند کصدیقون و علی بن ابی طالب فضل ایشان از خصال نقل شده که از  
 انجناب نیز ثابت است که فرموده که نفره هستند که کافر نشدند بوحی خدا بمقتدا  
 یکچشم خبرون مؤمنان بنوع علی بن ابیطالب و سیزدهن فرعون مؤلف معذرت  
 ذکر این حادثه در این مقام منطبق است که چون جناب سول خدا صلی الله علیه و آله نظر  
 بضرر بقیه مرضیه خو که امور را بنیدر پیج بیان منفر و اسانرا مقدم برد شوار و  
 یکت را بگند مینداشت در اظهار فضایل اینرا مؤمنین نیز بجهت عداوت و دشمنی  
 صحابه با انجناب بهمن و به سلوک منفر نمودند مراتبی که نسبت بدگران در عدا  
 بلنگ و نسبت با انجناب پست بود بحسب اقتضای مقام مقدم نایسته بیان منفر  
 از ان قبل اسنا حادثه مذکور که انحضرت را در عمان در صدیق قرار داده  
 حال آنکه چه نسبت اسنا قناب ایشانرا کان این حضرت را با نقضیرا اینکه اصل  
 مراد از این تالیف فضل و عظمت انجناب است نه اینکه انحضرت در عداد خو بان  
 محسوب میشد متعرض گرا این حادثه شدن بعلم این بود که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله فرمود افضلکم علیهم ان کفظ افضل الفضل داعی و باعث شد که این  
 احادیث در اینجا مکتوب شود و الا بخر حضرت رسالت عاب هیچ مخلوقی برابر با  
 انجناب بلکه با مخلقا و نمیکند **ایلا مینا** **ایلا مینا** و فیقولم انهم مسؤولون خداوند  
 منفر باید در موقف حسا نکند و بداند انرا بد و شبکه انها باید سوال کرد و شود علی  
 ابراهیم قتی و ایت کرد که از ولایت جناب منرا مؤمنین علی السلام سوال کرد  
 شوند **ایلا مینا** **ایلا مینا** و این شعبه لایز هم بدو نسبت که از پیران نوح علی نبینا

در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب

و علیه السلام هر اینه ابراهیم خلیل است در اصل و شرع و طهر و حق و ابداد بدن و جفا  
 کشیدن تابع او بود و خدا و از دست که حاصل ان اینست که چون خداوند جلیل ملکوت  
 اسمان و زمین را برابر هم خلیل نمود و او بجانب عرش نکرست نوری عظیم زد که گفت  
 خداوند این چه نوز است گفت نوز حبیب منی من محمد صلی الله علیه و آله گفت  
 حبیب او نوز دیگر مینیم گفت بر او و حق او علی بن ابی طالب گفت خداوند او نوز دیگر  
 مینیم گفت بر او و حق او علی بن ابی طالب گفت خداوند او نوز دیگر مینیم و در بیان  
 نوز خطاب مد که ان نوز فاطمه زهرا است خرسید اینها و زوجه خیر الا و صبا و  
 بجهت این او را فاطمه نام نهادیم که او را سنا خود را از دوزخ منع کند و باز دارد  
 همچنانکه مادر فرزند را فاطمه سازد و از شیر باز کرد گفت خداوند او نوز دیگر مینیم  
 نزد پنا ایشان فرمود که ان دو نوز و فرزند و بند حسن و حسین گفت پادشاهان  
 دیگر مینیم که کر ایشان دو نام است از چه کسانست گفتان نه نور امانت از  
 فرزندان حسین گفت خداوند او نوز مابین مینیم که کرد ایشان دو نام فرمود که ان  
 نوزها شعیبا و عجمان علی اند و فرزندان او عرض کرد پادشاه علامت شعیبا ال محمد  
 نوان شناخت گفت به پنجاه و یکر گفت نماز گذاردن و انکشتن و گردن نهادن داشتن  
 و بیسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و پیش از رکوع قنوت خواندن و بعد از شکر کردن  
 ابراهیم عرض کرد خداوند مرا از شعبه علی و فرزندان او که ان خداوند عالم دعای او را  
 اجابت کرد و او را داخل شعبه بن ابی طالب کرد و ایند و رسول خود را ازین خبر داد  
 فرمود که ان از شعبه لایز هم **ایلا مینا** **ایلا مینا** سلام علی ابی این یعنی سلام بر

در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب



و مکرمت بر الیاسین است گفته اند الیاسین نیز اسم الیاس است و آنچه از اخبار  
متکثر ظاهر میشود که قرائت اهل بیت علیهم السلام است سلام علی الیاسین  
اشان در شوق بر گذشت حدیث دیگر هم درین باب وارد است که الیاسین محمد  
صلی الله علیه و آله است از کتاب احتجاج حکایت شد که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
مردی گفت که فرمود بدو رستگاری خداوند عالم جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را  
باسم بن نامیده اینجا بشکوه منفر نماید پس قرآن الحکم نا احرار به مبارکه میهنانکه  
میدانست بدو رستگاری منافقین از امت سقاط میکنند سلام علی الیاسین را چنانکه  
اشفاق کردند غیر ازین به از از ارباب دیگر و اجداد نیز لالت میکنند قرائت اینجا  
نیز سلام علی الیاسین بوده الیاسین و نیز لالت میکنند باینکه مراد از الیاس  
ال محمد صلی الله علیه و آله باشد که اینم مبارک انحصار بر این است چنانکه فرمود امیر  
مبارک **کَلَامُ الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْحَيُّ الْمَيِّتُونَ** از جناب امام بحق نا طوطی امام جعفر  
صادق علیه السلام رواست که فرموده ما اهل بیت بودیم نورهای صفت  
بر گرد غرض تسبیح میکردیم خدا را پس تسبیح میکردند اهل آسمان بان تسبیح که ما می  
کردیم یعنی منابت ما و مثل ما تسبیح میکردند بسبب تسبیح ما نا اینکه نازل شدیم شوی  
زمین پس تسبیح کردیم پس تسبیح کردند اهل زمین بسبب ما و **اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ**  
**الْبَيْتُونَ** بدو رستگاری ما هر چه هستیم صفت نندگان با فدا و در موقف طاعت و نما  
منیم تسبیح کنندگان مراد از تسبیح نمائندگان از جمیع نالایق و ناسزا دارا  
مبارک **کَلَامُ مُحَمَّدٍ وَ اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ** از جناب امیر المؤمنین علیه السلام

کتاب تسبیح الیاسین

کتاب تسبیح الیاسین

المتقی کالتحقیق الیاسین که ائمه امان آوردند و عمل صالح کرده اند مثل کتبی  
که افتاد کنندگانند در زمین از جناب صادق علیه السلام سوال کردند ازین باب  
فرمودند **اَوَعَلَمُوا الصَّالِحِينَ جَنَابَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ**  
**الْاَرْضِ حَبِيرٌ** درین باب و آنچه ازین و نامرد است تمام امیر مبارک **کَلَامُ مُحَمَّدٍ وَ اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ**  
کالتحقیق الیاسین که درین کار از امیر کائنات آمده منبت ما بل بمقتضای اندیش  
متقیین جناب امیر المؤمنین علیه السلام است بخار همان خسرو زلا و احوال آنها  
مؤلف گوید که این سه لفظ که خبر درین و زلا باشد چنانکه مرحوم فیض فرمود  
کتابه از آن سه مفعول است لغت الله علیه **کَلَامُ مُحَمَّدٍ وَ اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ**  
**مُبَارَكٌ لِيَهْدِيكُمْ سَبِيلَكُمْ** و اولوا الالباب یعنی کاتبیکه نازل کردیم از آسمان  
مورکت داده شد است تا اقل و اندیشه نمائند و از ارباب ان کتاب یعنی نامل در حقیقت  
معا ان بر وفق مراد کحضرت باری عزوجل نمائند و نا اینکه بنیدند بر بدو عظمه ان  
عقلهای پاکیزه از جناب صادق علیه السلام رواست که مراد از تسبیح در قول  
که فرموده **لِيَهْدِيكُمْ سَبِيلَكُمْ** اشاره بر جناب امیر المؤمنین علیه السلام است و اولوا  
الالباب که خصما فرمودند بر ایشان سلام الله علیهم است احتمال اینکه  
ایشان مراد از ارباب باشند مناسب با فقر بعد کتب ایشانند و اولوا الالباب ندارد  
بلکه این قرینه واضح است بر اولوا الالباب نیز هستند  
محمول است با قطع نظر از حدیث که مراد از لفظ کتاب مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
است چنانکه در اول کتاب گذشت **اَيُّهَا الصَّافِي وَ اَيُّهَا الْكَافِرُ** فل هو یوم عظیم اسم عظیم

کتاب تسبیح الیاسین

کتاب تسبیح الیاسین



یعنی با محمد بگو ای محمد کور شد از بیان عقوبت و زقمانت و احوال احسان و خبر بزرگ  
 است و امری عظیم که شما را عرض کنند از آن بقیه لا یتکلمون و جناب مبرا المؤمنین علیه  
 السلام مراد است نبی عظیم از حضرت باقر علیه السلام در کتاب بصائر روایت است  
 که فرمود و الله نبی عظیم جناب مبرا المؤمنین علیه السلام است از جناب صادق  
 علیه السلام مراد نیست که نبی عظیم اما نیست **متمم** **میا** **ما کان فی من**  
**علیم بالملأ الا علی الذین یؤمنون** یعنی ابی میا که یعنی نبی بود مرا قبل از این زمان هیچ نبی  
 کرده برتر یعنی ملائکه و آدم و ابلیس که ساکنان آسمان بودند و قبلی که گفت شنیدم  
 میگردند آن بوحی الی الا انما انا نذیر مبشیر یعنی وحی کرده نمیشو بسوم من مکرمت  
 اینکه جزین نیست که من نرسانند ام اشکارا از حضرت باقر علیه السلام مراد نیست  
 و حدیث طولانی که در کتب متفرع حضرت سالت صلی الله علیه و آله از جمله  
 چنین که میفرمایند است بعد از اینکه حضرت بمقام فریاد می رسید و مود توجه خطا  
 محبوب کرد بعد از مصدح جلال کوشن و انفرین وصال شد که با محمد قلت لبتک یا رب  
 قیم ایضاً الملائه الا علی قال قلت سبحانک لا یتکلمون الا ما علیهم قال فوضع یده  
 ای بد الفذین بین کیفی قوی جگردها بین مذقنی قال فلم یستثنی عنی مضی و لا غنا  
 بقی لا یکنه فقال یا محمد فیم ایضاً الملائه الا علی قال قلت لکفار ان و  
 الذرجات و الجنات و نه حدیث اخری الجمع عن النبی صلی الله علیه و آله قال  
 قال لبی فی انذری من یختم الملائه الا علی قلت لا قال ایضاً الملائه الا علی  
 و الذرجات فاما الکفار ان فاستبأغ الوضوء السیرات و نه الا انما الملائه

برای تو و برای من  
 ۱۰/۱۱

ای محمد

انما غایت و انظار الصلوة بعد الصلوة و اما الذرجات فافشاء السلام  
 و اطعام الطعام و الصلوة باللیل و الناس نیام یعنی حق تعالی فرمود ای  
 محمد عرض کرد لبتک ای پروردگار من یعنی بیا به من که بندگی و فرمود در چه  
 مجادله و گفت شنیدم که از آن کردی برتر حضرت سالت عرض کرد پس منیکم و درود  
 میگذارم ترا از آنکه غیر تو عالم باشد یا نور یعنی هیچ انبی نیست مرا مگر این که تو عالم  
 فاداه مرا حضرت فرمودند پس از آنکه بزرگوار احدثت این عرض کردم پس حضرت حق تعالی است  
 مدد ترا میبانه و دشمنانه من نهاد پس یافتیم خنکی از امیان و دوستان خود حضرت  
 فرمودند پس پسر سید از من از چیزهای گذشته و نه از چیزهای پسند مگر آنکه  
 دانستم از این فرمود با محمد در چه مجادله کردند که برتر عرض کردم در کفارات  
 و در رجات و حسنات و در حدیث دیگر در بیان کفارات و در رجات از جمیع حکما  
 شد که از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شد که فرمود که پروردگار من فرمود یا  
 میا که چه مجادله میگردند که برتر عرض کردم نه فرمود مجادله کردند در کفارات  
 و رجات پس اما کفارات پس سزا ساختن وضو و رجهای سزا است و برایشان  
 است بسو جماعتها یعنی بسو نماز جماعت و انظار کشیدن و قضا و دیگر بعد از نماز  
 نماز و اما در رجات پس انعامش کردن سلام است یعنی بیبا سلام کردن و خود را  
 طعام است بمسحمان و نماز کردن در شب حال آنکه مردم خوابیده اند پس کردیم  
 به تمام حدیث سابق و اولی بقی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرد که خدا بیعتا  
 بعد از نماز کفارات الذرجات و الحسنات فرمود این کلمات فقال یا محمد قد یصلح







نیست که ما هستیم الذین یعلمون و دشمنان ما بندگان الذین لا یعلمون و شعبان  
 ما اولوا الالباب هستند از خص صاف علیه السلام مرویست که فرموده خدا  
 عالم ما و شعبان ما و دشمنان ما را ذکر فرمود و بک این شرح الله صدره  
 لا اسلام فهو علی نور من ربه یعنی ایا پر کسی که کثرت است شهادت و فراموشی  
 است دل او را برای قبول اسلام پس آنکه که سینه او وسیع است بر روشنی  
 است از پروردگار خود و روضه الواعظین غیر النبی صلی الله علیه و آله که فرمود  
 هذه الایة قال ان التوراة ارفع فی العلیین انفع له و ان تشرح قالوا یا رسول الله  
 لذلک علامه نعرفت بها قال النبی اعز الی الفرد و الایة الی دار الخلق  
 و الا شیخ زاد للکون قبل نزوله یعنی از روضه الواعظین نقل شده که از جناب  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که آنحضرت فرمود این آیه مبارکه  
 را پس فرمود بدو سببیکه نور زمانیکه بناید در قلبی است بسیار و کثرت میشود  
 برای او عرض کردند یا رسول الله پس ایا برای آن علامتی هست که شناخته شود  
 بان فرمود که اگر کسی از داغ و زو و بازگشت نمودن بسوی گمراهی خلوت و برگشتن از  
 معاصی بسوی طاعات و حسنات که موجب قبول ربوبیت میشود و هم بتأشیدن از  
 برای او قبل از نازل شدن آن حق گفته که این آیه مبارکه در شان جناب علی بن ابی  
 طالب علیه السلام نازل شد یعنی شرح کرد خداوند عالم سینه مبارک آنجناب را که  
 اسلام پس او است بر روشنی معرفت از پروردگار خود صاحب این صفات و علامات  
 که جناب ختمی ما بر صلی الله علیه و آله فرمودند و جماعتی گفته اند که این آیه مبارکه

در بیان  
 این آیه

در شان جناب علی و حمزه علیه السلام نازل شد ایا مبارک که خبر بانه مثلا در خلا  
 فیه شریکاء متشاکون و رجلا سکا رجل کل بنیوان مثلا الحمد لله بل  
 اکثرهم لا یعلمون از علی بن ابی طالب قتی حکایت شده که گفته این شرح است که خداوند  
 عالم بنیان فرمود برای ما امیر المؤمنین علیه السلام و برای شریکهای آنجناب که  
 ظلم کرده اند با شخص و غضب نمودند حق و زانما آنجا که گفته و رجلا سکا رجل  
 امیر المؤمنین علیه السلام خالص است برای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 اله ظاهر مضمون آیه مبارکه اینست که بیان کرد خداوند عالم مثلی را برای شریکان و  
 موحدان اما از برای شریکان مثل دگر می آید که در و شریکان باشند یعنی بنده را که  
 مولای متعدّد داشته باشد که مخالفت کنند باشند با هم بجهت بدخونی و با هم  
 سازند در شرکت آن بنده پس هر شریکی او را کاردی فرماید و آن کار را تمام ناکرد  
 شریکی دیگر کاری با او رجوع کند و او هیچکدام را با تمام نتواند رساند و شریکان  
 بجهت این را ضعیف باشند و اما از برای موحدان میفرماید هر که بپای او رسیده باشد  
 از شریکان و خالص باشد برای من یعنی بنده که مخصوص یک مولا باشد و او را در  
 انجام مقاصد و مرام خشنود تواند ساخت یا مساوی باشند این دو یکند از رو  
 شباهت صفت یعنی البته مانند یکدیگر نباشند همه شتا و سنایش مرغی است  
 که شریک ندارد چه او منعم بالذات و مانک علی الاطلاق بلکه اکثر آنها غنیمت  
 حقیقت این معنی را و بجهت فرض عباد غیر را با او شریک بنمازند از معنی نقل شده  
 که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود وانی مخصوصی از قرآن



باینها ایستاد و آن تعلقوا علیها فتصلوا و بکنه انا الکتم لیرسول الله یقول الله  
 عز وجل رجلا سکا الرحیل یعنی بدستی من مخصوصم قرآن بایمهای چند حد  
 نمائید از اینکه غالب شوند بران استماعی ان نامها را نام خود بام کسان دیگر قرار  
 بکن که راه نمیشوند در دین خود محملست که تعلقوا بصفه مجله باشد یعنی برکنند  
 از اینکه مغلوب شوند بر آنها یعنی فریب کسانی را بخورند که آنها را نامهای پیش  
 گواه خود قرار میدهند و الله العالم بیکم انحضرت فرمودند منم که بخلوص تمام عبادت  
 کاری حضرت رسالت اندام منبهم که خداوند عالم میفرماید رجلا سکا الرحیل  
 یعنی مردی که خالص باشد برای مرد رجلا اول عبادت از جناب امیرالمؤمنین علیه  
 السلام است و در همانای از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مجمع نیز از انحضرت  
 روایت شد که فرمود ما ذلک الرجل لیسم رسول الله یعنی من آن مردم که بخل  
 تمام در خدایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله اهتمام منبهم از کائنات نقل شده  
 که از حضرت باقر علیه السلام روایت شد که فرمود اما الذی فی سیرکة متساکنون فلا  
 فلان لا دل تجتمع التفرقون فی ولائیه و هم ذلک بلکن بعضهم بعضا و بکرم  
 بعضهم من بعض و اما رجل یسم لرجل فایه فلان الاول حقا و شیعه اما ان  
 کسانیکه در او شرکا و متنازع هستند فلان اولست یعنی ظاهرا اول جمع شدند کشتا  
 که پراکنده بودند در ولائیه و بعضی هر کفی بخوابی و بعضی متابعت او نمود  
 ایشان در ولائیه خلافت او لغن میکنند بعضی بر دیگران و پیروی میکنند برخی از  
 بعضی دیگر و اما آن مرد بکه خالص است از برای مرد دیگر بدستی که او فلان

است یعنی نام اول بر حق که جناب امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان اهل بیت  
 است منمرا یترکها که انک متبکاتهم میبشوند ثم انکم یوم القيمة عند ربکم  
 تحضمون یعنی ای پیغمبر بدستی که منصفی بصفه نزد و بد رستیکه کفارت که  
 نیز نزد اید یعنی برکت تو و ایشان برکت پس از موت بد رستیکه شما ای مؤمنان  
 و کافران در روز قیامت نزد افریدگار خود خصوصت خواهید کرد و در مرد بران  
 قتی حکایت شد که گفته یعنی جناب امیرالمؤمنین علیه السلام خصوصت شما  
 با که حق انحضرت را غصب کند در روز قیامت نزد خدا امیرالمؤمنین که  
 قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب  
 جمیعاً انه هو الغفور الرحیم یعنی بگو ای محمد که خدا میفرماید ای بندگان من انا که  
 اسراف کردند با کتابت نوب کبیره بر نفسهای خود یعنی اسراف نمودند و از حد گذشتند  
 اند مفاصی را نوسیدند و از رحمت خدا بد رستیکه خدا بکافران و کما  
 از صغیر و کبیر و اگر چه از حد حصر تجاوز باشد بد رستیکه خدا بعالی است  
 امر زن کاهان و نه زبان بر بندگان از قتی روایت شد که ای مبنای که مخصوص  
 بشعبان جناب علی بن ابیطالب علیه السلام است یعنی که هر کس از شیعیان و مجتهد  
 انحضرت اسراف و معاصی کند خداوند عالمی امر از جمیع کاهان را  
 عن الکافی عن الصادق علیه السلام لقد ذکر الله فی کتابه ان یقول یا عبادی  
 الذین لا یلهی قال و الله ما اراد بهدا عنکم از کتاب کافی حکایت شد که از حضرت  
 صادق علیه السلام است که بشعبان خود فرمودند هر آنکه بجهنم ذکر کرد است

و شیعیان  
 و کافران



تمام از کتاب خود انجا که میفرماید یا عبادی الذین اشرقوا انا اخرنا به والله ارا  
 نفرمود از این خطاب مستطاب خدا یعنی غیر از شما را یعنی هر چند خطاب بصورت  
 شامل همه بندگان میشود ولی مراد بخصوص شماست ای کسان که ایمان آوردند  
یا کسری علی ما فرقت فی حبیب الله یعنی محبت کراهت خواندن آنکه گوید نفی نه  
 دیدن عذاب ای دامت و پشیمانی من برای آنچه تعجب کردم در جانب خدا یعنی در حق  
 او و یاد را مرا و یاد در طلب قرب جوار او از کلمات نقل شد که از حضرت کاظم علیه  
 السلام مروی است که در این آیه فرمود اند جنبا الله جنبا امیر المؤمنین علیه السلام  
 است و همچنین انکما بنکه بعد از انجناب از او جدا او بودند از کمال از عیاشی نقل  
 شد که از جناب با قریب است که که انحصار فرمود است من جنبا الله یعنی ما ایم  
 انظر نیت که مؤدب است بجانب خدا که مقام رضا است ای کسان که ایمان آوردند  
انتم ارفقتم الی الجنة در مرتبه از اجازها و فحش ابوابها و قال لهم من هم  
 سلام علیکم طیبتم فادخلوها خالدين یعنی برانند با طیف و ملائمت کانی را که  
 برهنه کردند از عذاب پروردگار خود سلامتی و امنی بگوشت فوج فوج بر تفاوت  
 مراتب ایشان در شرافت علو طبقة تا چون بنیاد بگوشت و کثرت شد باشد  
 درهای ایشان پیش از رسیدن ایشان بان تا انتظار کشوند ن نگشند و منگویند بسیار  
 خازان بهشت سلام باد بر شما که بودید در دنیا از غاصی و با آنکه پاکیزه شدید  
 قبل از دخول بهشت پس را باشد که بهشت بخار و دما نندگان از کتاب خصال نقل شد که  
 از جناب امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که روایت میفرماید از پدر خود که

در این باب  
 از جناب امام جعفر صادق علیه السلام

در این باب  
 از جناب امام جعفر صادق علیه السلام

حق که انجناب از جد خود روایت میفرماید که انحصار از جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 روایت در حق که بهشت است راست از یک دران داخل میشوند بچهار و صد بار  
 و از یک در داخل میشوند شهدا و صالحین و از پنج در دیگر داخل میشوند شیعیان و  
 عتبان ما پس در خالینکه استناد امیر صراط همیشه غامیکنم و منگویم و بیست و یک  
 و نیمی و انصاری و اولیائی و من گویا فی ذی الدنیا خداوند سلام کرد از شیعیان  
 و عتبان و با و زان و دوستان مرا و انکسانی که مرا و لحن گرفته در دار دنیا  
 پس نگاه ندانی از میانهای عرش برسد که قد اجبت عنک و شفقت بشیعتک یعنی  
 بجهت منجات کرد ایندم دعای ترا و شفاعت را قبول کردم در خصوص شیعیان  
 تو و شفاعت میکنند هر مرد از شیعه من هر کس که توبه ای من نمود و باری من کرد و شک  
 کرد کسائی را که با من جنگ کرد بغض یعنی شمشیر کشیدند با دشمن من جنگ کند یا قبول  
 یعنی از ثبات حقیقت من مجادله و گفتگو کرده باشد که مناد نفرار من است و اقرینا  
 خود و از یک در دیگر بهشت داخل میشوند سایر مسلمین که شهادت میدهند بر خدا  
 خدا بخالی و نباشد و کردل آنها بعد از سنکشی شغال ذره از بغض عداوت ما اهل  
 اهل بیت ای کسان که ایمان آوردند این الذین کفروا بنا و ان کفرت الله اکبر من مقیتکم انتم  
 از دعوت الی ایمان فکفروا عن القبی ان الذین کفروا یعنی بجهت ایمان الی ایمان  
 یعنی الی ولایة علی علیه السلام از حق نقل شد که مراد از قول خدا یعنی ان الذین  
 کفروا بخی امیه است و مراد از ایمان در قول حقیقا از دعوت الی ایمان و لا یست علی  
 علیه السلام است ترجمه ظاهر اینست بدو است که انانکه نکر و بدید بو خدا نیست خدا

در این باب  
 از جناب امام جعفر صادق علیه السلام



و تصدیق نمودند بیوث خاتم الانبیاء ندا کرد و شوند یعنی که بدو رخ درازند با نفسها  
 اشاره خود یعنی نماز کرده زبان بشارت ملائکه بکشایند که جزا در زمان اخبار ایمان  
 بها و دریم و ملائکه ایشان را ندا کنند که هر اینه و دشمنی خدا مر شما را ببرد که توانست از دشمنی  
 شما مر نفسهای خود را در نان و ز خدا شما را دشمن گرفت و مبنکه خوانند که بشد بدینگو  
 کرو بدن بخدا و رسولش شما را ببرد و ندانان **اینها که شرع کرد** **فما یزید من الله**  
**نوحا و الذی و جناه الله و ما و صلیا به ابرهیم و موسی و عیسی ان اقموا الذین**  
**ولا تفرقوا اینه کبر علی اکثرین ما ندعوهم الیه الله یجیب الیه من یشاء**  
**و ینادی الیه من ینیب** یعنی بیان کرد و روشن ساخت خصما از برای شما از دینی  
 که بان متمسک شوید و راه با بند بر آنچه وصیت کرد بود بدان نوح پیغمبر و آنچه  
 دینی کرد بود فرسود و آنچه امر کرده بودیم بان ابرهیم و موسی و عیسی این سه پیغمبر  
 از اصول دین و مضمون آن وصیت است که اقامه کنند و پیادار بدارند پس با که ایمان  
 است با آنچه تصدیق آن واجب شود از اصول دین و مفرق و بپراکنده شوند یعنی خلا  
 میکنند از اصول دین که است بر مشرکان آنچه بخواند ایشان را بسوای از توحید و خلاص  
 و توحید خدا ببقای نزدیک کردن اندک بنوی آنچه تو بخواند ایشان را از دین اسلام هر که  
 می خواهد یعنی پسندید می کند و بر میگزیند از انکسایند که مطیع اند و راه نمایند بیوفی  
 و ارشاد بدین حق هر که که نماز کرده بحق و رواد و بسوای از حق و واجب شده که که  
 که ایشان ائمه هستند که خداوند عالم اخبار کرده و بزرگ کرده ایشان را از خصم صادق  
 علیه السلام منقول است که فرمود **انا اقموا الذین** اینکه بیایم از بنده بر امضو و مراد

بشارت

لفظ و بر امام علیه السلام است را به مبنای که **ولا تفرقوا اینه** که با از جناب امیرالمؤمنین  
 علیه السلام است یعنی متفرق و مختلف نشوند و از حضرت که اختلاف نمکنند و ولایت  
 ایشان ماند **عوضهم الله و فی لا ید علی علیه السلام** یعنی آنچه که بخواند ایشان را از  
 ولایت جناب علی علیه السلام و من یشاء بزرگایه از علی علیه السلام است از کافی  
 نقل شد که از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که فرمود **نحن الذین شرعنا**  
**کتاب الله فقال فی کتابه شرع کما ال محمد من الذین ما و صلیا به نوحا** یعنی ما هم  
 انکسایند که بیان و روشن کرده است خداوند کریم برای ما بر خود را پس فرمود  
 کتاب محمد خود که بیان و روشن کرده است خدا برای شما ای آل محمد از دین محمدی  
 که وصیت کرده بران نوح را **اینها که شرع کرد** **و ما تفرقوا الا من بعدنا**  
**جائهم لعلهم یفشیانهم** از حق نقل شد که گفتند است یعنی متفرق نشدند پسندیدند  
 و لکن ایشان متفرق شدند بسبب آنچه که آمد بسوای آنها و شناختند او را پس چند  
 برآمد یعنی بر بعضی و ظلم کردند بر بعضی بر بعضی زمانیکه دیدند تفضل را در حضرت  
 رسالت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام را بر ایشان با امر خدای عز و جل پس متفرق  
 شدند و مذاهب اخذ کردند از ایهای و هواهای خود از کتاب کافی نقل شد که  
 جناب امام جعفر صادق علیه السلام سوال کردند از معنی **اینها که الله لطیف بعباده**  
 بر حق من یشاء فرمود ولایت جناب امیرالمؤمنین علیه السلام است که هر که  
 خواست و ایشان را حضرت مراد و گرداگرد معنی ظاهر به اینست که خدا منیر است به  
 بندگان خود و در میند مگر که میخواند مگر بحسب حکمت خیر مخصوص بشارت

و ما تفرقوا الا من بعدنا



بسم الله الرحمن الرحيم

از بند کانی بنوی از لغت و صفی از مکرش که مستحق عکس او باشد **ایها مبارک**  
من کان برید حجت الاخر ایزد که در حق او و من کان برید حجت التبا توفیه منها  
و ماله فی الاخر من نصیب یعنی هر که باشد اراده کند در دنیا کشتن برای این  
علی که موجب ثواب آخرت او باشد بپزایم مراد از رکش خبر یعنی بدین عوض از  
ازده ناهم قصد کردن باز بران و هر که باشد که بخواد کشتن بنابر این مقصود  
او از آن حصول منفعت دنیوی باشد بدینهم او را نصیبی از دنیا و پندش او را در سر  
آخرت هیچ بهره در نعمت خدا سابق و او داشت که در شاخ و برگ و لایب جناب میر  
المؤمنین علیه السلام است و آنکه از اولاد حضرت نا آخرت یعنی هر که عارفان  
باشد خداوند عالمی از بدین ثواب و **ایها مبارک** قل لا استلکم علیه اجر الا  
المود فی القرآنی یعنی بگویم خواهی از شما بر بلیغ رسالت فری مکر طلب میکنم از شما  
در حق ثابت و متمکن در اهل قرابت یعنی همین توفیق دارم که خوششان نزدیک مراد  
دارد و تعظیم ایشان از جمله واجبات شمرند از جمیع از این عباس و ابنت که گفته  
این آیه مبارکه نازل شد بخدمت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فدایت  
کنند تا ناپسند که خدا امر فرمود ما را بدو و شکی ایشان فرمود جناب علی غایب و اولاد  
این دو بزرگوار صلوات الله علیهم هستند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود  
که در آل حق یعنی در وسط نسواری نازل شد در شان ما که هر که حفظ مود ما  
نکند از اهل ایمان نباشد و در بعضی نسخ چنین است حفظ نمیکند مود ما را مگر  
هر که من بعد از این آیه مبارکه را خواندند و از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين

روایت

روایت است که فرمود این الله خلق الایمان من انوار شتی و خلقت اما و علی من شجر  
واحده و انا اصلها و علی فرعها و غایطه لغا حها و الحسن و الحسن ثمارها و انبا  
او زانها من ثمرها و بعضی من اعضاها حبا و من راع هوی و لو ان محمد  
الله بین الصفا و المروق الف عالم ثم الف عالم ثم الف عالم حتی یصیر کالنش  
البالی ثم لیزد رک محبتنا کتب الله علی مخیریه ثم تلا هذه الآية قل لا استلکم  
علیه اجر الا المود فی القرآنی یعنی بدو نسبت که حقیقتا خلق کرد انبیا را از انوار  
مختلفه خلق شدیم من علی از شجر واحد و من اصل ان شجره و علی فرع ان و ما  
شکوفه است و حسن و حسین بنوهای ان و شمعان ما بر کهای اندیش هر کس  
متمسک شود شاخ از شاخهای ان بجات میباشد و هر کس و کرد اند و منحرف شود  
از ان بیهلاکتی بدی رسد و هرگاه بدو نسبتی بنده عبادت کند خدا پندار او میباشد  
و مکر هزار سال بعد از ان هزار سال دیگر بعد از ان هزار سال دیگر تا اینکه از  
کثرت عبادت ما شد مشک گفته کوچکی که پوشید کرد و پیر از کراهن اوصاف  
با همه ان بیک محبت ما را پناه باشد حقیقتا او را نکوستار بر و بینی او بدو رخ  
افازد پس حضرت رسالتا بن آیه مبارکه را تلاوت کردند قل لا استلکم علیه اجر  
الا المود فی القرآنی در حدیث دیگر از فرمایان استناد نقل شد که از حضرت صادق  
علیه السلام روایت است چون نازل شد آیه مبارکه قل لا استلکم علیه اجر الا المود فی القرآنی  
رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد بدو فرمودند بها الناس بدینست که خدا  
تعالی تحقیق فرمود و حاجت کرد باینکه برای من بر شما فرضی ایا پس شما ادا کنید تا ادا

روایت



در این کتاب

کتاب

دکتر محمد علی



ایمان عالم بود و لکن گردانندیم ما کتاب با ایمان روشنائی که راه نمایم و انحراف  
که بخواییم از گنبد کان از قتی نقل شد که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روا  
کرده در این فقره از ایه مبارکه و لکن تعلیقه نورانی فرمود یعنی علی علیه السلام را  
موز گردانندیم و جناب علی ان نور است که راه نمائی کرده خلاق عالم باین نور هر که  
هذات کرده است از خلق خود اینها میباشند که ایستادند بر صراط مستقیم انحصار  
فرمودند در نادانان این ایه یعنی لنقلنا من یؤیة علی و ندعوا لآلهنا و علی هو القصر  
المستقیم ظاهر ایه مبارکه بدرستی که توهین است بوسنبله وحی ما بخوانی مردمان را  
بسوز راه راست حضرت باقر علیه السلام میباشند یعنی امر میکنی مردم را بولایت علی علیه السلام  
بخوانی ایشان را بگوایم جناب علی علیه السلام است صراط مستقیم اینها میباشند که  
صراط الله الذی که ما فی السموات و ما فی الارض مریت و اثنی عشر علیه یعنی  
راه راست خدا آنکه مرا و راست آنچه در آسمانها و زمینها است از روی خلقت  
ملکوت حضرت فرمودند قصد کرده خدا بگوایم باین ایه علی علیه السلام را یعنی صراط خدا  
اینچنان صراطی که مرا و راست آنچه در آسمانها و زمینها است یعنی آنچه در آسمانها  
زمینها است مر علی راست که مقصود از صراط است بعلم آنکه بدرستی خدا اینچنان را  
خازن گردانند بر آنچه در آسمانها و زمینها است از موجودات و امین خود را در اینچنان  
بر اینها اینها میباشند که آیه فی امیر الکتاب بدینا علی حکیم یعنی بدرستی که قرآن در اصل  
همه کتابها که نزد یک ما است یعنی لوح محفوظ که منشخ جمیع کتب قرآن است محفوظ  
از تغییر و تبدل هر ایه علی نیز کوار است و غالباً مقصود از روی اعجاز و فرط ضابط حکم

کرده شده است از طرق نقصا و عرض صیح بزبان اهل کتاب لوح محفوظ است که ان  
اصل کتب سماویه است از معاصکات شد که از جناب صادق علیه السلام روایت  
که مراد از آیه مبارکه وَآيَةٌ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ الْكِتَابَ لَدُنَّا عَلَيْنَا حِكْمٌ جناب امیر المؤمنین علیه  
السلام است و مراد از ام کتاب سور و فائده است و معنی اینکه الحشر در سور فائده  
است که در آن نوشته شده است و از آنجا که منفرها بدین اوصاف القراط المستقیم  
مراد از صراط مستقیم جناب امیر المؤمنین علیه السلام است معرفت او از جمله آیات  
آیه مبارکه وَجَعَلْنَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ بآیه عقیقه لعلمهم هر جیون و ظاهر این دلالت دارد  
اینکه کرم ابتدا بر همین توحید یعنی کلمه طیبه لا اله الا الله را با کلمه انبی بر آیت  
تَعْبُدُونَ إِلَّا الَّذِي فَطَرَكُمْ فَذُنُّوَ و اندک کلمه توحید را کامل و پابند در عقب خود یعنی در  
میان فرزندان و ناسایده و اولاد او به بل خود در توحید و اخلاص و تبری از شرک  
رجوع کنند لکن از احوال حکایت شد که از جناب صادق علیه السلام روایت شد  
فرمودند در شان ما نازل شد این آیه مبارکه وَجَعَلْنَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ بآیه عقیقه و ما ماند  
در عقب جناب امام حسن علیه السلام است یعنی در فرزندان ایشان تار و زهر  
قیامت از معاصکات و مناقب مجمع حکایت شد که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام  
مثل این روایت شد از کتاب مناقب نقل شد که مرویست از جناب سول خدا صلی الله  
علیه و آله سوال نمودند این آیه مبارکه فرمودند انما ت رکب حسن است خارج میشود  
صلح نه نفر از ائمه میانهم مَنْ كَفَرَ بِهِنَّ الا مذهب یعنی از ایشان است همگاین است که حضرت  
صاحب الامر علیه السلام فرجه باشد و زنده آیه مبارکه که لعلمهم هر جیون است و گفته







جواب امیرالمومنین علیه السلام زد که سر به افروزد پس خطاب دل سو خا  
صلی الله علیه و آله فرمودند بدو نسبت که در توشباهی از عینی منم و است هرگاه  
بمنرسندم اینکه بگویند روح تو کرد و هماغه که از منم اندا بچیز را که گفتند  
در حق عینی منم هر آینه منکفم در حق تو قوی که کدر کنی بروی از منم مگر  
انکه گردانند خالدا از زمینهای تو بجهت اینکه منطلبند بکرت را از ان خاک  
یعنی بجهت تبرک بک غصبنا که شدند از تو اعراب یعنی از و نادان و مغیر بن شعبه  
چند نفر از قریش را هم الله که با آنها بودند پس گفتند راضی نشد رسول خدا صلی الله علیه و آله  
بیان نماید کشتی را برای پیغمبر خود مگر اینکه مثل او در برای پیغمبر خود عینی منم  
یعنی او را شنبه مکرر مکرر عینی منم بفرمود و این در نظر آنها عجیب بود زیرا که عینی منم  
را بسیار بلند مرتبه میدانستند و حضرت امیرالمومنین علیه السلام را صاحب  
مقام میدانستند پس این بود نازل کرد خداوند این آیه میا که وَلَا تَأْخُذْ بَعِثَ بَنِي إِسْرَءِيلَ  
از وقتی نقل شد که از جناب سلمان رضی الله عنه روایت کرده که فرمود در آنجا  
که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب خود نشسته بودند که  
ناگاه فرمودند بدو سبکه داخل می شود بر شما در نه ساعت شبیه عینی منم بر سر  
بپزدن رفت بعضی از کسانیکه نشسته بودند با رسول خدا صلی الله علیه و آله نا اینکه  
او باشد آنکس که داخل می شود بوجهت حضرت سالت که شباهت عینی علی علیه السلام  
بوده باشد در حق او صادق باشد پس داخل شد جناب علی بن ابیطالب علیه السلام پس آن مرد  
بعضی از آن خود را گفت که ایا راجی شد محمد صلی الله علیه و آله با اینکه تفضل دهند

و اینها یعنی با بقدر از تفضل که نافرمان کرده نا اینکه تری از منم حله نمود او را شنبه  
یعنی منم هر آینه خدا قسم هر آینه خداهای ما که بودیم پیش منم مکرریم آنها را در آنجا  
ما هفتاد افضل است از دیگر خداوندان که نازل فرمود از آن مجلس این آیه مبارکه را  
وَلَا تَأْخُذْ بَعِثَ بَنِي إِسْرَءِيلَ مَثَلًا لِّأَقْوَمِكَ مِنْهُ يَقْبِضُونَ فَخَرُّوا رُكُوعًا وَأَنبَسَدُوا وَنَافَا  
خَيْرًا أَمْ هُوَ مَاضٍ بُوءَ لَكَ بِالْحَدِّ لَا يَكُنْ قُوَّةٌ مُخَصِّمُونَ أَن عَلَى الْأَعْيُنِ أَنفَعًا عَلَيْهِ  
وَجَعَلْنَا مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ فَكَتَبْنَا عَنْ هَذَا الْمَوْضِعِ بَعِثَ بَنِي چُون زده شد  
به پیغمبر کشتی یعنی فرمود که جناب امیرالمومنین شنبه یعنی است ناگاه قوم تو  
از این گفته تو فریاد میکنند آیه چنین نازل شد پس تحریف کردند و را و گفتند ایا  
خداهای ما بهتر است یا آن عینی که ما نازل علی علیه السلام است بلکه خدا بان ما  
از عینی بنابرین بهتر خواهد بود مثل نزد این مثل را بر تو مکرر می خصوص  
و استعزا و جدل بلکه آنها گروهی هستند خصوص کنندگان و نیست علی مکررند  
که نصرت آدمی را و کرد ایندی و او را مثل بنی اسرائیل جناب سلمان مینماید بدین  
کردند منافقان اسم حضرت امیرالمومنین را از پنموضع بغی اشفاق کردند از مناقب  
نقل شد که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود داخل می شود  
از نزد مردمی که شبیه ترین خلق است یعنی پیغمبر پس داخل شد علی علیه السلام پس  
منافقین خندیدند ازین قول بعد از آن این آیه میا که نازل شد وَلَا تَأْخُذْ بَعِثَ بَنِي إِسْرَءِيلَ  
از مجمع حکایت شد از جناب امیرالمومنین علیه السلام روایتی و زی مد بخند  
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پس با قسم او را در میان کرده که از قریش بودند پس







همه جا از حق جدا نیست و نه حق را از حضرت منفک است **سَبِّحْهُمُ مَعَ عَمَلِهِمْ**  
مَعَ الْحَقِّ أَهْلُ مَبَاكِهِمْ **وَالْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ** **وَالْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ** **وَالْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ**  
 سند برین منها یفرق کل امر حکیم یعنی سوگنجی است حکم و حجاب و ملک و مجد  
 ممت و باین کتاب و شرح هویدا بدوستی که ما فرستادیم ازاد رشت با برکت  
 عظم بدوستی که ما هستیم نم کنندگان پندگان با نزال قران در شبی که از جمله  
 برکات آن است که در آن بیان کرد و فصل داد شود هر کاری که حکم داد شده است  
 در همه سال از قیامت از ذاق و غیر آن از جناب موسی کاظم علیه السلام رواست  
 که نصرت از حضرت سوال کرد از نصرت این آیه مبارکه در باطن پس از حضرت فرمود  
 اما نم پس محمد بن علی علیه السلام و آله است که آن در کتاب هواد است نازل شده  
 بر او و آن منصوص از حضرت یعنی حرفان نام نام است زیرا که ملک بهم و دال  
 از لفظ محمد کتر است و اما **الْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ** پس آن جناب امیر المؤمنین علیه السلام  
 است و اما **الْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ** است اما قوله منها یفرق کل امر حکیم  
يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ فَقَالَ لَوْ مَجَلَّ  
صِفَتِي لَأَوَّلُ وَالْآخِرُ مِنْ هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ فَقَالَ إِنَّ الصِّفَاتِ تَشْبِهُ وَلَكِنْ  
الثَّالِثُ مِنَ الْقَوْمِ أَصْفَ لَكَ مَا يَخْرُجُ مِنْ سُلْبِهِ وَانَّهُ عِنْدَكَ لَوْ لَقِيَ الْكِتَابُ  
تَرَكْتَ عَلَيْهِمْ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ وَأَوْخِرُوا وَتَكْفُرُوا وَانَّهُ مَا قَعَلْتُمْ الحديث معنی این  
 مبارکه منها یفرق کل امر حکیم یعنی خدا میفرماید امر حکیم در آن لایله مبارکه خدا  
 میفرماید که از حضرت فاطمه علیها السلام بیرون می آید خیر کثیر پس حضرت فرمود

ان خبر کثیر مرد حکیم و مرد حکیمی که مرد حکیمی است پس گفت آن نصرت بیان کن از  
 برای من رجل اول و رجل اخر ازین میان را پس حضرت فرمودند که بدو سبب است  
 شباهت یکدیگر دارند یعنی ظاهر و مظاهر و مشابه هستند یعنی از این که  
 بیان میکنم بر آنکه یکی را که از نیل او بیرون می آید و بدوستی که او در زیر شمشاد  
 و در کتبهای شما که نازل شد بر شما اگر بغیر نداد و خیرین نکرد باشد اما  
 تمام شد و از علم این کار را کرد ایدنا اخر **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَغْنَى الْيُسْتَبْرَقُ**  
وَلَا هُمْ يُنْفَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ و در که دفع نکند که در  
 و خوشی از دوست خویش خود را از عذاب و نه آن دوست و خویشان باری کرده  
 شوند از جانب و نشان خود در دفع عذاب مگر کسی که خدا رحم کرده باشد بر او و بغیر  
 از و از آن شفاعت آن در حق او بدوستی که خدا بشارت است بر غنی و ثقیل  
 در حق او عصیان نموده باشد پس بر او بغیر عاصی هیچکس را بارای آن نباشد که  
 او را از عذاب الهی برهانند بدوستی که او است هرگز تا بر هر که اطاعت کرده باشد  
 از کتاب کائنات نقل شد که از جناب صادق علیه السلام روایت شد که خواننده  
 بر حضرت این آیه کریمه پس فرمود **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَغْنَى الْيُسْتَبْرَقُ**  
وَلَا هُمْ يُنْفَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ **وَالْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ**  
 انکه که خدا بشارت است شما کرده که فرمود **وَالْكِتَابُ الْيُسْتَبْرَقُ**  
 دفع عذاب از و نشان خود بشارت کردن هر چند دوستی هیچکس را نرزد  
 مگر بجا کسی ندارد و لکن مادم میبکند عذاب از و نشان خود و دوستی مانع می

نظیر  
 در کتب  
 و در کتب



برای ایشان ابصار از حضرت رواجست که استغنا کرده است خداوند تعالی احد  
 را از اوصیای ایشان و نه از اتباع ایشان مگر امیر المؤمنین علیه السلام و شیعه اجماع  
 پس فرمود در کتاب خوب سخنان و گفتار حق و صدقت بوم لا یفیه مؤلا عن مؤکثا  
 و لا هم یضررون لا من رجم الله یعنی بدین علیا و شیعه که جناب علی بزرگ است  
 و شیعه انحصار را قصد کرد بکلمه لا من رجم الله ای که میگوید که در اینک است انحراف  
 اکثر از ان المؤمنین فی مقام امین و جناب و عبود و تلبس و نیزند پس و استبرق  
 متغایرین کذلک و در جناب هم بخورین مضمون به اولی است که خدا بیغالی بر  
 سبیل تنه و استهلا منفر نماید از انصافی که نزد قوم خویش و مکرر بود که پیش  
 بدر نیست که نونی و چند نزد قوم خویش و کوار نیز هم و کان خود مر و نیست که ابو جهم  
 حضرت رسالت گفت که میباید این و کون که میخط اند کسی از من را چند تر و بزرگوار نیست  
 پس تو و خدای تو توانی ندانید که ضرر کجاست رسا بند چون روز قیامت رسد حضرت  
 رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سبیل استهزا با و کونهای عزیز و کرم پیش این عدا  
 جهم و ابجهم و عقاب الهم را مسمیه میباید که این المؤمنین فی مقام امین الی اخر یعنی بدین  
 که برهن کاران در جایگاه ایمان نشاند و در بوسه های بزرگ و شجاری و چشمهای جاری  
 پوشند جامه ها را از سندس و استبرق سندس از من نیز از کز است و استبرق از ان قد  
 غلبه تر است متغایرین و در جناب هم بخورین یعنی در خالبتکه در برابر یکدیگر نشسته  
 باشند نابدا یکدیگر انش که بر دین مناسیم ایشان را بخورین یعنی بران سفید  
 و لطیف اندام و کشاد چشم که حد آن در نهایت شجایا باشد و سفیدان بغایت سفید

از کانه حکایت شد که از جناب امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود زمانیکه  
 خداوند عالم داخل میکند اهل بهشت به بهشت اهل جهنم را بجهنم و منفر سنده خداوند  
 عالم علی بن ابی طالب علیه السلام را پس از حضرت هر کس را بجای خود از بهشت منزل میدهد  
 یعنی زمین مکان هر کس بجای خود از بهشت منزل میدهد یعنی زمین مکان هر کس  
 بهشت را با جناب است پس از حضرت نیز میگوید میکند انهارا پس علی علیه السلام بخدا قسم  
 انکبست که نزد میگوید اهل بهشت را در بهشت و راجع نیست این امر بولحد غیر از  
 انجناب کرامت معینی است از خدا است که تفضل داده علی بن ابی طالب او متذکر  
 بان بر انحصار از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرموده هر مؤمن نزد میگوید  
 در بهشت مشغول با کرم را و هزارین و در و زوجه از حورین شوق میباید که الی  
 کفر و اصد و اعز سبیل الله اصل اعمالکم یعنی کسانی که کافر شدند و اعراض کردند  
 را و خدا تعالی انهارا خدا بیغالی که ناپسند از علی بن ابی طالب قوی بود و اینست که نازل  
 شد به مبارکه در انجناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله در باب کسانی که فرزند شدند بعد  
 از رسول خدا صلی الله علیه و آله و غضب نمود مدح اهل بیت حضرت را و اعراض  
 از جناب امیر المؤمنین علیه السلام و از ولایت امامت سلام الله علیه هر خداوند باطل  
 کرد انبیا پنج که پیش گذشته بود از ایشان بار رسول خدا از جهاد و باری که در انحصار  
 یعنی انحراف است که از ایشان سرزد بود در زمان حضرت رسالت پناه پس همچنان عمل  
 شیعه بود و نیست شد امیر المؤمنین و الذین آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل  
 علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سبائهم و اصلح بالهم یعنی کسانی که ایمان در

میگوید  
 میگوید

میگوید  
 میگوید



و عمل صالح نمودند و ایمان آوردند با آنچه نیکه نازل شد است بر محمد صلی الله علیه و آله  
و استحقاق و ثابت از نزد کار ایشان بهوشاند خدا و در کدرد از آنها بشکست متصف  
با این صفاتند که از راهی بد ایشان را و بصلاح او و حال ایشان از حق زوایت کرده که ما  
شدن در شان بود و در و سکنان و عمار و مقدار که عهد را نقض نکردند و معنی فواید  
نعمانی و امنوا ایمان را که علی محمد یعنی ثابت و باقی ماندند بر ولایت جناب امیر المومنین  
علیه السلام ایضا که با آنها الذین امنوا ان نصروا الله بنصره و یبکروا  
افداکم ای نماند که ایمان آوردند اگر باری نماید خدای اینی زمین و زور و سوز خدا  
و حق رسول را باری نمکند خدا شما را تا بر ایشان غالب شوید و استوار  
قدمهای شماراد که فیهام بحقوق اسلام و مجاهدت با کفار متم ایه مبارکه و الذین  
کفر واقعاً لهم و اصلک لکما هم ذلك بایهم که هو اما انزل الله فاحبط اغماکم  
انکسانیکه نکر و بند بر لغزین شدند و بیکر و آمدند در مکر که بهما لغزین شدند و  
بیکر و آمدند که مر ایشان را حاصل بود و که و نابود ساخت اعمال ایشان را یعنی اصلاً اجر  
و ثوابه بران مرتبت نکر و ایند و ان که و نابود ساختن عملهای کفار و سبب اینست که ایشان  
که اهل اشند با آنچه نیکه نازل کرده بود خدا بر پیغمبر خود از قرآن و امر تو حکم و با  
شریف که از جمله آنها و ولایت علی علیه السلام است بر باطل و ضایع کرد ایند خدا  
عملهای ایشان را و بجز و قرار داد الحق قال نزل جبرئیل علیه السلام علی محمد صلی الله  
علیه و آله بهذه الایة فکذا ذلک بایهم که هو اما انزل الله فی علی علیه السلام الا  
انه کشط الا سیم فاحبط اغماکم یعنی علی بن ابی طالب و پیغمبر را که فرموده که

این است که

نفس  
بینی ملاکت و بکلمات

انکه و کشط الا سیم فاحبط اغماکم

کشط  
کشط

فرمود و در جبرئیل علیه السلام بر پیغمبر صلی الله علیه و آله این را به اینچنین معنی باین  
طوری که هو اما انزل الله فی علی بن ابی طالب که هو اما انزل الله فی علی بن ابی طالب که  
مکر اینست که اسم علی بگردانیده شد چونکه برگزاشند اسم علی را پس خداوند هم ضایع و  
باطل نمود عملهای ایشان را و عن الجمع عنه قال که هو اما انزل الله فی علی علیه السلام  
از جمع نقل شد که در حدیث است که کراهت داشتند اینچنین را که خدا بعالی نازل کرد  
در حق علی علیه السلام ایضا که با آنها الذین امنوا ان نصروا الله بنصره و یبکروا  
یعنی الذین امنوا علی امامه امیر المومنین علیه السلام یعنی آنچه مذکور شد از ادله  
و عقوبت کافران و نصرت و مشورت بر مومنان بسبب است که خدای تعالی بکلام  
است که ایمان آوردند و ناصر و معین ایشان بوده از حق نقل شد که معنی قول حق  
الذین امنوا ان نصروا الله بنصره و یبکروا اما من جناب امیر المومنین علیه السلام  
و ان الکافرین لا مولی لهم یعنی بسبب است که کافران را هیچ دوستی نیست مرایشان  
یعنی آنها دوستی ندارند که باریشان کند و عذاب از ایشان باز دارند نظر تفسیر سابق  
که منقول از علی بن ابی طالب بود مراد از کافران منکرین امامت جناب علی بن ابی طالب علیه  
السلام است ایضا که ذلک بایهم که هو اما انزل الله فی علی علیه السلام  
بعض الا کفر و الله یعلم اسرارهم یعنی ان سویل و امهال بسبب است که پیروان و  
مشافقان مراد از آنکه کراهت داشتند از آنچه فرموده است خدا از قرآن و احکام  
اسلام یعنی پیروان با اهل کفر گفتند با مشرکان با جاعلی دیگر از اهل شر که گفتند به شما  
زود باشد که فرمانبردار و کبر و کارها و خدا میداند اینانی ایشان را که افشا میکنند

این است که

این است که



از جناب صادق علیه السلام روایت در بیان این است که فرمود که فلان و فلان  
اول و ثانی باشد که نزد خداوند را پیمان در واکذاشتن و لا یستجاب لهم من الله  
فرموده است و الله نازل شدن است و نشان این و نفر و اتباع آنها که اندازند  
ظاهر و باطن به و اینست قول خدا عز وجل انما یستجیبون الله ورسوله الذین یخرجونکم  
بر محمد صلی الله علیه و آله قالوا الذین یرکبوا ما ترک الله فی علی تسبیحکم فی بعض  
الامیر قال و عولیه ایثبه الی سبایهم الا یضربوا الا امرینا بعد النبی و لا یطعنوا  
من الخیر شیئا و قالوا ان اعطینا هم ایاه لم یجنا حوالی شیء و لم یبالوا ان لا یكون  
الا امرینهم فقالوا استجبکم فی بعض الامیر الذی یعوموننا الله و هو الخیر  
ان لا یطعنهم منه شیئا و الذی ترک الله ما افترض علی خلقه من ولائهم  
المؤمنین علیهم السلام و کان معهم ابو عبیدة و کان کاینها فامرک الله ان  
ابرموا امرافا فاما مبرمون امر یجسبون انا لا نسمع سرهم و نجوهم یعنی گفتند  
مرائنا را از منافقین که گراهند داشتند چیزی را که در شان جناب علی علیه السلام  
نازل شدن زود باشد که اطاعت کنیم شما را در بعضی کارها یعنی آنچه را بگویند در  
مخالفت علی بن ابیطالب علیه السلام با شما مواضع شما هم از حضرت فرمودند که خوانند  
ان دو مرتبه و با و زان ایشان اولاد امیه را بر کشتن و پیمان حق بر اینکه قرار  
پیمان خلافت را بجا اهل بیت نگذارند بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و بعد از  
حسن چیزی ندهند و گفتند هرگاه ما با آنها که اولاد رسول صلی الله علیه و آله  
حسن را بدینم محتاج نمیشوند بچیز و بال ندارند پس خلافت نبوده باشد و شما

ایشان پس بنی امیه گفتند زود باشد که اطاعت کنیم شما را که از حسن چیزی بایشان  
نمیهم و مخالفت ما بین و دران چیزی که خدا واجب دانسته است بر خلق خود از ولایت  
امیر المؤمنین علیه السلام یعنی در این و چیز اطاعت شما میکنیم که حسن و بهم و نگذاریم که  
خلافت با امیر المؤمنین برسد و بود همرا ایشان ابو عبیدة و او نویسنده نامه بود  
بود پس خدا ایشان را از فرمانروایی را که مضمونش اینست با محکم کرد ایند امری را یعنی محکم  
پس بد رستبکه ما محکم کنند کاین انا کان میکنند که ما نمیدانیم آنچه بنیان میکنند  
و در شما با یکدیگر نمیکوبند نه چنین است خال آنکه فرستادگان ما نزد ایشان  
و می نویسند آنچه در شما میکنند یعنی با احوال چگونه میدانیم امیر مکیا که و کون  
لا ریناکم فکفرتم بیمانهم و لغیرهم فی بحین القول یعنی هرگاه بخوایم  
بنمایم ایشان را یعنی علامت نشانها پیدا کنیم بر اینها پس هر چه بشناسی از آنها را بعلما  
که دید شود از ایشان و البته نشانها بر اینها را در حق قول بقول و اسلوب کلام و  
میل دادن او را از نصیبی بجز از بسو و بعضی بعضی گوشه زن و توری که نمون بقول کلامی گفتند  
طاهری داشته باشند و خلافت را خواستن عن الاما لعن امیر المؤمنین علیه السلام  
قال قلت اربع کلمات ترک الله تعالی تصدق بقیها فی کتابه قلت الموعود یخون و الخائن  
فاداکلم ظمیر فامرک الله تعالی و لغیرهم فی بحین القول و اما صدق و کلام  
شده که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود من چنان کلام کنم  
که خداوند جل شانہ فرود فرستد تصدیق مرا یعنی مطابق آن چنان کلام من فرمود بگو  
از آنها اینست که مرد مخفی و مستواست در زمینان خویش چون سخن را بداند آشکار

و قیاس  
ای در اسلوب و بیان  
لا یجوز فی حق خود







عَدُوِّكَ بَعْنِي خَدَاوند اكر تو مرا داخل نش نماز دشمن تو كه شبطان باشد شام بشود و  
 مرگه مراد داخل بهشت نماي پيغمبر تو شام بشود و من قسم بخدا مي دهم كه شام شده و روز  
 بود و من تر و خوشتر است بگو تو از شام شده دشمن تو و از حق حكابت شده كه از  
 جناب صادق عليه السلام روايت است كه پرسيدند شام از انحضرت از ميثقي كه پرسيد  
 فرمودند براي رسول خدا صلى الله عليه واله مكافه از صغير و كبير بنو سكل است كه  
 هرگز معصيت بخوابد شريف نكند زانند و لكن خداوند عز وجل كه اهلان شيعه است  
 اينرا مؤمنين عليه السلام را بر اجتناب بار گرفته يعني انحضرت كه اهلان ايشان را بكون  
 گرفتند بجز اير زبدهان كه اهلان از ابراهيم انحضرت **ايمر ميا** كه بعد رضى الله عن المؤمنين  
 از تبايعونك تحت الشجره يعني هراينه بجهنم راضى شدند خدا از مؤمنين مانايكه نيست  
 نمودند در زير درخت سيمر از رضى حكابت شده كه از جناب صادق عليه السلام روايت  
 کرده كه جناب ايمر المؤمنين عليه السلام بمقابله عليه السلام نوشت انا اول من  
 تابع رسول الله تحت الشجره يعنى من اول كسى بودم كه بيعت كرد با رسول خدا صلى الله عليه  
 و تحت شجره و انجيره درختى بواين مشهور كه شجره طلع باشد و ان درختى است بزرگ و خرا  
 و بيمو حاصل قصبه بيعت است كه چون جناب رسول خدا صلى الله عليه واله از مدینه پي  
 شدند بفرقه مكه متقه بجد بيه سبيل و اينجا هفت نزد يك مكه با ان درختى كه در  
 زير ان بيعت كردند توقف فرمودند و عثمان را بپايد كه فرستادند نزد كفار قرين كه من  
 بناي جنك باشم اندام و بپايدت بپايدت الله آمدم بپايدت عثمان را نگاه داشتند و خير  
 بر رسول خدا صلى الله عليه واله و مسلمانان رسيد كه عثمان را كشتند بپايدت فرموده كه ان

ايمر مؤمنين عليه السلام

فاتحه و كذا

سفر نمي كرديم تا با آنها جنك كنيم و اجتناب كردم راه بيعت خواندند پس بپايدت  
 و رفتند بگو شجره سيمر كه مشهور است پس تكيه بزا و داند و مرگه با اجتناب بيعت كردند  
 بر اينكه جنك كنند با مشركان و فرار نكنند و و عدل اطاعت دارند تا هيكلام مثل اهلان  
 و عدد اهلان را و با نصد نفر بودند و با هزار و سصد نفر **ايمر ميا** فاتحه كنند  
**كَلِمَةُ عَلَى رِيسٍ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّهْمِ كَلِمَةُ التَّقْوَى** يعنى بپايدت خداوند نازل كرد  
 بر رسول و مؤمنين طمانينه را مشهوره نازل كردم كه بايد خدا بپايدت بپايدت  
 است از جملة حكايت شده كه از رسول خدا صلى الله عليه واله روايت است كه بدو  
 على بن ابى طالب عليه السلام نشانه هدايت و امام اوليائى مى است و روشت  
 براي كسانيكه اطاعت كنند و او است كلمه كه الزام كردم او را بر مؤمنين از خصا  
 روايت است كه ائمه سلام الله عليهم فرمودند نحن كلمه التقوى وسبيل الهدى يعنى ما  
 هستيم كلمه تقوى وسبيل الهدى و عن ابى جعفر عن ايمر المؤمنين عليه السلام قال في  
 خطبه انا غرقة الله الوثقى و كلمه التقوى يعنى از كتاب تو چند حكايت شده كه از ائمه  
 ايمر المؤمنين عليه السلام مرويت است كه در خطبه فرموده كه من غرق الوثقى يعنى من  
 او بپايدت خدا و كلمه التقوى يعنى بخي كه سبب هيكار است هستم و كذا كذا عن ائمه  
 عليه السلام في حديثه و عن كلمه التقوى و غرقة الوثقى و كتاب كالا از جناب امام  
 رضا عليه السلام روايت است كه ما هستيم كلمه تقوى و غرقة الوثقى **ايمر ميا** كه ائمه  
 في وجوههم من كثر الحجى يعنى علامت ايشان در زير پاهي ايشانست يعنى علامت ريشه  
 ايشان ظاهر و هوذا است از نشانه سجد كردن و اين مستلزم كثر سجود ايشانست

فاتحه و كذا

فصل في بيان

فصل في بيان



اینکه امام زین العابدین علیه السلام بدو التفات مشهور گشته بجهت همین است  
 زیرا که از زبانی عبادت و سجده نمودن پیشانی آنحضرت تفات بعید باشد بویستی  
 بسته بود مثل پشته اشرف لهذا آنحضرت بجهت این معروف شد و بر این سخنان  
 اثر بحدود در روی لاغری ایشان از خست و استقامت مبارکه انما نحن النصارى  
 وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  
 عَزَّ وَجَلَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ سُئِلَ فِيمَنْ تَرَكْتُ هَذِهِ الْأُمَّةَ قَالَ إِيَّاكَ يَوْمَ  
 الْقِيَمَةِ عَقِبْتُ لَوْ أَنَّ مِنْ نَوَارٍ نَوْرًا وَنَادَى مُنَادٍ كَيْفُمْ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعَ الْيَوْمِ  
 أَسْوَاقُ مَدَنَتِ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَقُولُ عَلَيْهِ بِنِيبِطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فَيُعْطَى اللَّهُ الْوَلَاءَ مِنَ التَّوَارِ الْأَبْقَى سَيِّدِ الْجَمْعِ السَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ  
 وَالْأَنْبِيَاءِ الْأَخْلَاءِ غَيْرُهُمْ حَتَّى يَجْلِسَ عَلَى مَنبَرٍ مِنْ نَوَارٍ بِنَا الْغُرَّةِ وَيُغْفَرُ لِكُلِّ  
 عَابِدٍ رَجُلًا فَيُعْطَى آخِرَ وَتُونَ فَإِذَا أُنْشِئَ آخِرُهُمْ قَبْلَ كَلِمَةٍ قَدْ عَرَفْتُمْ مَوْضِعَكُمْ  
 وَمَنَازِلَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ لَكُمْ خَيْرًا لَكُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا بَعَثَ الْجَنَّةَ  
 فَيَقُولُ عَلَيْهِ بِنِيبِطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْعَوْمُ حَتَّى لَوْ أَنَّ مَعَهُمْ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ  
 ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَنبَرِهِ وَلَا يَخْرُجُ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ الْمُؤْمِنِينَ فَيَأْخُذُ بِصَبْرِهِ مِنْهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ  
 وَبَرَكَاتُهَا عَلَى النَّارِ مَغْفِرَةً شَرِيفَةً أَسْتَكَرَ وَعَدَ مَكَرَ خَدَا وَنَدَى جَلَّ جَلَّالُهُ  
 كه ايمان او زداند خدا و رسول و كردند كارهاي شويو از ایشان نفعي از امانت گشت  
 ذكر بافته اند از تركنا هان و مری برك و بی پایان از كتاب امالی نقل شده كه  
 انما رجبنا سو خدا صلي الله عليه و آله بدو نسبت كه آنحضرت پسر شده شد كه این بانه

فصل  
در بیان

مبارکه در حق که نازل شد فرمودند چون رفتن است شود منفعت شود علی از نور  
 انو یعنی در شوق و مشتاقان میکند که باید بر خیزد است افای مؤمنین با او باشد  
 انا که ايمان او زداند و بحق که بر این سخن خدا بجا جناب محمد صلی الله علیه و آله  
 پس بر میخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام بر میخیزد خداوند عالم علی که از  
 نور سبیل است بدست مبارک آنحضرت که در زبان علم میناشند جیع سابقین  
 اولین از مهاجرین و انصار که بگری ایشان مخلوط نیست یعنی در میان ایشان  
 بیکانه از بر و فرقه نیست ما اینک می نشیند جناب بر منبری که از روشنی پروردگار  
 عزت و غلبه نشان داد می شود همه ایشان بر آنحضرت پس بیک مژده روشنی اثر را  
 می دهد بر چو زمانیکه با خروا نهار سپید گفت می شود مرا ایشان را که تحقیق شناختند  
 موضع منازل خود را از بهشت بدو رستی که پروردگار شما مفرمانا بد شما را که در نزد  
 شما مفرمانا این عظیم است پس بر میخیزد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام در حالیکه  
 انکرون که من بخواهم که نشاند که در زبان علم آنحضرت هستند با ایشان یعنی آنحضرت  
 با ایشان بر میخیزد نا اینکه داخل بهشت شود بعد از آن بر میخیزد و جناب بر منبر خود  
 و بهشت نشان داد می شود بر آنحضرت جیع مؤمنین پس آنحضرت میگوید قسمت خود را از  
 ایشان یعنی در نشان جناب در قمتا و محسوب شوند پس میرند ایشان را بهشت  
 و اکدار در و هان چندی بر اترش یعنی کس را که از قمتا و خارجند و دوست او  
 نیستند و میگردند سنا بر مومنان را در اترش و نفع ما قبل علی حجة جنة فیما لثا  
 والجنة و اهل الجنة که با آنها الذين آمنوا ان جاءكم فایسئبوا فایسئبوا ان یصبوا

در بیان



یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید اگر نیاید بگو شما فاسق که پیر من روزه باشد از شما  
 خدا بخیر بپس بیاورد بخیر نیکه موتا نام خواطر باشد بر شخص و مجتهد کند و بنک پیر  
 صدق و کذب نباشد و بجز اخبار وی مبادرت بعمل می مکند روی آن استنبی  
 ولید بن عقبه فی صدق ابی المصطلق و کان یبینه و بینهم ایضا فلما سئلوا به  
 ایستفادون بحسبهم مقایله قرع و قال رسول الله صلی الله علیه و آله  
 از ندوا و متوا الزکی هم بفیاضهم قزل و یویدیهذا الزیاده فی الاخراج  
 عن الحزب المجتوب فی حدیث قال و اما انت با و لید بن عقبه قواله ما الکونک  
 ان تبغض علیا و قد جلد کنه الخیر ثمانین جلد و قتل باله صبر اربعین یوم بد  
 ام کف تشبه فقد سماه الله مؤمنا فی عشر ايات من القرآن و سماک فاسقا و  
 هو قوله ان جاءکم فاسق فلیتوا به فی ذلک شد انکه جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 فرستاد ولید بن عقبه برای گرفتن صدقات و زکوة بنی المصطلق و میا و لید و آن  
 پیش از اسلام کینه بوی چون شنیدند آمدند او را با استقبال و آمدند پس او را که  
 که ایشان بجنک و پیر نامند پس بر کشتن بخندند رسول الله علیه و آله عرض کرد  
 که این قبيله از دین برکشند و زکوة ندادند پس آنحضرت عزم کرد که با ایشان جنگ  
 نمایند پس اینا به میا که نازل شد و تعویث نمیکند این و ایت را آنچه در احادیث  
 حضرت امام حسن مجتبی و ایت شد در حدیث طویله از اجماع چیز نیکه میفرماید و اما تو  
 ای ولید بر عقبه قسم بخدا ملائمت کنم ترا که چرا نمی روی علی علیه السلام و حال  
 بجهنم هشتم نازل شده است بوی شجاعی که خورده بودی و بملعون نازل شده

کشته است بدست مبارک شقی در روز بددا با چگونه سب فاسق ای بوی تو با خبیث  
 پس بجهنم که خدا بشارت داده از فران او را مؤمن نام نهاده و مرا فاسق نام نهاده است  
 و در اینجا مرا فاسق نام نهاده میفرماید از جاءکم فاسق نا اخرجکم پس از پنج بیت نه میفرماید  
 میشود که اینا به شریعت در شان املعون نازل شد **ای کلاما که و اعلوا ان**  
**مکم رسول الله لو یطیعکم فی کثیر من الامر لعینکم و لکن الله حبب الیکم الایمان**  
**و زینة فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و النفاق و الغیبة یعنی مبدای موی**  
 انکه در میان شما است فرستاده خدا اگر فرمان بر شما را یعنی اگر رسول خدا قبول  
 کند قول شما را و برای شما عمل کند در بسیاری از کارها سرایه بخرج افشاند هلا  
 شوید و لکن خدا بشارت و سنت گردانید است بگو شما اینا را که نصیب بخت خدا  
 رسول و میجای بیا به النبی و راسته است اینا مراد از اینها میام و مکروه گردانید  
 بوی شما پوشید و مخفی داشتن حق را و پیر و قتل از طاعت مفروضه او و نافرمانی از  
 روی عناد و طغیان از کافی و حق حکایت شد که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام  
 روایت شد که ایه مبارکه **حبب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم مراد از اینها جناب امیر**  
**المؤمنین است و کره الیکم الکفر و النفاق و الغیبة یعنی اول و ثانی و ثالث از جمله**  
**ای کلاما که ایما المؤمنون الذین امنوا بالله و رسوله ثم کذبوا و جاهدا**  
**بما یؤاخذهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الضالون یعنی حوزین هفت که مؤمنان**  
 از روی حقیقت انکار می کنند که ایمان آورده اند بخدا و رسول او و سخنان او و مخلوق  
 تصدیق نمودند پس شک نکردند بذل بعد از اقرار بر ایمان شک نکردند و جهل نمودند

این  
 است  
 که  
 در  
 حدیث  
 آمده  
 است

و در  
 حدیث  
 آمده  
 است







خود را که واجبست بر ایشان فرمان برداری و اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحيم  
 البرحمین و الجحیم از هوی حاصل صاحب که و متاعوی منفرها بد یعنی قسم بستار و جو  
 طلوع کند و بلند بر آید و با هبوط کند و غروب کند هوی بد و معنی آمد بنا بر اول  
 مشق از هوی است و بنا بر ثان مشق از هوی بضم ها کراه نشد صاحب شمس  
 اهل قریب یعنی محمد صلی الله علیه و آله بهمت تبلیغ رسالت خطا نکرد و زانچه بنابر سناد  
 یعنی از ابواب گفت و با مزا اهل من تکب نشد در مجالس از ابن عباس روایتست  
 که نماز عشاء را شبی با جناب سول خدا صلی الله علیه و آله بخواند و در نیم بیک چون سلام  
 نماز را گفتند وی مبارک را بگوینا که را بپندند بیک فرمودند و در باشد که شمار  
 از آسمان حرکت کرد بر زمین فرود می آمد مقدارن طلوع صبح بیک می افتد در خانه بیک  
 از شما ها بیک بجانه هر کدام که انداره افتاد بیک آن و حق و خلیفه من است اما ما  
 بعد از من چون نزد یک صبح شد هر یک از ما نشست و خانه خود انتظار می کشیدند افتاد  
 سنان را و کسب که طمعش پیش از همه انکری بود و زانکه در خانه او نپسندید در من  
 این عبد المطلب دید چون فجر طلوع کرد سنان حرکت کرد از هوا و بیابان آمد بیک  
 خانه جناب علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد بیک جناب سول خدا صلی الله علیه و آله  
 فرمودند بر علی که یا علی ضم جدایه که مبعوث گردانید مرا به پیغمبر هر آینه تحقیق ثابت  
 و برقرار شد برای تو و صحت خلافت امامت بعد از من پس منافقان گفتند که عبد الله  
 این از و احبابا و لعنهم الله هر آینه تحقیق که محمد گمراه شد و در و نبی بر عزم خود یعنی  
 دوستی حضرت امیر المؤمنین با عت این شد که حضرت رسالت گمراه شد و خطا کرده و

نیکو بد در شان بر عزم خود مکرر از روی هوا و خواهر نفس یعنی بیکه او زاده است  
 دارد اینها را از پیش حق نیکو بد پس خدا بعالی اینا به مبارک را نازل فرمود و الجحیم را  
 هوی ما حصل صاحبکم و متاعوی ما بیطون عن الهوی ان هوا لا و حق بوحی یعنی قسم  
 با فرشتگان سنان که سافط شد که گمراه نشد محمد صلی الله علیه و آله و اله یعنی در محبت بن  
 ابیطالب علیه السلام خطا نکرد و زان که فرمود و سخن نیکو بد از روی هوا و خواهر نفس انچه را  
 در شان علی نیکو بد و نیست نطق او مکرر و حق که فرمود آمدن بوعی لا مالی غیر الله صلی  
 الله علیه و آله قال لما عرج فی الیسماء و در موت من بی عز و جل حق کان نبی و نبیه  
 قاب قوسین و اذنی فقال لی یا محمد من یحب من الخلق قلت یا رب عیال قال  
 قال لی یا محمد قال لی من یحب من الخلق قلت یا رب عیال قال لی من یحب من الخلق قلت یا رب عیال قال لی  
 الرحمة منقولست که از جناب سول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود چون  
 بلند گرد شدم بسو آسمان و نزدیک شد بد کرد کار خود تا آنکه میامان و خدا بقا  
 قاب قوسین بوی یعنی مقدار و در ذراع بنا بر تعبیر بعضی یا بعد گرفتگاه از کمان ناسر  
 که بر کشنده که جای بسن زه باشد بنا بر تفسیر که از حق نقل شدن با اینکه از اقم  
 نزدیک تر پس خداوند عالم فرمود یا محمد از مخلوق من کرد و دست مینداری عرض کرد  
 بر و زد کار اعلی را خدا بقا فرمود پس ملتفت شو یا محمد پس ملتفت شدم دیدم از طرف  
 چپ خود پس نگاه دیدم که از بنار من علی بن ابیطالب که اینستاده از کانی منقولست که  
 از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که در آخر حدیثی آنحضرت فرمودند  
 والله ما جاءک ولا بد علی من الارض و لکن جاء من السماء مشافهه یعنی جدا قسم



ولايت على نزل طالع عليه السلام از زمین بنامد و لیکن از آسمان آمد و در خانه که روی  
از خدا شنید یعنی به وساطت <sup>منزل</sup> شب معراج اختصار ما موشدند باینکه امیرالمؤمنین  
صاحب اختیار است که نماند <sup>در میان</sup> ما کذب القواد ما زانی یعنی دروغ نگوید جناب رسول  
خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که در میان مختصر بگوید شب معراج افتما رونه علی ما هر افتما  
یعنی افتما رونه علیه من المراء و قیر افتما رونه ای مقبلون فی المراء و افتما رونه  
و علی النص من علی الغلبه یعنی با مجادله میکنند ای مغان در قریش بر اینچیز که می بیند  
پیغمبر شب معراج از ابابا عظمه و مخلوقات عجب بنا بر قریشی که افتما رونه می خوانند  
شد یعنی با غلبه میکنی او را در مجادله با اینکه معقول نیست با انکار میکنند و حتی که  
غلبه کنند تا بند بر او عی القم انه سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن نزل  
الوحي فقال وحي الي ان عليا سبي المؤمنين و ايام المتقين و افتما رونه العز الحجة  
و ان خلفه يستخلفه بنائهم النبیین قد حل القوم في الكلام فقالوا امين الله و  
من رسوله فقال الله جل ذكره رسول الله قل لهم ما كذب القواد ما زانی ثم رونه  
افتما رونه علی ما هر افتما رونه رسول الله صلی الله علیه و آله قد امين في بيته  
اميرنا ان نصبة للتائين فقول هذا و ليكن بعد من انه بمنزلة السفيه يوم  
الفرق من خل فيها نجي من خرج عنها عرف يعني از رفتی منقول است که هر سید  
شما از رسول خدا از من می که در آیه مبارکه فاحملوا عبدي ما اوحى که چه بوان  
و حق خداوند عالم انجذاب فرمود و حق شد بگو من بدرستیکه علی بن ابی طالب استبد  
المؤمنين و ايام المتقين و افتما رونه العز الحجة بن است یعنی کفایت مؤمنان که ما

در میان

بعبور

استبانی میکنند که پیشانی چهار پای ایشان سفید است یعنی نور از مواضع  
معبود ایشان ساطعت و اول خلیفه است که جانشین خود میکند و افتما رونه العز الحجة  
پس انکون منافقان داخل در میان کلام شدند یعنی در بین کلام المختص عرض کرد  
ابا این فرمایش از خدا است با از رسول خدا پس خداوند عالم این آیه مبارکه را از انزال  
ما کذب القواد ما زانی پس ذکر بران منافقین که این کلام را از روی بغض  
بصدان گفتند پس فرمود افتما رونه علی ما هر یعنی دروغ نگوید است فواد  
پیغمبر آنچه را دید ابا بن کار و مجادله میکنند بر او اینچیز را که می بیند فقال لهم  
رسول الله صلی الله علیه و آله و قد امين في بيته هذا اميرنا ان نصبة للتائين  
فقول هذا و ليكن بعد من انه بمنزلة السفيه يوم الفرق من خل فيها  
نجي و من خرج عنها عرف پس فرمود جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بنحو  
که من بغير از من نبر ما مورشده ام هر اینکه ما مورشدم باینکه نصیب کم غل را  
برای مردم پس بگویم که این یعنی علی بن ابی طالب صاحب اختیار شما است بعد از  
من بدرستیکه او بمنزله کشتی است و در دروغ شدن هر کس داخل شد در آن  
نجات یابد و هر کس خارج شد هلاک و عرف شد امیر که قبل از این فراموش  
رَبِّهِ الکبری یعنی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج هر آینه بنحو  
و بعد از نشانهای قدرت پروردگار خود که بزرگترین نشانها بود از کافی منقول  
است که از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام رواست که نیست برای خداوند عالم  
اینی که بزرگ تر از من باشد و منم آیه کبریا اول سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحيم

در میان



الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلِمَهُ الْبَيَانَ بِغْنِي خَدَاوَنَدَ بِسَبَابِخَشَابِشِ  
 وَكَمْتِ اوجِهَ چنبره قرآن شد موخته است قرآن را بچشم بپا فیرد چشمان از او بپا  
 او را یعنی پی ادم را بپایان کردن ملائکه الصمیر بنطق و کتایت فیتی از حضرت امام رضا  
 علیه السلام روايت کرده پرسیدند شد از معنی خلق الانسان فرمودند که ان جناب  
 امیر المؤمنین علیه السلام است پرسیدند شد از معنی علمه البیان فرمودند که بپا  
 خدا با جناب بپا هر چنبره را که مرکبم غناج بان میشود و السماء رفقاها و وضع  
 البیان یعنی و بر آسمان از آبیای زمین بپا بپا ناله داه و بپا فیرد در میان  
 با فو و کتایت از آسمان انچیز را که بان و زن و مقام را شتاب معلوم میشود چون تر از  
 در تمة حدیث سابق که از حضرت امام رضا علیه السلام روايت است که شما جناب رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله است که او را بگو خولند کرده و میزان جناب امیر المؤمنین  
 علیه السلام است که خدا بپا او را برای خلق خود نصب کرده و پرسیدند شد از معنی  
 لَا تَقْرَأُوا فِي الْبُرْآنِ اِی لَا تَقْرَأُوا الْإِمَامَ بِغْنِي مَقْصِدِشَ اَمَامَ وَاَنْتَ بَرَسْنَدِشَ  
 وَاَقْرَأُوا الْوَزْنَ بِالْفَيْضِ وَلَا تَحْمِلُوا الْبُرْآنَ فَرَمُوْهُ اَقْرَأُوا الْإِمَامَ بِالْقَدَلِ وَلَا تَحْمِلُوا الْإِمَامَ  
 حَقَّةً وَلَا تَحْمِلُوا بِغْنِي بِرْ بَابِ اَرْبَابِ اَمَامَ غَادِلِ رَا بَغْنِي بِرْ وِی کیند و مناصبت او نباشد و او را  
 بر جایش که خدا فرار داده برای او نباشد و که مکیند حق او را و ظلم مناشد با و میزان را بپا  
 نفس امام است فَبِأَيِّ لَآءٍ رَّبِّكَ تَكْذِبَانِ یعنی بکدام نیک از نعمت پروردگار خوان  
 تکذیب منما شد از فوق منقول است که گفته است خطاب بیک ظاهر الحق و انراست و در  
 باطن فلان و فلان است که مخاطب اند عن الصادق علیه السلام أَنَّهُ قَالَ قَالَ اللَّهُ يَا

الضمير

التَّحْمِيلُ تَكْفِيرُ اِنْ تَجِدُ اَمْرًا يَحْتَلِي بِسَلَى اَللّٰهُ عَلَيْهِ نَا وَعَنْ اَلْكَانِ بِرْ فَوْعًا بِالْبِقَامِ بِالْوَصِي صَلَ  
 بغي منقول است که پرسیدند شد از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی این آیه شریفه  
 فَرَمُوْهُنَّ خَدَاوَنَدَ عَالَمَ فَرَمُوْهُنَّ بِسَبَابِ بکدام نیک از نعمت خدا که فرماید ایا بپا  
 علیه السلام ایا بپا جناب علی علیه السلام که فرماید و انکار منما شد یعنی ایا انکار نبوت  
 پیغمبر را منما شد یا انکار ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را از کافیه منقول است که  
 ایا به نبی کافر میشوند و انکار منما شد یا به وصی او و رب المشرقین و رب المغربین یعنی  
 خدای بخشاینده وافرید کار و شرق است برای اقبال یکی مشرق و یکی مغرب شود  
 و پروردگار و مغرب است برای شمس یکی تابش و دیگری منافی از جناب امام جعفر  
 صادق علیه السلام روايت است که مراد از شرق جناب رسول خدا و جناب امیر المؤمنین  
 علیهما السلام است و مغرب جناب امام حسن و جناب امام حسین علیهما السلام است  
 مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ بِالْمَيْمَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ لَآءٍ رَّبِّكَ تَكْذِبَانِ مَخْرَجَ مِنْهُمَا  
 الْقَوْلُ وَالْمَرْجَانُ یعنی بپا کرد و جاری فرمود و در بار یکی شیرین و خوش و در دیگری  
 شور و تلخ در خالتی که بیکد بکر میسند و سطوح آنها بیکد بکر ماس میسند و ان بحر فانی  
 و درم است در میان آنها خاخری پرده است از درخت خدا که بسبب اخروی نمیچند  
 بر یکد بکر و بیکد بکر بیکد بکر غالب شوند بمارجه و ابطال خاصیت یکد بکر و بیکد  
 خاخر عذ و بید و پای غنیمت بمارجه در پای تلخ باطل میشود و هر یک در کله خود برقرارند  
 پس بکدام از نعمتهای پروردگار حق تکذیب میکنند پس بی اید از هر که و در بار و در  
 و مرغان از معنی منقول است که از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روايت کرده که

الله عليه و آله

مرج البحرين  
 ای و رسول البحرین  
 جبل بحر الفارس  
 و بحر الزم  
 ظاهر



جنابا مبرائونین علیہ السلام و جناب فاطمه علیها السلام دو بحر هستند یعنی دریا  
 هستند یعنی تعدی نمیکند یکی از آنها بحر صانع حق که خارج شد از آنها لؤلؤ و مرجان  
 که جناب حسن و جناب حسین علیهما السلام باشند و از جمع منقولست که از حضرت  
 سلمان فارسی سلام الله علیهم و سعید بن جبیر و صفیان الثوری و ابیث بن رستم  
 بحرین جناب علی و فاطمه سلام الله علیهما و کبرنج جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 و لؤلؤ و مرجان جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام است خامنه و مرغی که  
 ببارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام یعنی بزرگتر است که در کار تو از حیث  
 دلالتان بر ذات اقدس او نبی خداوندی که او را نبیست جمیع صفات که مستلزم  
 ذات او است و مبرا است از هر صفتی و حق تعالی عزت کبریا نبیست از حق منقول است که  
 از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که این جناب فرمود حق جل و الاکرام و لا اوتی الله  
 الله تعالی العباد ببطاعته و محبتنا یعنی ما جل و الاکرام و کرامت خدا بپناهشیم که کرامت  
 است بپندار از بطاعت محبت ما از کلام منقولست که از جابر بن عبد الله روایتست  
 که گفت ما اینکه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله سو مبارک الرحمن را خواندند  
 مردم ساکت شدند و سجدی عرض نکردند و چیزی نگفتند پس آنحضرت فرمودند ای کائنات  
 احسن جوابا منکم کنا قریون علیهم فیما فی الاله و ربکا نکد بان قالوا لا یسعی فی  
 الاله و ربکا نکد بت یعنی جماعت جن از شما بهتر هستند که جواب دادند ما اینکه این  
 مبارک را جماعت خواندند بنا بر اینکه فرمود بصفتی مجید و مفرد مؤنت غایب  
 اینکه فرمود باشد یعنی خواندم بر ایشان بنا بر اینکه معلوم متکلم باشد گفتند که

خبر  
 فرمود

من الاله و ربکا نکد بت یعنی هیچ نبی از صفات پروردگار خود تکذیب نمیکند جناب امام  
 صادق علیه السلام فرمودند هر کس سوره الرحمن را بخواند و در هر یک از قول خدا  
 فیما فی الاله و ربکا نکد بان بگوید لا یسعی فی الاله و ربکا نکد بت اگر در شب بخواند و پس از آن  
 ببرد شهادت دهد و باز در روز بخواند و پس از آن ببرد شهادت دهد در سوره مبارکه ادا  
 وَصَّيْنَا لَوَاقِعَهُ الْاَنْبِيَا كَ وَ الْاَشْيَاقِ وَ الشَّابِقُونَ الشَّابِقُونَ اُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ  
 جناب انبیا یعنی پیشی گرفتگان با ایمان و طاعت بعد از ظهور حق کافی اند که حال  
 ایشان در نسبت بر تو واضح و مثال ایشان بر تو لایح است پس احتیاج به بیان احوال  
 ایشان نباشد انکرون سابقا نزد تک گردانیده شده اند از رگه و رجه مرتبه یعنی درجه  
 ایشان نزد تک است بعرض خدا در جودشان با انواع نعم و کرامت یعنی ایشان در  
 درجات جنان و ارفع مراتبان خواهند بود و از حق منقولست که گفته سابقون  
 کافی هستند که پیستی گرفته داخل جنت میشوند بیجا از امانت منقولست که روایت  
 شده از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد ازین آیه مبارکه انحضرت  
 فرمودند جبرئیل بمن خبر داد که جناب علی بن ابیطالب علیه السلام و شعله او است  
 بگردانند بگویند و نزد تک بخدا بسبب کرامی داشتن او ایشان را با آنکه معنی اینست  
 که مقرب و نزد تک اند بکرامت خدا است از حد حال منقولست که از جناب امیرالمؤمنین  
 علیه السلام روایتست که فرمود الشَّابِقُونَ الشَّابِقُونَ اُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ در شان  
 نازلند است عن الجبر عن ابی اقر علیه السلام الشَّابِقُونَ اربعه این ایدم المقول و  
 سابقا مة مؤمنی و مؤمن ال فرعون و سابقا مة عیسی و هو جیب النجار و یون

در حدیث  
 در حدیث



في ائمة محمد صلى الله عليه وآله وهو على نزل عالٍ عليه الصلوة والسلام بغو  
 از جمع منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام منقولست که الشایعون  
 چهار اسناد فرمودند که ما بنیل منقولست و سابقاً مونس که آن مؤمنان  
 است سابقاً منقولست و سابقاً منقولست و سابقاً منقولست و سابقاً منقولست  
 علی بن ابی طالب علیه السلام است **ایامی که** و آنجا که اینها است  
 باران دکت راسنجه اندازان دکت است اینها است اینها است اینها است  
 ایشان از فوق منقولست که گفته که بین جناب منیر علیه السلام و آنجا  
 بین شقة الجناب است **ایامی که** و آنجا که اینها است و آنجا که اینها است  
 و بنوهای بسیار از هر جنبی که باشد نه برین باشد و نه فانی گشته یعنی در هیچ زمان  
 انقطاع نباید بخلاف بنوهای بنی که در بنی این در فصلی باشد و در فصلی و منع  
 کرد که یعنی از آن خونی هیچ نوع منع نکند بخلاف بنوی بنی و از حضرت رسالت  
 صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ بنی و از درخت بهشت بچند که از موضع آن رو  
 مثل آن روید و نور عن ایمنه عن النبی صلی الله علیه و آله که اهل الجنة را بهشت  
 الجنة طوبی اصلها فی دار علی علیه السلام از فوق منقولست که از جناب  
 صلی الله علیه و آله روایت کرده که انحضرت فرمودند چونکه داخل شدیم بهشت بدم  
 در بهشت درخت طوبی را که بنیج آن در خانه علی بنی بعد فرمودند که و ما فی الجنة قصر  
 و لا میرزا و فیها قراة اعلیها استغیاط خلک من شد درین راستی بکون للعبد  
 المؤمن الف الف سفی فی کل سفی فی اوحی ما فیها حلة تشبه الاخری

در جناب امام محمد باقر علیه السلام

در جناب امام محمد باقر علیه السلام

الف الف  
بایتم توین  
الناجیة  
الجنة

علی الوان مختلفه و هو ثياب اهل الجنة و سطحها ظل ممدود و فی عرض الجنة  
 و عرض الجنة کعرض السماء و الارض اعدت للذين آمنوا بالله و رسوله یز  
 ان اکیفی ذلك اظل مسیره و ایه عام فلا یقطع و ذلك قوله و ظل ممدود  
 استغنیها ثمارا لیل الجنة و طعامهم من ذلك لیل الجنة بکون فی القصر  
 منها ثمة لونی من کفایه ثمارا یسمن ذرا الدنیا و فیما لا یترک و فیما لا یترک  
 ما لا یتمیم مثلها و کما یجی فیها شئ بعد مکاتبا اخری لا مقطوعه و  
 لا ممنوعه یعنی در بهشت درخت صغری نه منکر مکر اینکه درین جاوی از آن  
 درخت هست در بالا یان درخت سبکهای اهلنای از سندن استبر منیا  
 و حله و بالا پوش پایکی که استر داشته باشد و سندن من جز از آن استبر من  
 غلط است فرمودند منیا شد از برای کعبه مؤمن هزار هزار سبک و هر سبک  
 صد حله است نیست در این حلهها حله که شبیه بد بکری باشد در کهای مختلفه  
 یعنی و نای از آنها بیک رنگ نیست و آن حلهها رخنهای اهل بهشت و در وسط  
 درخت سایه است که کشیده شده بمقدار عرض بهشت و عرض بهشت مثل عرض آسمان  
 و زمین است آن بهشتی که مهیا شده است برای آنکه ایمان آورد اند بخدا و رسول  
 او فان سایه مستطیل است که راه میرد سواره در آن سایه مقدار رفتن در  
 سال راه و باخرا و میرسد و ان سایه است که خدا فرمود و ظل ممدود و در پائین  
 درخت میوههای اهل بهشت طعام ایشان میوههاست که او بهر است و رخنهای  
 منیا شد در هر شاخه از آن درخت صد رنگ از میوه از آن میوه که در پائین درخت و از







بیک انجناب تشریف آوردند که آنحضرت علیه السلام فرمودند باینکه  
 الله در نزد توحید هست باین صفت بدین عرض کرد که در نزد ما چیزی نیست غیر از تو  
 امشب لکن ما ایشار میکنیم و مقدم میداریم بر خود و شما نماز انجناب همان تو را  
 بفرمودند فرمودند ای دختر محمد صلی الله علیه و آله ای که ما را بخوان و جز این را  
 کن و انشب اگر شنیدند مانند یک چون حضرت علی علیه السلام داخل رجب شد همان  
 صبح زود بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمد حکایتی بفرمود  
 پس از آن مجلس بخوانست نا اینکه خدا باینکه این آیه مبارکه را نازل فرمود و توفیر  
 انفسهم و لو کان بهم خصاصة یعنی دیگر از این نعمت خودشان اختیار و مقدم  
 هر چند بر خودشان فقر و احتیاج باشد که در حد دیگر دارند که شیء رسول خدا از نما  
 شام و خفتن فارغ شدند که از این صفت بفرمودند گفت ای مهاجر و انصار مردی که  
 مرا احضار کنید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که ذکر غریب مکن که در راه  
 اند و هکین ساخته بعد از آن فرمود غریبان چهارند یکی مسجد که در میان قوی باشد  
 در آنجا نماز نکنند و هم مسجدی که در خانه باشد و از آن تلاوت نکنند ستم غالی که در  
 میان جماعتی باشد و ایشان تغذی و وجوهی دی نمایند چه تمام است که از اهل اسلام  
 در میان کفار باشد پس گفت که گویند که مژده این مرد را کفایت کند امیر المؤمنین علیه السلام  
 بفرمودند و گفت سائل را گرفت و بجز طاهره فاطمه علیها السلام و در گفتند در کار این  
 مهان نظری کن جناب فاطمه علیها السلام عرض کرد که باین عظم طعامی اندکست و حسن حکم  
 و توهم زود داری پس فرمود از آن حاضر کن پیش از آن حضرت طعام را پیش مهان گذاشتند و با

خود گفت اگر من طعام بخورم نه از کافی نباشد و اگر من نخورم نه مان نجات میکنند  
 دست و پا کردند و چنان باز نمودند که چراغ اصلاح میکنند و او را خاموش کردند  
 و جناب فاطمه را فرمودند که در روشن کردن چراغ تعلل نما و بزرگوار کن و خود را  
 مبارک بچینانند و چون فارغ شدند جناب فاطمه علیها السلام چراغ را روشن کرده بنیاد  
 و طعام همچنین بگریزای خود باقی بود حضرت امیر مؤمنان فرمودند باین فقر چراغی خور و عرض کرد  
 خورد و سیر شد پس جناب امیر فاطمه و حسن و حسین روحی هم غذا و فضا و هکایت  
 از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود و دیگر حضرت بخدمت جناب رسول خدا  
 صلی الله علیه و آله آمد وی را گفت یا علی زبش چگونه کن را بنگر عرض کرد بخیر و خوب  
 انجناب حکایت شب گذشته را جمیع با جناب امیر المؤمنین علیه السلام باز گفتند جناب  
 امیر عرض کرد یا رسول الله که ترا اعلام کرد فرمودند یا علی جبریل بمن نازل کردند و  
 جانب خداست این آیه را آورد و توفیر و انفسهم و لو کان بهم خصاصة از آنجا  
 متفلسف است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت شد که فرمودند قوم را بعد از  
 دو توبه بعد بینه که شمارش مناقب حق میفرمایند شمار را بحد اتم میدهم یا در میان شماست  
 کسی که در شان او این آیه نازل شد باشد غیر از من عرض کردند یا علی در شان غیر تو نازل  
 شد **ای که میگوید لا یسئو اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم القضاة**  
 یعنی پیشترند از خدا یاران و دوزخ که نفس خود را خوار ساخته بکسی معاصی مستحق آتش  
 شدند و اصحاب بهشت که در استکمال نفس خود کوشیدند و از جنت کشند یا دران بهشت  
 یعنی ساکنان ایشانند در استکمال نفس از عذاب بچشم ناز رفته و در نعمت مقام پیوسته اند

در حدیث  
 صحیح







جانب خدا است و با وصف این انکار و لایذ و قوی و حکمت و جمیع مبدء و باقرار نبوت او  
و تعقل آن پس رحمتش از آن کمتر و لایذ از آن بیشتر نبوت نیز هستند که چون گویند  
مناقصان را رجوع نماید بگو و لایذ علی تا امرزش طلب برای شما پیغمبر از کناهان شما  
به پیچیدگیهای خود را یعنی زو بگردانند و سر نایند چنانکه کسی از امر مکرر و هر روز  
بگرداند و سر را بگرداند و زو بگرداند و سر نایند چنانکه کسی از امر مکرر و هر روز  
که اغراض میکنند از لایذ علی علیه السلام و آنها اگر نکشند و نیز کم میکنند بر اینجناب  
**اینها مبدء الی الی خلقکم فمیکم کافر و مینکم مؤمن یعنی و انکببت بیا فرید**  
شما را ای اربمان و انعم بوجو آورد پس بعضی شما ایمان بیاورد و اینجانب و جوی  
و هر یک و مشرکان و بر خاندان ما باور دارند کاین خالق است و خدا است و از جوی اهل  
ایمان خلاصه یعنی است که خدا انکببت که بر شما انفضل نموده اصلا نعم خود را که  
ان خلقکم و ایجاد از عذ و بجهت این واجبست بر شما که بنظر هیچ تفکر نماید در نیست  
و معرفت و انکببت که خلق کرد است شمارا بعضی از شما کافر شد بد و بعضی شما  
او را بدیدار کانه و حق نقل شد که مروت است که از جناب صادق علیه السلام پرسید  
شما از معنی این آیه میا که پس فرمود خدا تعالی شما را شناخت ایمان خلاصه را بولایت  
ما و کفر آنها بر نزل و لایذ ما و زو بگردانند که پیغمبر آنها را در صلب حضرت آدم و خاله  
انکه ایشان در آن بودند یعنی در غار که اخذ کرد بشاق و عهده و لایذ ما را هر کس که  
قبول کرد و لایذ ما را شناخت که او مؤمنست و هر کس قبول نکرد و او کافر است از شما  
که او کافر است **اینها مبدء الی الی خلقکم فمیکم کافر و مینکم مؤمن** یعنی پس ایمان

و این مبدء است

و این مبدء است

مخدا و رسول او و زو بگردانند که نازل کردیم از حق نقل شد که گفته است نوز بکه خداوند عالم  
فرموده جناب امیر المؤمنین علیه السلام است از کافی نقل شد که انا امام مؤمنی عالم  
علیه السلام و واجبست الایمانه فی التور و ذلك قوله تعالی ایها الباقی و رسول الله  
الذی انزلنا قال التور هو الامام یعنی نور همان امام است و واجبست معنی مبدء  
که فرمود ایمان بیاورد بد بخدا و رسول او و زو بگردانند که نازل کردیم از حق نقل شد که گفته است نوز بکه خداوند عالم  
نور او امام علیه السلام است مروت است که از جناب امام محمد باقر علیه السلام سؤال  
کردند از این آیه مبارکه فرمودند ان نوز بکه خدا فرمود بخدا سو کند ائمه اند هر اینه نور  
امام و دوشینی او در دلهای مؤمنان روشن تر است از انباز و روشن کنند و در روز  
و ایشان یعنی ائمه روشن میگردانند دلهای مؤمنان را و سر نمیکند حق بخانه نور ایشان  
از هر کس که میخواهد از عذاب نمیکند پس تار یک میشود دلهای ایشان و فرامینگر  
انها را بان ظلمت تاریکی **اینها مبدء الی الی خلقکم فمیکم کافر و مینکم مؤمن** یعنی و صلیح المؤمن  
و الملائکه تعبد ذلک ظاهر یعنی پس با زبنت که خدا او است بار و مکره کار پیغمبر و  
جبریل نیز بار و مکره کار او است مروت است که صلیح جمیع مؤمنان است و بر کربن اهل ایمان  
پیشوای متعین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز باری دهند او است و فرشتگان  
آسمان و زمین بعد از رضایت خدا و جبریل و حضرت تا امیر المؤمنین علیه السلام هم نیست و بد  
کار و معاون وی اند یعنی با وجود آنکه خدا و جبریل و صلیح مؤمنان ناصر او است  
جمع ملائکه نیز باری دهند او را از حق نقل شد که از جناب امام محمد باقر علیه السلام  
روایت کرده که صلیح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از جمیع نقل شده که از آن

و این مبدء است



نیز دانست که فرموده هر اینه بجهت جناب رسول الله علیه و آله در شهر جناب  
 امیر المؤمنین علیه السلام با اخبار برود شناسانند اما میگویند رغبتم فرمودند  
مَرَكْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ و اما فرشته ثانی که بر آن در وقت بود که این اینه مبارک  
 نازل کرد هَذَا قَوْلُ اللَّهِ مَوْلَاهُ وَخَيْرُهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ پس گرفتند و دست  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام را و فرمودند هَذَا صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ یعنی  
 مردم این علی صالح مؤمنین و بهتر از ایشان است و در حدیث دارد است که اسما  
 بنت عمیس گفته از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ  
 علی برای طالب علیه السلام است صاحب جمیع گفته که در باب وارد شده از  
 طریق عامه و خاصه اینکه مراد از صالح مؤمنین جناب علی علیه السلام است وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ  
 میگوید أَفَنُ مِثْلِي مِثْلًا عَلَى رَجُلٍ مِثْلِي آمدن من یعنی سوا علی و اوست منیع یعنی آنکه  
 میرد در خانه آنکه فرافاده است بر او و خود یعنی نیکو نامبرد و محبتش در وقت غزوه  
 پیش و پس و راست چپ و راستی و بر روی او و بر روی او فدا و با فدا تر است  
 تا آنکه که می رود در خانه آنکه راست است ایستادن است و جانب خود را مشاهده میکند  
 همچنان سالم است از بر باد و بر و افادن و واضح است که راست است و راست  
 او است بمقتضی مقصود عَنِ الْكَافِي عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْأَهْلِ فَقَالَ  
إِنَّ اللَّهَ فَخْرٌ مَثَلًا مَنْ خَافَ عَرِيْلَهُ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كُنْ يَتَّبِعُ مِثْلًا عَلَى رَجُلٍ مِثْلِي  
لَا يَزِيدُ وَجَلَّ مِثْلِي سَوَاءٌ عَلَى عَرِيْلٍ مِثْلِي وَاصْطَرَّاقُ الْمُتَّقِينَ امیر المؤمنین یعنی  
 از خانه نقل شد که مرویست که از حضرت کاظم علیه السلام پرسید شد از معنی این

و صاحب  
 است

پس فرمودند نسبت که خدا زده است مثل کسی را که مثل لعرض کرد از ولایت جناب  
 علی علیه السلام باینکه مثل کسبت که نگویند و نیز برود و آید بگویند و  
 یعنی بگویند و معنی بگویند خود که او را بجا نیست باشد و قرار داده است کسی را که  
 ثابت و پنداری و نماید راست است و واقع بر آن راست و صراط مستقیم جلیل  
 امیر المؤمنین علیه السلام است أَيُّهَا مِثْلًا عَلَى رَجُلٍ مِثْلِي زلفه پیشت و جو  
 الذین کفروا و قیل هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ يَدْعُونَ پس از هنگام به پیشت و عذر زاده  
 حالتی که آن نزدیک باشد و مشاهده ایشان شود و شست گردانید و در یکا انا که کار  
 شد اند که گفته شود یعنی مؤمنان با ایشان گویند که این است که پیوسته بان طلب کرد  
 و تجمل و قوع آن میگردید عَنِ الْكَافِي عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا تَرْكُكُمْ إِيَّائِي  
وَأَصْحَابِي الَّذِينَ يَخْلَوْنَ بَعْدَ مَا عَلِمُوا بِرَدِّكُمْ إِيَّائِي السلام و اعقبه الاما كن  
 لهم قيس في جوهرهم و يقال هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ يَدْعُونَ الذي انظروا في  
 منقولست که از حضرت با فر علیه السلام مرویست که این را به نازل شد و حق امیر المؤمنین  
 علیه السلام و همکاران و معنی آنهاست که خود را مقابل حضرت مشاهده کنند و گردند  
 آنچه کردند از تقدم بر آنحضرت و محاربه با او نبیند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را  
 در جایی که شش میرند از آن پیش از همه جاها پس از مشاهده اینحال رشت میشود  
 و گفته میشود مرا از آنها این است که بود بداد عاقل نموند و برای خود و آن  
 است که نام او را بخوبی پیستند لفظ امیر المؤمنین را به بگو که خدا مخصوص جناب است  
 و شما از نام خود قرار دادید که مردم شما را بان بخوانند و ارجع منقولست که از حضرت امام

و صاحب  
 است



محمد باقر علیه السلام را وقت که فرمود چون به نیت مکان علی بن ابیطالب علیه السلام را از پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت یعنی قریب منزلت او را بجانب پیشین صلوات الله علیه له زشت مکرر میشود و بجا آنها که کافر شدند اما از حق نقل شده که  
 گفته که چون روز قیامت شود و نظر میکنند دشمنان با مبطل و منبر علیه السلام بکو  
 انجناب نظر نمایند بخواهی خداوند عالم را بجانب عطا فرمود از کرامت و شرف  
 عظیم و در دست او واحد است و برادر خود کوشش و شتاب و شتابان  
 خود و منع نفرماید دشمنان را از انبساط و شتاب و در دشمنان انحضرت پس گفته میشود  
 بر آنها هذا الذی كنتم به تدعون من ربه و موضع و این یعنی اینها ضعیف اینان  
 گشت که بودند در دنیا ادعای منسوب به من و بجا او و نام او را یعنی جاد و من  
 او نام میاکش که امیر المؤمنین باشد بر خود قرار میداد بدو ادعای من کرد پس مرتب  
 او که خلافت باشد غصب نمودند و نام او را بخود گذاشتند که مرم شما را امیر المؤمنین  
 بخوانند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** این اصح ما که غور و من باینکه مبین یعنی  
 ای پیغمبر بگو آنچه منبند در این که اگر نکرد انبیا یعنی بجاه زمر و ابی بکر  
 حضرت که هم مشرب شما اند و در فتنه بمن چنانکه دل و دست بان رسد پس گشت  
 برای شما ابی ظاهر چنانکه هر کس بیند و سهل باشد تا دلان عن الحق انه ما لا رآ  
 ان اصح اما کم غایب من باینکه مبین از حق منقولات که گفته است با  
 چه می بیند که بگوید امام شما غایب از شما پس گشت که بیاورد بر شما اما من که مثل او  
 باشد یعنی خداوند عالم مثل زده امام زمان را و شبیه فرمود عینا انجا از ابی بکر و

در این کتاب

رو چنانکه نه دست نه دلو بان رسد و امام ظاهر را باینکه شبیه نموده است ظاهر  
 است و همه کس بیند و سهل الشا و لست مروت که هر چند شد از حضرت باقر  
 علیه السلام از ناوایل این به پس فرمود چون بنای امام خود را پس بیند او را پس چست  
 انگاری که بینکند و نیز از انحضرت مروت که فرمود این به کریمه نازل شد که در امام  
 عجل الله فرجه خدا میفرماید اگر غایب شو امام شما از شما یعنی از دیدگاه شما پنهان شود  
 ندانید و در کجا است پس گشت آنکه بیاورد بر شما امام ظاهری که بیاورد بر شما  
 خبرهای شما را و زمینها را و حلال خدا و حرا او را برساند شما را انحضرت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**  
 و این بکار الدین که **وَالْبَرْ لِفَوْتِكَ يَا نُصَيَّا فِيمَ تَسْمَعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَبَعُونَ**  
 و ما هو الا ذکر للعالمین یعنی بد زبانی که نزد یک بوانگسای که کافر شدند بدو  
 بلغزاند و میفکند ترا و هلاک کنند بچشمهای حق است که منبندند و فراموش  
 و میفکند از غایب حیرت بد زبانی که این مرد بوانه است که خرف عاقل از وضو میشود  
 آنکه نیست و آن مکرر است و مؤمر عالم را باینست محمد صلی الله علیه و آله مکرر مبین  
 عالمیان مروت که جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته و آن ملاوت  
 فرمودند و آن جماعت بر رنجید این شده انتظار میکشیدند تا حضرت از مسجد بیرون  
 تا او بیک چینی اقی رسانند خبر شل این به او رو گفت رسول الله این به زانلا و فرما  
 تا از چشم زخم ایشان این مانی حضرت این به بخوانند و بخود دمیدند و از مسجد  
 آمدند چون چشم آنها را بجانب افاضاد کور شدند و برگردانند و حضرت بکلام گفتند  
 از کافی و فقه نقل شد که از جانا امام جعفر صادق علیه السلام مروت باینکه گذر

در این کتاب



جناب بمجدد غفرافنا و نظر فرمودند بکویات چسبید بر فرمودند اینجا موضع قدم  
 مبارک جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد و قبکمه میفرمودند مرکز کشت  
 مولا فاعلی مولا یعنی هر کس از من مولا می آید بر علی بن ابیطالب علیه السلام مولا  
 او است بعد از آن نظر فرمودند بچنانیکه بیک مسجد بر فرمودند این موضع خیمه ای فلان  
 و فلان و سالار مولا یعنی بفرمان عیسیٰ الخراج لعنهم الله بر چندی دیدند دست مبارک  
 جناب امیر المؤمنین علیه السلام را بلند فرمود یعنی او را نشان مردم میداد و این  
 کلام را بر زبان معجزه میآورد میفرمود که مولا فاعلی مولا یعنی مولا یعنی کسی که  
 به بیند و چشم او را که کردش نمیکند کونا این دو چشم چشمها بود نه شبها یعنی خورشید  
 و ماه تابانند انهم که در امر علی بن ابیطالب علیه السلام میباشد از روی بوانگیزت  
 نه از روی عقل و لبالب بر این و چشمها بش بگردش افتاد مانند که بوانگیزت بعد از آن  
 نازل شد و این مینا که را آورد و آن بکا که ازین کفر و الی اخر از حق منعولست که در  
 معنی ما سقیوا الذکر گفتند که چون خبر داد حضرت ریشا انما را بفضائل جناب امیر المؤمنین  
 علیه السلام و ما هو یعنی امیر المؤمنین الاولی کر للعالمین یعنی مکر شریف برای عالمین  
 مخصوص این مینا که بجا دفع چشم زخم بسیار مؤثر است و از بهای از روایات  
 میشود که چشم بدموثر است و از آنجمله اینست که ان العین کبخل الرجل کبخل القبر و الرجل  
 القدر یعنی چشم در مرد داخل قبر و او را داخل دین نمیکند ای امیر المؤمنین و شبها  
 اذن و اعینه یعنی نگه دار این بند کوش نگه دار تا که نفع کنی از آنچه شنو و تفکر  
 آن نماید و بعل خیر اقدام کند و زود اند که این مینا که در شان جناب علی بن ابیطالب

از کتب معتبره

علیه السلام نازل شد از کائنات نقل شد که از جناب صادق علیه السلام روایتست که  
 چون این مینا به شریفه نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که آنکس که  
 علی یعنی آن کوش که خدا در وصف او فرمود اذن و اعینه کوش است با علی در حدیث  
 دیگر است که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که فرمودند و رسیده  
 انما صلی الله علیه و آله مراد بر حق کشید و مرا بر کینه حق چسباند و فرمود  
 که با علی مرا خدا پیوسته امر فرمود که مرا نزد یک خویشم و در نزد او و مرا تعلیم نماید  
 فی روایتی که ترک فاک اکتتم اجعلنا اذن علی ثم قال علیه السلام فمنا  
 سمعنا شهادتنا من رسول الله فنبینه و زاد فی اخری و ما کان فی ان تقوی و کرم  
 وارد شد که چون این مینا که نازل شد جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بد رکاب  
 احدیست عرض کرد بار الها ان کوش را که وصف فرمود کوش علی بگردان بجا امیر المؤمنین  
 علیه السلام میفرمود پس از اینند که حضرت رسالت فرمود پس شنیدم چیزی را از  
 جناب رسول خدا که پس از شنیدن او را فراموش کرده باشم و در روایت دیگر این  
 را ز یاد فرمود و سزاوار نبود مرا اینکه فراموش کنم زیرا که دعا آنحضرت زد عیشو  
 ای امیر المؤمنین که انما لعل نیکو کرد و ما هو یقول شاعر فلیب لانا تو میون و  
 لا یقول کاهر فلیب لانا اند کرون نیز بل نیز رب العالمین و لو تقول علینا  
 بعض الا فویل لاخذنا منه بالیمین ثم کفطعنا منه الکتین فمنا من کرم  
 احدی عنه حاجتین یعنی بد رشتی که قران هرینه گفتار است بزرگوار از نزد خدا  
 که از بر نبیکان میخواند گفته خود بر میبافد و نیست قران سخن شاعر چنانکه ابو جهم و

در کتب معتبره



اتباع او از کفار و منافقان میگویند اندک تضاد بقیه کند از او نیست فرآن هر کوی  
که ادروی سحر اخبار میکنند بمغیبات چنانکه عبیه اتباع او میگویند اندک تضاد بقیه  
باین و معجزه را از شعرو که هانت است با هم میکنند خزان فرستاده شده است بجهت صلی الله  
علیه و آله از نزد پروردگار عالیشان بواسطه جبریل و اکر اکتفا کند محمد صلی الله علیه  
و آله و بدو غیب بینه بر ما بعضی سخنان را چنانکه کان شما است هراینه بیکرم از وی است  
راست او را پس هر از و رک دل و را که متصل است بکردن این تصور هلاک او است  
او را بیکرم بقوت او را بقل و شما پس بینه از شما هیچ کس نبینی بینه شما از قتل  
او منع کنند کان از کافی قتل شدن که از جناب ملام موسی کاظم علیه السلام رواست که  
مراد از آیه لَقَوْلَ رَبِّهِ كَرِيمٍ آنست که جناب رسول خدا در ولایت جناب علی بن ابیطالب  
علیه السلام میفرماید بدو رستی که قتل شده که از هراینه گفته جبریل است از جانب  
خداست حضرت کاظم علیه السلام فرمودند که منافقان گفتند بدو رستی محمد  
می بندد بر پروردگار خود و او فرمود است خدا او را باینکه میگوید در حق علی علیه السلام  
پس خداست بجهت نکذ بنیاملعونان فرای فرستاد پس فرمود این ولایت علی بن ابیطالب  
رب العالمین بدو رستی که ولایت علی فرستاده شده است از نزد پروردگار عالیشان  
پس خوانند باقی آیات را از لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا نَا خَابِ پس فرمودند این به که بعد  
از آنست که مناسب مقام بود که ترجمه میشود و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ  
وَلَا تَقُولُوا لَنَا مَا نَحْنُ بِذِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ  
و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ

چنانکه

چه ایشانند که بان منفع میشوند نه غیر ایشان و بدو رستی که ماه را بینه میبندند این  
بکسی از شما ای مردمان نکذ بنیاملعونان میگویند حضرت رسالت را در آنچه در حق علی علیه السلام  
میفرماید و بدو رستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام است بجهت کافران و فتنه  
ثواب کسانی که ولایت ایشان نموانند بینه میبندد و بدو رستی که ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام  
هراینه رستی راست است بیکان که هیچ یکی را نیست که از نزد خدا بتعالی نازل  
شد است پس بیکر کن پروردگار خود را که بر رکنان پروردگاری که بخشد است  
این فضیلت است ای امامت که بعلی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد او که ذریه رسول  
خدا هستند بخشد فضیلت که بر رسول خدا داد و او را بجهت این امر بشکر فرمود و از جانب  
مفولست که از جناب صادق علیه السلام رواست کرد که فرمود اند چون جناب  
خدا صلی الله علیه و آله دست بمناجیاب من الموقنین علیه السلام را گرفت پس انگشت  
کرد ایند ولایت بخدا بر افلان و فلان با هم بیکر گفتند که قسم بخدا نیست این از جانب خدا  
و نیست این مگر چیزی که میخواهد صاحب من و عزت گرداند بسبب این بستم خود را باین  
عالم نازل فرمود این ای امامت که را لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا نَا خَابِ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ  
وَلَا تَقُولُوا لَنَا مَا نَحْنُ بِذِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ و آیه وَإِنَّ كَذِبَ لَلْشَّاقِينَ  
سخنهای را که در ظاهر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام باشد هراینه بیکرم از وی است  
راست او را پس هر از و رک دل و را که متصل است بکردن بقیه محمد صلی الله علیه و آله  
از پیش خود و بخواتر و میل نمیکوند که علی بن ابیطالب صاحب ولایت است خلیفه است بحق  
بعد از نبی مراد محمد چنین امری را از خود در میان آورد و از آنست جاده و بابه بندد



اینها و از بقوت قدرت بقتل رسانیم و زو غ میگوید فلان و فلان و درشت و ذات  
 میگوید محمد صلی الله علیه و آله میگوید مکر از جانب خداوند عالم که علی را خدا نصیب  
 و اخذ کرده مشاق و لا یتوانوا الا انهم انعم فلانا و فلانا اول شیو یزیدیا که مغایر  
 بنی اسم الله الرحمن الرحیم است پس سبیل سبیل بعد از این ایچ لیکما فرین لیس له ذایع یعنی  
 در خواست خواهند عذاب فرود آیند برای کافران که نیست مران عذاب ا دفع کنند  
 و باز دارند از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که جناب سول خدا  
 صلی الله علیه و آله جناب شاه و لا یتوانوا زاده زوز غده خیم منصب خلافت  
 و قائم مقام و خلیفه خود گردانند و در حق او فرمودند که هر کس که من مولای او  
 صاحب تصرف در امور دین و دنیای او و صاحب تصرف را موردین و است این  
 خبر خبر تبار در اطراف عالم منتشر و گوش در جمیع بشر کرد بدخار شبن نعمان قهری  
 بر نایب خود نشسته مشو به مذهب گردیدند و بجز حضرت سول صلی الله علیه و آله و انبیاء علیهم السلام  
 کند چون مجلس انحضرت را آمد در اندک مجلس از مهاجر و انصاریان بود گفت یا محمد تو ما را  
 بکلام شهادت دلالت کردی از قبول کردیم و به نماز و پیاداشتن نمازهای پنجگانه و  
 نمود قبول کردیم تا اینکه در سن این <sup>پانجاه و هشت</sup> و کفنی می گفت مولای افعی علی مولای این  
 کار را با من خدا کردی انحضرت فرمودند قسم بخدا که یغیر از خودی نیست هر چه زحق  
 علی گفته ام و برگردم رسانیده ام بجز خدا بوده نه باندیشه و تدبیر من چون خوارش این  
 سخن را شنید روی خود از ان قبله السلام برگردانید و برگواشته گفت خدا با آنچه  
 محمد میگوید در حق علی گفته ام و برگردم رسانیده اگر راست است برگردم بر ما سکنیا

چون اعلی و نوابین را گفتند فی القور سنکی انداز اسمان بر سر خود و از درین برین  
 رفت و بدید که انفل رسید در کساعتی این به مبارکه نازل کرد بدست سبیل بعد از  
 واقع ایچ لیکما ربت اغفر لکم و لوالدینکم و لکل مؤمنین و  
 المؤمنات و لا یرد الظالمین الا خسارا بنوای هر دو کار من پیامبر مرا از مرگ  
 اولی و ثانیه کند نه عفو فرما مرید مرا و پدرش ملک بن مؤشخ و مادرش شیمه  
 بنناوش و این فرز و از صلحا و اهل ایمان بودند و پیامبر مرگونی که در آمد در حاکم  
 من در خالبتکه مؤمن بود و پیغمبر از ان مؤمن و زمان مؤمنه که قبل ازین بودند  
 ازین پیدا شوند تا روز قیامت و مبعوث است مکارا از اربعی کافران از زکفر که از حده رگشته  
 اند مکر هلاکت عفو بنی از کلام نفل شد که از حضرت صادق علیه السلام روایت است  
 یعنی الولایه من دخل فی الولایه دخل فی بیت الانبیاء یعنی مقصود از لفظ بیت و لا یت  
 است هر کس داخل شود در ولایت داخل شد است در خانه پیغمبران یعنی خانه نبوت  
 خشت و کل بیت بلکه خاندان و لا یتوانوا صبا او است هر که دارای ولایت صبا  
 داخل خانه انبیا است و شهود و کما نوح علی نبینا و علیها السلام خواهد بود و رجس و بکر علی  
 علیه السلام روایت کرده است که مراد از بیت مقصود است یعنی خانه اباد که غریب  
 کرامت اسلام و ایمان است هر که ولایت ایشان اختیار نماید داخل اباد ایشان گردد  
 دعای حضرت نوح علیه السلام دعا نموده شامل وی میشود که هر دو کار را پیامبر هر که  
 داخل بیت شود یعنی داخل ولایت اهل بیت سول خدا شود بعضی گفته اند مراد خانه محمد  
 صلی الله علیه و آله است و حقیقت آنست که داخل ولایت اهل بیت علیهم السلام شد است

هر که در ولایت  
 اهل بیت  
 داخل شود



در بیان

اینها میباشد که بسم الله الرحمن الرحيم و آنست که هر که کردن نهاد حکم خدا  
بنام کردن نهاد کان قصد کردند راه راست از حق نقل شد که از جناب امیر  
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مرا از مناسک کثافت اند که اقرار بود  
نا کرده اند مگر اینها که و اما الفاسطون مکانا لوجه خطبا یعنی بابیان و  
از طریق حق بنی باشند و از حق مرکز و رخ راهی که با چهار و رخ افروخته بشود  
این آیه مبارکه بملاحظه سابقه در روایات که ذالت حضرت امیر المؤمنین علیه  
با فاسطین مفاصله و جنک فرموده است که از او ضاخاصه انحضرت فانی التاکین و  
الفاسطین و المناقبین است از همه اینها مستفاد میشود که مرا از این آیه نیز مستفاد  
علی بن ابی طالب علیه السلام باشد اینها میباشد که و آنست که مواضع علی بن ابی طالب  
لاستفناهم مآء غدا یعنی دیگر و حی کرده است که اگر مستفین شوند اهل یک  
بر طریقه یعنی بر فضل طریق که درین اسلام است عمل به بدین و بیانشان اینها را  
ابن سبأ مراد از آن سعت زشت و کثرت مال و مثال که لازم بار است از حضرت  
صادق علیه السلام روایت که در معنی استفناهم فرموده که هر آینه بخشم از  
علم بسیار که نادرینکند از ائمه صلوات الله علیه و عن الکافی عن الصادق علیه السلام  
یعنی مواضعی که آیه امیر المؤمنین علیه السلام و الاوصیاء من ولده و  
قبلوا اطاعتهم فی امرهم و نهیهم لا استفناهم مآء غدا یعنی لا شربنا فلو نهیهم الا بما  
از کانه منقولست که از جناب امام محمد باقر علیه السلام روایتست یعنی اگر مستفین  
بر ولایت جناب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیای که از اولاد او هستند

در

در بیان

و قبول نمایند اطاعت ایشان را و در معنی استفناهم فرموده که بیعت هر آینه شایسته  
بدانهای ایشان بپایان اینها میباشد که و من یخبر عن ذکر ربه بلسان عذبا باصفا  
یعنی هر کس اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در روز خدا او را در عذاب سخت که  
موفق طاعت او است عن ائمتنا عن ابن عباس قال ذکر ربه و لا بد علی بن ابی طالب علیه السلام  
از حق نقل شده که از ابن عباس روایت کرده که گفته فرمود از ذکر پروردگار و لا بد  
علی بن ابی طالب علیه السلام است هر کس اعراض نماید و کرد انداز و لا بد حضرت  
خداوند عالم عذاب سخت و شاق میکند او را که طاعتش نداشته باشد اینها میباشد که  
و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا یعنی دیگر و حی کرده است که بمن دیگر  
مسجدها برای خدا است بخوانند بغیر از خدا کجایین غیر داد را نه اینست که  
از کانه منقولست که از جناب صادق علیه السلام و عتباتی از جناب امام محمد باقر علیه  
علیه السلام و حق هم مثل این حدیث از جناب امام رضا علیه السلام و از کانه نیز  
منقولست که از جناب کاظم علیه السلام مثل این روایت شده که فرمود اندک  
است علیهم اجمعین بدو سبب که مرا از مساجد و کعبه و ائمه هستند و در حدیث وارد  
است ترک بر خدا انکار و لا بد جناب علی بن ابی طالب علیه السلام است که دیگر  
بنا و ترجیح میدهند خدا را نخواهد بخشید آنها را اینها میباشد که و انما  
ربی و لا اشرک به احدا قل انی لا املک للکفر و لا ادری بکفری و لا ادری بکفر من  
که میخواهم پروردگار خود را و شرک قرار میدهم با او بخانه احدی بگوای محمد است  
که من مالک نیستم از برای شما دفع ضرر را و نه رساندن خیر صلاح یعنی بغیر از خدا و

در بیان

در بیان

در بیان



احدی مداخله ضرر و رسانند خیر نیست بلکه من مامورم بتبلیغ رسالت و بهیچ وجه بدین  
 اسلام و هدایت برشاد نه بغیر از کائنات از جناب امام مولا کاظم علیه السلام روایت  
 بدو است که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله خوانند مردی را بسوی ولایت علی بن ابی طالب  
 علیه السلام پس جمع شدند ظایفه قریب و گفتند یا محمد ما را واکد از این تکلیف پس  
 حضرت فرمودند کدشتن از این تکلیف معوض است بسوی خدا یعنی اخبار این امر با من  
 نیست چون این تکلیف از جانب خدا است کدشتن از این تکلیف هم با خدا است شوی  
 این امر هم بسوی من رفتن که من بگذرم پس انحضرت و اتمام ساختند یعنی کان کردند که از شما  
 خود میگوید و حق پسند دارد و اگر رای از جناب تعلق بگیرد که این تکلیف از امت بر داشته  
 و هر آنکه بر می دارد و با این حال که او را تمام ساختند پس رفتند نزد جناب پس باز  
 فرمود خدا تعالی امر به مبارکه را قل انی لا املک لکم ضررا ولا نفعا یعنی بگو مردم که  
 من مالک خبر ضرر نیستیم یعنی صاحب اخبار نیستیم در این امر که بتوانم از جانب خود  
 ولایت علی علیه السلام را لازم گردانم یا اینکه از جانب خود نفع آن کم بلکه حکم از  
 خدا شد که علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی و خلیفه قرار دهم مگر اینست که که نه  
 سوختن است قل انی لن یجیرکم من الله احد و لن یجید من و نه ملک الا بامر الله  
 من الله و رسالته یعنی بگو ای محمد که کسی که زنجار نهد و مله و پناه خود بگرداند  
 خدا احدی نیستی اگر خلافت را و امر خدا را بکنیم و او سبحانه و تعالی ضرر و نفع را از من  
 و انواع ابتلا کسی را احاطت توان کرد و از آن نجات تواند داد و بنیام هرگز بجز از سبحان  
 پناه که روی بدان آوردم و از آن پلیده نجات یابم الحاصل پیغمبر را فرمود که بگو من مالک

نفع و ضرر نیستیم برای شما مگر رسانند که از جانب خدا است و پیغامها او یعنی  
 ادای احکام که بمن از شما فرموده و کائنات نقل شد که از امام مولا کاظم علیه السلام  
 روایت است که انحضرت چنین فرمودند که لا یزال غایب الله و رسالته فی علی بن ابی طالب  
 نیز باینکه نعم یعنی مگر رسانند که از جانب خدا است و پیغامها او سبحان که در زبان  
 جناب علی بن ابی طالب علیه السلام رسالت شد عرض شد بخدا تا انحضرت که این را به شریعت  
 بهین قسم نادانست است بلکه معنی باطن این است ای امیر که و من یعص الله و  
 فای که نار جهنم خالی دین فیه ابدا یعنی و هر کس نافرمانی کند خدا را در هر پیش او و رسول  
 او را در امر و نهی پس بدینستی که بگو او است انحضرت جهنم در خالینکه جا و نهد و کاندند  
 همیشه در تلمذ حدیث سابق وارد شد که انحضرت فرمود که مرا با نیست که کسی که غضب  
 خدا و رسول نماید در ولایت جناب علی بن ابی طالب علیه السلام که استقامت است از  
 او است انحضرت و نفع در خالینکه جا و نهد و کاندند که استقامت است از او است انحضرت  
 مخالفت بر خدا و رسول در ولایت جناب مولا ای من الله علیه که فرستاد شرک بجز است  
 در مقام خود ذکر شد یعنی است کافر هم از اهل و زحمت انکار بکردار انحضرت شد  
 مقام آن از معصیت بالاتر است چرا که هر معصیت احدی و مرتضی است که بتوبه اصلاح  
 منکرین ولایت را چه گناه است که خداوند بفرماندگار خواهد گذشت پس مقام کفر است بلکه  
 با اعتقاد حقیر کفار گمراهی و احتمال تخلف است و لکن بعضی جناب امیرالمومنین علیه السلام  
 را درم و تخلف تمام آیه مبارکه حق او را و ما یؤعدون فیه مملون من اصناف ناصرات  
 اهل عدو بعضی با و فیکم به نیندازند و عا داد میباشند پس و در باشد که بداند چون

در این حدیث  
 در این حدیث



عذاب موعود زابیه بینند از کرم مؤمن و مشرک که کبشت ضعیف تر از جهت نار و مگذار  
و کبشت کنرا از روی عذابی که کسر خواهد بود و در ستمه حدیث سابق وارد  
شده که آنحضرت فرمودند که مقتضای این کلام حضرت فاطمه عجل الله فرجه میباشد و از حق  
منقولست که گفته ام حضرت فاطمه عجل الله فرجه و امیر المؤمنین علیهما السلام است  
خواهند دانست که این وزیر کوار ضعیف ترند از جهت نار و کمرند از روی عذاب باطن  
ال محمد **اولا مبارک الله علیه** غایب فلا یظهر علی غیبیه احدا الا من ارتقی من رسول  
یعنی او است دانست پوشیده ها پس اشکار سازد و مطلع نکند بر غیبی که مخصوص  
بعلم او است و امرا مکران که پستند و بر کزین باشد از فرستای یعنی مکرر سوخود از حضرت  
فامر الاولیا جناب امام رضا علیه السلام منقولست که فرمودند حضرت فاطمه عجل الله  
علیه السلام نرد خدا پستند و بر کزین است ما یعنی ائمه وارثان از رسول هستیم که خدا بطن  
مطلع گرداند و از این چیز که میخواهد از غیب پس نادانستیم هر چیزی که بود میباشد  
روز قیامت **اولا مبارک الله علیه** فلا یصلی و لا یصلی و لکن کذب و توفی ثم ذهب الیه اهل بیت  
یعنی پس بصدیق نکرد و نماز نکرد بر رسول باقران با اینکه صدقند از آنچه واجب لا بود  
ولکن تکذیب کرد و از او برکشند از راه حق پس رفت بسوگسان خود و میخامند از روی انکار  
که من تکذیب کردم و بر کشیدم از محمد و تابع او نشدیم از وقتی نقل شد که گفته است  
فرول این ایه مبارکه است که بدینستی جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله المخواندم  
بگویند جناب امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیرم پس چون بلیغ نمودم را  
و خبر داد ایشا زاد زبانه علی بن ابی طالب علیه السلام آنچه را خواست خبر کرد و بگوید

و کبشت

و کبشت

انرا مردم برکشند پس نگه کرد معاویه علیه السلام و معاویه بن شعبه بن ابی موسی  
اشعری بعد از آن رو کرد بخبر امیر بجانب کسان خود و میگفت ما اقرار نمیکنیم برای علی بن  
ایضا لب علیه السلام و بصدیق نمیکند گفت محمد صلی الله علیه و آله را پس از آن خدای عز  
وجل نازل فرمود و نشان از ملعون این است **اولا مبارک الله علیه** فلا یصلی و لا یصلی و لکن کذب  
توفی ثم ذهب الیه اهل بیت یعنی اهل بیت که اولی آن اولی آن اولی آن اولی آن اولی آن  
سزاوارست از سزاوارتر ای کافر میباشد هلاک در دنیا پس سزاوارست از عذاب و حق  
پس نیک باشد ترا هول قیامت پس بیایست سزاوارست ترا خلود در دوزخ زیرا که تو  
قول محمد را تکذیب کرد پس بعد از آن از این باب حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمودند  
حال آنکه میخواهند بیژری میبینند از آن ملعون پس خدا بطن از فرمود **اولا مبارک الله علیه**  
یعنی اهل بیت ای محمد با ظهار برآه ما را ملعون زبان خود را تا بچهل کعبه رسوا کردن  
ان ملعون پس حضرت ساکت شدند و نام محسن آن ملعون را بر زبان جاری نکردند از جمیع  
شده که مردیست که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله دست ابو جهل علیه لعنه گفتند  
پس فرمودند **اولا مبارک الله علیه** ابو جهل گفت با محمد چه چیز مرا میسازد تو و خدای تو هیچ  
نمیشواید کاری من بکنید بدینستی که من هر چه بخواهم بر این اهل بیاد میبندم  
پس خدا بطن آنها را که حضرت رسول با بی جهل فرموده بودند نازل کرد پس در آن وقت حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله ابو جهل را در بطارد و جامه اش بکرفت و این فرمایش فرمود آن  
ملعون ان جواب داد و چون روزید در شد و آن ملعون فوت فرمود و ضعفش کمر جناب  
پس خبر کتب الله علیه و آله را بدید هیچ شک نکرد در این که ایشان بر پیغمبر غالب شوند و



بر پیغمبر غالب شوند و وی بر یسوی کرد و گفت پس از پروردگار خدای خود را میبایست که ترا  
 ذلیل گردانید چون گفت که بهم در پیوست خلا و ندا بوجمل ملعون را مغلوب ساخت  
 و قریش شکست خوردند عبد الله که مرگ پیروز در کمال ضعف و ناتوانی میباشد گشتگان  
 می کشید هر که از من می پاشت می کشید چنانکه از عبد الله مرگست که گفت بوجمل را  
 زده بودم و زانم که در میان گشتگان افتاده بود پای او را گرفتم و از میان گشتگان برد  
 او کردم و پای بر پشتش نهادم چشم باز کرد مراد بد گفت پای بر بلند می نهاد و گفت  
 ای ملعون با پختان رسیده و ترنگی نمیکوی گفت ای عبد الله منیدانم تو مرا می کشی لکن  
 ترا سینه و صدف می کشم قبول کن اول آنکه محمد را بگو که در کجاست از نو دشمن می کشد  
 دوم آنکه مرا بشیرین نکشیم آنکه سیر مرا از گیسنه بگیرند محمد صلی الله علیه و آله  
 بپای او را خوش آمد گفت بخدا که خدا ترا دشمن دارد از آنکه تو محمد را دشمن داری و الله  
 که بغیر از ششیر خود نکشیم زیرا که ششیر عبد الله شکند و خوار بود و نظر ابو جمل  
 سرش را از پنج پیر ما از همه کس خفتر باشی پس گفت سرش را بیزیدم و خواستم که بپردازم  
 قوت نداشتم و پنهانی بر سرش زیدم و می کشیدم تا بزدن رسول خدا او کردم حضرت  
 مرا بهشت بشارت داد و خدا را شکر کرد و فرمود که هر متی را فرعون بوده است و  
 فرعون امت من ابو جمل بود سکا و هر یکیم الله تعالی رحیم هل انی علی الاشیاء  
 الی اخرها و نشان جناب علی بن ابیطالب طه علیه السلام نازل شد بنا بر ذاب ابو حمزه  
 ثمالی چنانکه در مجمع البیان نسبت با و داده و صاحب مجمع گفته که روایت کرده اند  
 خاص عام یعنی شیعه سنی بدو سنی که ابا تا از بنو ح که اولان قول حق تعالی است

و این است که

الایراد تا اینجا باشد که فرمود و کان سفیکم مشکورا نازل شد و در باره جناب علی بن ابی  
 طالب جناب فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خدمت ایشان بود و هنر انجیر  
 که روایت شد از ابن عباس و بخاندانی صالح تا اینجا کلام صاحب مجمع است و صفا  
 خلاصه المنهج گفته که باید دانست که با اتفاق جمیع اهل حق امامیه اند و معظم اهل تشیع  
 این است که آن کاتب را بود باشد و آنچه بعد از بنی زیشان حضرت امیر المؤمنین علی و فاطمه  
 و حسن و حسین علیهم السلام و فضه که خدمت ایشان بود نازل شد و از جمله آنها نقلی که  
 از اغاظم اهل سنت است با ساند خودشان در تفخیر و تبرا بنو کعبه او را که ابی شریفه  
 آن کاتب را بر کشتن بنو کعبه کان میز انجیرا کافورا تا آخر بلکه تمام سوره زیشان اهل  
 کرام علیهم السلام نزول یافته معنی آنکه بنا که یعنی بدو رستی که سحر کاران بنندگان کرمان  
 بردارند می اشامند و از آن تا زجام خمری که باشد آنچه با او مزوج و مخلوط است  
 کافور یعنی بوی کافور را می کشد با آن خمر که در آن جام است او را خوشبو کرده و کافور  
 بهشتی خلاف کافور دنیا است و این معنی را بعضی گفته اند مرگست که کافور چشمه  
 است در بهشت خوشبو و سفید و لا یملک ان یؤنن بالند و یخافون یوما  
کان شر منکم و تطعمون الطعام علی حب من یکون و یمینا و یمینا  
نطعمکم لوجه الله لا یزید منکم حرا و لا شکور ابغی و فایستند بند که در او طاعت  
 کنند و بیشترند از روزی که میبندد و بعضی شدت و هول آن فاش را شکار راهبه  
 اهل غصبا و طهارت رسیده و با جمیع اقطار منتشر گشته و میدهند خود را و نفقه  
 میکنند و از بر وستی و رویش بنمایه را و طفل کوچک بی پدر را و اسیر را که بدو

و این است که







اهل بیت تو فرموده است و سوره هَلْ لَكَ مِنَ الْاَشْيَاءِ حِزْبٌ مِّنْ لَّدُنْكَ يَكْفُرُ  
 مَذْكُورًا اَنَا اخبرنا حضرت امام محمد باقر علیه السلام که بنا بر آنچه منقولست از نفس اهل  
 بیت که مراد از انسان علی بن ابی طالب علیه السلام است هَلْ اسْتَمَادَ رَمَعْنِي نَفْسِي  
 نه بمعنی محقق چنانکه سایر مفسرین تفسیر کرده اند آنست که هیچ زمانه نداشت که چنانکه  
 امیر المؤمنین علیه السلام در آن زمان مذکور نشود بلکه همیشه معروف مذکور  
 بود و چگونه چنین نباشد که نام شریفش با نام خدا و رسول او و برهقان عرش و عرش  
 نوشته باشند پیش از خلق عالم از منافع خود می منقولست که از جانب خداست  
 انصاری نقل شده که پیغمبر مؤید بر بهشت نوشته است لا اله الا الله محمد رسول الله  
 الله علی بن ابی طالب خیر رسول الله پیش از آنکه خلق کند اسماءها و زمینها را بدو هزار  
 سال و ثوبت این قولست نزول این سوره در حق اهل بیت با جماع امامیه و پیوسته  
 چنانکه مذکور شد اَيُّهَا الْمَيِّمَةُ وَتَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا طَهْرًا وَبِشَاءِ مَا نَدْبَرُ  
 ایشان شریک پاک از ادناس و اجاس پاک کنند از غل و حسد و سایر صفات دله  
 وارد شده است که در چشمه من در بهشت که هر دو مختص اهل بیت است که آن  
 کافور و زنجبیل است و از اسلبیل خوانند و شراب طهور نیز از ایشانست و در  
 تقییه سابقه گذشت که کافور چشمه است بسیار سفید و روایت شده که در  
 اینجا یعنی در این باره مبارکه بمعنی سید است چنانکه خداوند عالم در سوره مبارکه یوسف  
 فرموده اذ کرب عند ربک که جناب یوسف زندان بان شخص که از آنجا خلاص شد  
 بود و قاتل ملک میشد فرمود که مراد از من خود که پادشاه و عزیز مصر است ذکر کن و بگو

و تَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا طَهْرًا وَبِشَاءِ مَا نَدْبَرُ

او در پی سو کن در خلاص من و مراد از رب که در آیه مبارکه وَتَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا  
 طَهْرًا جناب امیر المؤمنین علیه السلام است یعنی ابی طالب از استبدادشان علی  
 ابن ابی طالب صلوات الله علیه که شایسته اهل بهشت چنانکه گفته اند رب هَلْ  
 مِنَ الْعَبَسَةِ شَوْبِي وَاعْفُ عَنِّي يَا رَسُولَ اللهِ وَتَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا طَهْرًا  
 اَلَا و لَبِئْسَ رُوحٌ يَقُولُ اَخْرَجْتَنِي مِنْ مَنَازِلِي وَتَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا طَهْرًا  
 میکنند خدا بیگانه را که بخواهند در جنت خود از کاتب منقولست که از حضرت  
 موسی کاظم علیه السلام روایتست فی رحمته یعنی فی ولائنا رحمت خدا و ولایت  
 ائمه هدی است هر کس که داخل ولایت شود داخل رحمت خدا است اَلَا و لَبِئْسَ رُوحٌ  
 وَهَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ اَوْلِيَاءُ يَدْعُوْنَهُمْ اَلَا خَيْرٌ مِّنْ ذَلِكَ نَقْلُ  
 بِالْجَحْرِ مَيِّمٌ یعنی ذیل کلمه عذابست در آخر و مرگد یک کس را بر و فصل بعد از آن  
 میگوید کفار و منافقان که امانا هلال نکردند پیش از این چون قوم نوح عا و نوح که تکذیب  
 ایشان کردند پس ما از این ایشان در آمدیم هلاکت بسیار از آنکه تطبیق ایشانست بر کفار  
 مکه و آن مثل بد و بود و غلا و تحطی و غیر آن همچو مثل این و اینک همه کناه کاران  
 کافی نقل شده که از جناب موسی کاظم علیه السلام روایتست که خدای تعالی فرمود با محمد و آل  
 باشد مرا نهائیکه تکذیب کردند بلخی و می گویم که بگو و از آنجا که علی بن ابی طالب علیه السلام  
 که اولی الامر است پس تکذیب کردند و سواد نواز و طاعت و ضیافه فرمود که مراد از غیرین  
 کسانی اند که جرم تقصیر نمودند در حق محمد صلی الله علیه و آله و مرتکب شدند از وضعی آن  
 بجز را مرتکب شدند یعنی غصب خلافت انحصار کردند و نیز را از آنجا نیست گرفتند و سزا

و تَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرًّا طَهْرًا وَبِشَاءِ مَا نَدْبَرُ



در سبب از آنکه

علمها بشکرا حفظ نموند و آنچه خواهر داشتند از اجتناب گرفتند این  
 المنعبر عن ظلال و غیور و قوا که قیامت همون یعنی درستی که بر هر کار از هر طرف  
 در سبب از آنکه در کمال چشمها اب و در میانها از آنچه از زو و اشنا کنند  
 عن الکافی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآية قال نحو ان الله وشيعتنا ليس على ملية  
 اینهم غیور و سائر الناس منها برة او او کانه از جناب امام مونی کاظم علیه السلام رواه  
 که در معنی این آیه فرمودم بخدا مراد از گفته خود عباد درین آیه ما و شیعیان ما هستیم  
 بر ملت اینهم علیهم السلام و ما و باقی مردم از ملت اینهم بر و نیز اند یعنی از ان برینند  
 اول سونیا بنی الله الرحمن الرحیم عم بنیاء کون عن النبی العظیم الذی هم فيه یختصون  
 عم و اصل مرکب از عن و ما استنفاها می شود و فایده اینست که در زمین ما ادغام کرد  
 والف ما را حذف کرد عم شد و این استنفاها هم بر آنچه شایان اینچنینست که از ان تمام  
 میکند یعنی از چه پیش از خبری که یکدیگر را سوال میکنند از اینچنینکه آنها را از ان  
 کنند کانی عن الکافی عن الصادق علیه السلام فی هذه الآية قال لنبأ العظیم الی  
 یعنی کافی منقولست که از جناب صادق علیه السلام روایتست که نبأ عظیم و لا یست  
 سئل عن تبیین عم بنیاء کون فقال هم من امیر المؤمنین علیه السلام بقول الله  
 عز وجل لا یزین الله لکم شیئا عظیم منی مرویست که از جناب صادق علیه السلام  
 سوال کردند از تبیین عم بنیاء کون عن النبی العظیم حضرت فرمودند که این آیه در باره  
 جناب امیر المؤمنین ع است و بود امیر المؤمنین که منیر و یوسف مر خدا بشمار اینی بود  
 از من و خبری عظیم تر از من و عن ابو عن الرضا علیه السلام عن ابائه عن الحسین علیه السلام

قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي يا علي انت نعمة الله وانت باب الله وانت  
 الطریق الی الله وانت لنبأ العظیم وانت القراط المستقیم وانت المثل الاعلی  
 عن منقولست که از جناب امام رضا علیه السلام مرویست که از پدر زید کو ابرو  
 و او از پسران مهتر و ایشان از جناب امام حسین روایت کردند که از جناب مرویست که  
 رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند یا علی نوحی جنت خدا و نوحی در و صوب جنت  
 یعنی کسی که بگویند یا علی نمیتوانند بگویند ممان خدا نیستند بلکه جز ملامت برای او چیزی نیست  
 و نوحی را و جو خدا و نوحی خبری که و نوحی را راست نوحی مثل بلند عن الکافی فی خطبه  
 الوسیله لا یمیر المؤمنین علیه السلام فی النبأ العظیم و عن فیلل یقولون یا علی  
 او کانه نقل شد که در خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بخبر که  
 من نبأ عظیم و اندک زمان و در بدین آنچه را که داد و مینشود و ابصار مرویست که حضرت  
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند انما النبأ العظیم فی اختلافکم و علی نبأ عظیم و عن ابی  
 رجیع بعد ما قبلتم و یقینکم هلکم بعد ما یسینی عن الکفر بخیر و یقین من ان خبر  
 برز که که در من اختلاف کردید و بر خلاف من منان نمودید و از و لا یست من بخیر کردید  
 پس از آنکه قبول کردید و یقین من خود ملامت کشیدید بعد از آنکه بشنید من از کفر بخیر  
 بجات یافتید و در غدیر انستید من تبت خلافت مرا پس حق تعالی در حق من فرمود که  
 از سائل و و عهد منی انما را چنانکه من فرماید کلا سیقولون یعنی چنانست که ایشان  
 منگویند بلکه در و نباشد که بداند نزد یک جان کنند حقیقت آنچه در ان اختلاف میکنند  
 در و لا یست علی بربک فایب علیه منقولست که حافظ ابو نعیم اصحابی که یکی از کابر اهل



روایت کرد از سید که حضرت رسالت فرموده اند مراد از تبا عظم و لا یست علی فی سبط العظم  
 که خلافت و زور و قور از ان سوال میکنند هیچ نیست شرق و غرب و بحر و مکران که بگوید  
 سوال میکنند از ولایت علی بن ابیطالب نیز از سوال کنند قطوبی المصطفی بولا یبیر  
 الولیل لیسکت بولا یبیر بن خورشاهما بکنجی که بولا پیش قصد تو کنند و کاران منکر  
 مفید که از ولایتش بچیز باشد ای میا که یوم یوم الروح و الملك که صفی  
 لا یبکون لایمن آذن له الروح و قال صوابا یعنی روزی که بایستند روح بایستند  
 در حالیکه صفی دکان باشند روح فرشته است مگر کل بر او اح و از ابن عباس منقول  
 که گفته مخلوقی از آن بزرگترین است که همانند تخم در صفتی باشد و باقی ملک در خود  
 و او در بزرگ بر همه باشد و از غیر انقل شد که در آن مسطور است که مقام در  
 در امانان چنان است هر روز در دوازده هزار شیخ میگویند از هر شیخ او ملکی خلق  
 میشود و در نزد بعضی خبر شنید که باملا که صف میکنند سخن نگویند در باب شفا  
 مگر کسی که اذن داده باشد و از احادیث ایشان که انحصار ماذون شفاعت کنند غایب  
 خواهند شد و گفته باشند انکر گفتاری بصواب که ان کون لاله الا الله باشد یعنی  
 توحید باشد که ملائکه و مؤمنانند از جمع منقولست که از حضرت صادق علیه السلام روایت  
 ابرهیم قزوکی که او نیز از اجناب و ابی که و از کاف منقولست که از حضرت کاظم علیه السلام روایت  
 که فرمود اند بخیر و الله الما ذون کسم یو الغنم و الفالون صوابا قبل ما یقول  
 اذا مکلمکم لا یجید و یصل علی نبینا و نفع کثیفینا و لا یبرئنا ربنا یعنی ما یقول  
 انا که اذن داده شد مرا بشارت از در روز قیامت ما یقول کونیدگان گفتاری صوابا و درست  
 کردند

در بیان فضیلت

کردند چه میفرمایند شما فرمودند و نیز کوار که ما نچند میکنیم بپروند کار خود را و صلوات  
 میفرستیم بر پیغمبر خود و شفاعت میکنیم برای شیعیان خود و درین شفاعت خدا تعالی ما را  
 اجابت میفرماید و در تثنیه ای میفرمایند یوم یوم یوم بنظر المؤمن ما قدت بداء و یقول الکافر ما  
 لیس فی کنترا با یعنی روزی که میبینند شخص آنچه را که در روز او پیش فرستاده است عمل خیر  
 شود و از آن روز کافر میگویند بکاش من خاک می بودم از کتاب علی منقولست که از ابن  
 عباس منقولست که چرا جناب رسول الله علیه السلام علی را مکتب با بوتراب بخود ابن عباس  
 لایزال حاجبا لا یخیر و حجت الله علی اهلها بعد و له بقا و لها و الله شکون ما یفیه  
 بعلمت آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب نبی و جبرئیل است بن اصل زمین بعد از خضر  
 و سالت و کرا او است بقای زمین و بسوا او است کون و قمران یعنی با جناب نبی  
 بر فرا داشت منزل عیش و قال و کفتم یوم یوم الله یقول الله اذ کان یوم القیمه  
 و دای الکافر ما اعد الله تبارک و تعالی شیعه علی من الثواب و الثواب و الکرامه قال  
 بالیقوت کنت ترا با ای من شیعه علی و ذلک قول الله عز و جل و یقول الکافر لای یفیه  
 کنت ترا با ابن عباس میگوید هر آنکه بجهنم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید  
 که میفرمود چو روز قیامت شو کافر میبیند آنچه را خدا تعالی به او بر او بر او  
 از ثواب منزلت کرامت میگویند بکاش من خاک می بودم شیعه علی علیه السلام میگوید در  
 دیگر وارد شد است که در جنات احباب میروند از در و خاک نشسته بود جبرئیل  
 جانب تجلیل نازل شد با بوتراب خطاب کرد تفصیل از قصه کنایش از کتاب نازل کرد  
 سوره تکوین را میفرمایند که و ما هو علی الغیب یعنی ما هو یقول شیطان و جیم فابین

در بیان فضیلت

در بیان فضیلت



اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ مِنْ شَأْنِ مَنِكُمْ اَنْ يَسْتَعِيْمَ بَعْنِي نَبِيْتُ مُحَمَّدٍ بِرُغْبَةٍ جَرَّاهُ كَيْفَ  
 كَمْ بَرَأَوْهُ مَبْنُو عَجَلٍ كَمْ تَمَامًا قَلِيمٌ نَدَهْدُوْا زُشَايُوْشَانْدَه بَنَشْتِ خِرَانِ مَحْنِ بِوَرَانْدَه  
 كَمْ دَاسْتَرَاوِي مَحْنِ اَوْ سَكَنَتَا سَمَانِ غَالِمَانِ شَدَه بَاشَدَه بَعْنِي حَضْرَتِ دَسَالَتَا سَكَنَتَا كَاهِنَانِ  
 كَمْ اِيْجَه مَنَكُو بِنْدَا زَا اِيْجَه اَشْبَا طَبِيَّتِ كَمْ اَسْرَافِ مَسْمَعِ مَنَكُنْدَا بِرُجْجِي بَا بِرُجْجِي مَحْنِ بِرُجْجِي  
 دَرَسْتِي دَر اَسْتِي بِرَانِ اَعْرَاضِ مَنَكُنْدَا نَشَبَانِ مَنَكُنْدَا بِجَرِ وَ كِهَانَتِ بَنَشْتِ خِرَانِ مَكْرِيْجِي  
 مَرِغَالْمَا نَزَا بِاَبَنَشْتِ مُحَمَّدِ مَكْرُفِ اَهْلِ عِلْمِ وَا بِرِ مَوْعِظَةِ مَرْكَبِي نَاسْتِ كَمْ خَوَاهِدَانِ سَتَقِيْمَا  
 شُوْدَ زِدَا خُدَا وِ بِرِي خُو كُنْدَا اَز قَبْلِي مَنَعُوْلَسْتِ كَمْ اَز حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ  
 كَمْ دَر مَعْنِي فَا بِنِ كَذَبُوْا فَرَمُوْا كَمَا بِنِ كَذَبُوْا نَبِيَّ عَلِيٍّ بِعِنِي كَمَا مَيَكُرِيْزِ دِيَارِ زَوَلَايَتِ عَلِيٍّ <sup>بِسْطَالِ</sup>  
 وِدَر مَعْنِي اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ فَرَمُوْلِيْنِ اَخَذَ مَشَاقِقَ عَلِيٍّ وَا بِرِي مَحْنِ خِرَانِ بَنَشْتِ  
 كَمْ اِيْزَا كَمْ كَرَفَتَا سَتَا اَوْ بِرِي بَانِ بَرِوَلَايَتِ اِيْجَه اَشْبَا دَر مَعْنِي مَنِكُمْ اَنْ يَسْتَعِيْمَ فَرَمُوْا  
 مَسْتَعِيْمٌ شُوْدَ طَاعَتِ عَلِيٍّ وَا عَمَّ نَعْدَا زَوْعِيْلَمِ اِيْمَانِ مَبَاكِهِ وَا مَا نَشَاوْنِ اِلَّا اَنْ يَسْأَلَا  
 وَا خَوَاهِنْدِ شَاهِدَا سَتَا سَتَا مَسْمَعِ اَبَا خَبَا مَكْرَانِيْ كَمْ خُدَا بِخَوَاهِنْدَا زُشَايَا كَمْ بِرُزْدِ كَارِ اَشْبَا  
 اَسَا زِ حَضْرَتِ كَا ظَمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَا سَتَا بِدَرَسْتِي كَمْ خُدَا كَرَا بِنْدَا دَلِيْمَا اَتَمَّ دَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ  
 مَحَلِ اَزَادَه خُو بِرِي چُوْنِ بِخَوَاهِنْدَا خَلِيْجِي رَا بِخَوَاهِنْدَا زَا اَبَشَانِ وَا بِنَشْتِ مَعْنِي قَوْلِ خُدَا  
 فَرَمُوْدَ مَوَا نَشَاوْنِ نَا اَخِرَا بِرِي مَبَاكِهِ دَر سُوْرَةِ اِنْفِطَارِ اَسْتِ كَا اَبْلُ تَكْدِيُوْنِ بَا اَلْدِيْنِ وَا  
 عَلَيْنَا كَمْ كَا حَافِلِيْنِ كِرَا اَمَّا كَا نَبِيْنِ بَعْنِي تَكْدِيُوْا مَنَكُنْدَا بِرِجَرِ اَوِيْدَرَسْتِي بِرِشَايِيْ بِرِ كَرَارِوْ  
 شَاهِدَا بِرِي مَكَا وَا نَا نَا اَز مَلَا نَكْرَه اَسْتِ كَمْ بَا زَا بِشَدَا زَكْرُوْ عَصَا بَلَكَه بِرِ كَا مَكْرَه دَر  
 خُدَا بِنَفَالِي نُو بِنْدَا كَا تَشَبِيْ رُو زَا مَه اَصَالِ وَا اِيْوَالِ شَاهِدَا اِيْمَانِ كَا نَقْلُوكُوْنِ مَبَا اَسْتِ

میدهند

مَنْفَعَاتِ

كَمْ مَنَكُنْدَا نَبِيْكَ وِدَر اَز قَبْلِي مَنَعُوْلَسْتِ كَمْ كَفَلَتَا سَتَا رَمْعِي تَكْدِيُوْنِ بَا اَلْدِيْنِ بِرِ سُوْلِ اَسْتِ  
 اِيْمَانِ اَلْمُؤْمِنِيْنَ بَعْنِي تَكْدِيُوْا مَنَكُنْدَا بِرِ سُوْلِ اَسْتِ وَا بِرِ اَلْمُؤْمِنِيْنَ اَسْتِ تَكْدِيُوْا بِرِ زُجَرَا رَجَدِ  
 وَا دَاسْتِ كَمْ چُوْنِ بِنْدَا كَمْ طَاعَتِ كَنْدَا فَرَشْتَه دَسْتَا سَتَا كَمْ مَوْكَلِ نَوْشَنِ اَعْمَالِ اَسْتِ  
 شَاد مَيَكُوْا وَ تَعَجَّلِ تَامِ بِكِي رَا بِدِ نُو بِنْدَا چُوْ مَعْقِيَّتِ هَر دُو دَلَسْتِ شُوْدَ مَلِكِ دَرَسْتِ  
 كَمْ مَوْكَلِ نَوْشَنِ سَتَا سَتَا خَوَاهِدِ نُو بِنْدَا مَلِكِ دَسْتَا سَتَا كُوِيْدِ تَوْفَقِ كِرَا وَا زَا  
 سَاعَتِ تَوْفَقِ نَمَايَدَا شَادِ كَمْ بَنَا بِشَمَانِ شُوَا كَرْدَرِ بَنَشْتِ نَا عِيْجِي كَرْدَرِ فَرَشْتَه دَسْتِ  
 كُوِيْدَا نَزَا نُو بِنْدَا كَمْ جَاهِلِ بِنْدَا اَسْتِ فَرَجَدِ بِكُوَا رَا دَاسْتِ كَمْ هَر كَرِ بِكُوَا رَا مَعْقِيَّتِ اَسْتِ  
 بِكُوِيْدَا سَتَقِيْرُ اَللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ اَلْعَبْرَةُ اَلْحِكْمُ اَلْفَيْدُ  
 اَلرَّحِيْمُ ذُو الْجَلَالِ وَا الْاِكْرَامِ وَا نُوْبُ اِلَهِيْ مَلِكِي كَمْ نُو بِنْدَا سَتَا سَتَا مَعْقِيَّتِ  
 نُو بِنْدَا اَكْرُوْبَه نَكْرَدِ وَا دَامِ نَشَدِ وَا بِنَكَلَا زَا بِرِ بَانِ جَارِي نَكْرَدِ فَرَشْتَه دَسْتِ  
 كُوِيْدِ نُو بِنْدَا كَمْ جَاهِلِ بِنْدَا اَسْتِ بَعْدَا زَا نِشَبَرَا اَعْمَالِ اَلنَّحْصِ زَا بِرِ كَا خُدَا وَا نَدَا اَلْمَلَا  
 اَخِرُ حَدِّ اَبْرَارِ اَسْتِ كَمْ دَر سُوْرَةِ مَطْفِيْنِ اِنْ اَلْدِيْنِ اَجْرُ مَوَاكِلَاوَا اِيْنِ اَلْدِيْنِ اَسْتِ  
 وَا اِذَا مَرَا اِيْمَانُ مَعْنِي مَرْوَنِ بَعْنِي بِدَرَسْتِي كَمْ اَنَا نَكْرَه اَسْتِ اَوْرَدَا نَدَهْنَسْتَا زَا كَسَا بِنْدَا  
 اِيْمَانِ اَوْرَدَا نَدَهْنَسْتَا چُوْنِ مَنَكُنْدَا رَنْدِيْرَانِ مَوْسَاغْنِ مَنَكُنْدَا بِرِ اَعْنِي اَشَارَتَا  
 مَاسْمَرَا اَز مَقْ مَنَعُوْلَسْتِ كَمْ كَفَلَتَا سَتَا مَرَا اَز اِنَّا اَلْدِيْنِ اَجْرُ مَوَا اَوَّلِ وَا ثَانِي وَا كَلَامِيْ  
 كَمْ بِرِ كَرْدَا وَا پَا كَرْدَا اِنْدَا نَهَا چَتْمَكِ نَبِيْرُ سُوْلِ اَسْتِ اَز كَشَاوَا زَا شَيْخِ طَبِيْعِيْ وَا بِرِ  
 كَمْ زُوْرُ كَجَنَابِ اَبْرَارِ اَسْتِ بَعْنِي اَبَا جَعْفَرِ اَز فَرَا مَسْلَمَانِ مَنَكُنْدَا جَمْعِ مَنَافِعِ  
 سِيْرَةِ مَوْدُودِ بَا اَشَانِ وَا بِجَنَدِ بِنْدَا وَا بِجَنَمِ طَابِرِ اَشَارَتَا كَرْدِيْنِ نَدِيْنِ كَشَنْدَا بِرِوَا رَانِ

مَنْفَعَاتِ



حزب فتنہ

(برای اطلاع از قیمت و شرایط خرید و فروش و ...)

نقد

من محمد بن عبد الله

[illegible]



و مفرج و پوشانیدن منبوشاه و لایق مثل آن حله بر آن دو نیز کوار و زانو منبوشاه  
 بر آن نماند خواندن منبوشاه بر حواله منبوشاه و شمار اعمال ایشان بر ما  
 بخدا داخل میکنیم اهل جهنم اهل آتش را در آتش مؤلف گوید که نفس خدای  
 و آن در بالا پوشانیدن باکی که استر باشد و عر الکاظم علیه السلام التناز اب  
 هذا الجکلو و علینا حسنا کما کان لهم من ذنب بینهم و بین الله ثم حتم علینا  
 التبی فی ترکیه کنا فاجابنا الی ذلک و ما کان بینهم و بین الناس استوهنا منهم  
 اجابوا الی ذلک و عوذناهم الله عزوجل از جناب کاظم علیه السلام و ابست که بگویم  
 رجوع این خلق و بر ما است حسنا آنها پس آنچه که باشد بر آنها از کناهان که میان ایشان  
 میان خداوند است هم میکنیم بر خداوند یعنی بر ام میکنیم در سوال از خداوند و گذشتن  
 خدا از کناهان برای خواطر نا پس قبول میفرماید این را و آنچه میان ایشان و ما مردم است  
 حق الناس است خواهش میکنیم از مردم که ببخشند با ایشان و قبول میکنند برای خدا  
 عوض میدهد با ایشان از آن حق که بخشید اند مؤلف گوید که مراد از مردم شیعیان است  
 مردم عن الامالی غیر الصادق علیه السلام قال لا کان یوم الیوم و کلنا الله بحسنا شیعینا  
 تادان لیه سئلنا الله ان یهبه لنا فهو کم و ما کان کنا فهو کم یعنی از امامان نقل  
 که از حضرت صادق مرتضی که چون روز قیامت شود و از کداری بنما بد شمار عملهای شما  
 ما را بیا پس آنچه که بود باشد از برای خدا خواهش میکنیم از حضرت ابست که ببخشد حق خود را  
 با ایشان برای خواطر نا پس بحق بجا ایشان است آنچه که از برای ما است یعنی حق ایشان  
 آن مال ایشان است یا هر یک که در سوره بلد و الذکر کفر و ایات ایشان هم اصحاب المشه علیه السلام

کتاب

مؤلف یعنی انکسای که کافر شد اند با با ایشان نشانیها یعنی بدایلی که نصب کردیم بر  
 حق آنها بندگان و حجت که ایشان را از جانب شمال غرض بد و زخ بر بند و آنها اهل ثنامت  
 و نیکب هستند انشی که پوشیدند باشد یعنی سران در که در اینجا معتد باشند و بطبیعی از  
 مضبوط سازند و رجی که در آن مؤثر است باشد در اینجا بد و در نیز برین نشانی  
 برنا امید باشند از راحته سایر و هم معتد ب بعد از این از حق و نیکو  
 گفته مراد از الذکر کفر و انانند که مخالفان غیر المؤمنین علی السلام نمودند و گفته است  
 مشه و ثنات ال محمد یا هر یک که بر سر الله الرحمن الرحیم و الثمین و حجتها  
 و الثمین که انانند یعنی قسم با جناب عالمنا بر سرش و در خشنودگی آن در انون که بلند  
 و بموضع باشد شد و ضو او منبسط کرد و بماء جهانبها چون پیری از جناب منبسط  
 میکند بعد از غروب آن از کافی و حق نقل شد که از جناب صادق صلوات الله علیه و آله  
 کرده اند منکر جناب نوح صلی الله علیه و آله است که با جناب اخبر کرده است خدا برای من  
 و برنا ایشان را و قمر جناب میر المؤمنین علیه السلام است که نالی جناب سول علیه السلام  
 و آله است و انحضرت و منبسط علم زاد جناب میر المؤمنین علیه السلام بنما بد شمار عملهای شما  
 ذلک فی من کما و قد خاب من نیتها یعنی بجهنم که دستکار شد هر که پاکیزه کرد ایند نفس  
 خود را از داس و ذل کفر و معصیت بشود و عباد او را بمعرفت طاعت و بجهنم که بر هر ما  
 هر که نفس خود را بجهنم ضلالت پامال کرد ایند و مرتبها و از بفتق و معصیت ناخیر  
 کرد ایند از جناب صادق و و ابست که مراد از من یکم جناب میر المؤمنین علیه السلام است که خدا  
 او را پاک کرد ایند و مرتبها او کسب و نصرت آن منصب عظیم و در پی آنست و پیوسته

کتاب

کتاب



با اولی هکذا میگوید که ما لید دست خود را بر دست او در تهنیت میبایست که هر دو سوره شریف  
 فقال لهم رسول الله ناقة الله وسفهرها یعنی بر کشتن آن قیلند را فرستاده خدا این  
 حضرت صالح که دست او بر ناقة خدا را یعنی ناقة که خدا بعد از کلامه خواند از سبک نیز  
 آورده و کرد و مکرر در پیشگاهش مانع شرابان میشود و گویند که نوبت او است تا غذا  
 بنیاید و جمیع نقل شده که از جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود من جناب  
 المؤمنین علیه السلام را که فرمود با علی بن ابی طالب و کین قال غایر الشافعی قال صد  
 قال فرأى الله الآخر من قال لا أعلم يا رسول الله قال الذي يضر بك على هذه وأما  
 إلى باقونه یعنی با علی شفیق ترین اولین کینت عرض کرد انکسب که ناقة صالح را بی که در ظم  
 نمو حضرت فرمودند که راست گفتی با علی پس فرمود شفیق ترین این کینت یعنی پشیمان  
 عرض کرد منند از رسول الله فرمود انکسب که ضربت بر بند بر این موضع پس اشارت فرمود  
 بر نازک مبارک جناب امیر المؤمنین علیه السلام از جمیع منقولست که از جناب صادق  
 مرویست که هر کس بنیاد بنا داند و سواد الشمس و اللیل و البقی و الی شرح در روز  
 باد شب باقی بنیاد چیزی که در حضور او باشد مگر آنکه شهادت میدهد در روز قیامت  
 برای او حق میگوید و او گوشت خود را و بی او و استخوانهای او و جمیع چیز که  
 زمین بر او انداخته و خداوند عالم فرماید که قبول کردم شهادت شما ها را برای  
 خود گذارند این شهادت برای او و بی او از این شهادت من تا آنکه مثل بگردانها هر که  
 در سنه ارد پس میدهد با و بیست و لی رحمت از من و ضعیف که شامل او شده است  
 کوار باشد این نعمتها بر سبک من و ل سوره مبارکه بیلیم الله الرحمن الرحیم واللهم انما

و الله انما انما یصلی قسم شب چون بنوشد افکار با او شنی و ندارد سؤ کند بر و در شکیلا  
 کرد و بزوال ظلمت شب است بین کرد و بطولوع افتاب ما خلق الذکر و الاثقی یعنی و قسم  
 عظیم الفدیه که بنا فرزند زاده را یعنی دم و خوار از مناقب منقولست که از جناب امیر  
 محمد باقر و اوست که مراد از لفظ الذکر جناب امیر المؤمنین از لفظ و الاثقی جناب  
 فاطمه علیهما السلام است از فقی منقولست که از جناب باقر علیه السلام مرویست  
 فرمود لیل را بنیاد و تمییزت لعنه الله کنایه کثرت افتاب لایست که اشاره بر جناب  
 المؤمنین علیه السلام است پس نشانده کرد و لست خود اینچنان در و لست که منتر شده  
 املعون بر این حضرت و جناب امیر المؤمنین علیه السلام خبر منکر و در و لست انها با انکه  
 انحضرت منکر و در و لست باطل ناکند و تمام شود و مراد از لفظ و الله انما انما  
 جناب امیر از ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است چون بر پا شود یعنی ظهور نمود باقر  
 خلافت و حکومت تمام نماید غلبه کند بر و لست باطل یعنی و لستی حقیقت و بر و لست  
 و لست باطل بعد از آن فرمود که فران زد شق است و ان مثلها برای مردم و پیغمبر  
 مخاطب ساخته و توحید کلام را بسو او نمود و ما و این مخاطب خود پس مندانند از کی غیر از  
**ایست که** فاما انکم نارا لظلی لا یصلیها الا الاشی الذی کذب توئی یعنی میسر است  
 شما را با نیت که زبان در و لست و منتهی شود و غی اید در ان اثر بطریق دوام و لزوم  
 منور و مکرر بد بخش و شوقی که تکرر کند و در و لست او و در و لست او از طاعت حق از جناب  
 مرویست که در مقام ذکر این آیه فرمود که در جهنم واد است که در ان است که در نیت  
 ان مکرر بخش و شوقی که تکرر کند که تکرر بخش و شوقی که تکرر کند که تکرر بخش و شوقی که تکرر کند

منکر و مکرر  
 و لست باطل



ای طالب و روگرداننده از ولایت اجناب **امیر** و کسوفی طبعی و مزانیه  
 روز باشد که بد هکذا پروردگار تو پس خوشنویسان و این عذر است شامل بر هیچ  
 با و عطا فرماید که در دنیا و آخرت در دستک خدایت سالت پناه من فرمود که در روز قضا  
 مرا چندان شفاعت دهند که گویم کسی کسی یعنی من است راضی شدم مقرر است که  
 انحضرت راضی نخواهد شد که یکی از من می رود و رخ باشد و نیز از امام جعفر صادق  
 مگر نیست که حجت من از زمان راضی نخواهد شد که هیچ تو عذر در روز قضا بماند در عهد  
 است که داخل شد رسول خدا بر خدایه که در حال آنکه بر او کسای بود از پیش  
 و او کسای منکر بدگشت و شیر مباد فرزند خود را بر پشت سالت پناه پران  
 اشک شد چون سبت کشا را بدین صوف بدید فرمود ایند خرم من قبول کن طاعت را  
 که بسعت میکند و با آنکه بشناختی نه از ابوحنیفه شریخی است بر خدایت که خدا است  
 فرمود سالت من این ای که و کسوفی طبعی و مزانیه که سالت پناه که سالت  
 لك صدرك یعنی یا محمد با کثافت نکر دانیدم برای تو سینه ترا نامناجات خود و من  
 خلق و غم امت و اعتبار سالت که در کجدا بادل ترا کثافت ندادم که هر چه از اسرار و حکمت  
 بر تو وارد شود تواند ضبط نماید یا منشرح ساختیم از علوم و حکمت حفظ فرات آن  
 قتی منقول است که بعد از آنکه فرج لك صدك گفته است بعلی بن محمد که و صیتک یعنی یا  
 کشاده نکر دانیدم برای سینه ات را بسبب بن ابی طالب بر کرد دانیدم علی اوصی تو  
 نا اخی گفته است **امیر** که قادیان فرغت فانصب علی بن ابی طالب فارغب یعنی بر جور  
 شکار بلیغ رسالتش در رخ کن در مراسم عبادت ناچون از نماز فارغ شوی چندان که در

هر چه  
 در پیش  
 نیت

در غایت مشغول دنیا و تعقیب باطن بدینای پروردگار خود پس رغب کن در حق او  
 و هر چه خواهی از خواه نه غیر از حق منقول است که روایت کرد ز جناب صادق علیه السلام  
 که فرموده اند قادیان فرغت فانصب علی بن ابی طالب فارغب یعنی بر جور  
 شدی از بلیغ رسالتش بر نصیب کن علی را برای خلافت و وصی کردن و بسوی پروردگار  
 پس رغب کن در این امر یعنی نصیب اخلاص برای خلافت رغب منیل بگو خدا است جور  
 حق و نیل از سبختانه و امر او باینست از کافی منقول است که از جناب صادق علیه السلام روایت است  
 در جمله حدیثی میفرماید که خداوند عالم فرمود قادیان فرغت فانصب علی بن ابی طالب  
 قادیانهم فصله علی بن ابی طالب فقال من كنت مولاه فعلي مولاه و الی آخر الحدیث یعنی  
 چون فرغ شد از سالت که نصیب نام علم خود را و ظاهر و آشکارا اوصی خود را این معلوم  
 کن فضل او زاد و ظاهر یعنی بر مگر کن که از کسی نه با بماند بر جناب پیغمبر فرموده  
 هر که من مولای او هستم من مولای او و اقای او است نا اخی عذر سالت پناه که و شیر  
 یم اشیا از حرم الخیم و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الاکبر یعنی  
 قسم با جبر و بیون و قسم بطور بینا یعنی کوهی که محل مناجات حضرت کلیم بود و قسم  
 بدین شهر که امان دهنا اهل مکما است از صواع و حوادث و حافظت هر کرد  
 داخل شود مختص این هر دو و میو تقیم از جمیع میوه ها نیست که انجیر میوه خوب است  
 و لطیف ترین الحضم کثیر التفعی و ملین طبع و محل بلغم و رمل نشانه را را بل میکند و ظاهر  
 منما بدلیلین او در عهد اند که قطع بواسیر کند و نفوس را بر طرف میکند زینون هم میوه  
 نان و خورش است هم در او روغن دارد که کثیر المنافع از علی بن ابی طالب منقول است که گفته







که بمباد است پیش از آن **سوف** قدریم الله الرحمن الرحیم اما آنرا که فی سبیل الله  
وَمَا آتَاكَ مِنَ الْفَقْرِ يُعْطِ بِرَبِّهِ مَا نَزَلَ بِهِمْ قُرْآنًا لَوْحٍ مَحْضٍ بِهَا  
در شب قدر و چه چیز ترا آید تا آنکه از این شب شریف و بختی بختی از دل آن  
مقدور بود با تمام قرآن در آن شب لوح محفوظ با تمام دنیا آمد و روح الامین بد  
مذمت نیست سه سال به ایام و سونون عجیبی آید و در این قول منسوب  
مفسران است از معانی مفسران که از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده یا علی ایامی است که در این شب قدر  
کردم یا رسول الله عبادم یکی فرمودند بدین شب که خدا تعالی مقرر فرموده و از این  
ایام کار و نباشند است نادر و مقامات بزرگ بود مقرر فرموده و از این شب  
تو و ولایت ائمه از اولاد تو ناز و مقامات بزرگ است ترک الملائکه و الروح فیها یأذن  
ربهم من کل امر سلام یعنی فرود آیند فرشتگان بر زمین و فرود آید روح که ملک  
بر یکبشت اعظم از جبرئیل و جبرئیل است ملائکه است نظر عجبیست که وارد شده بدین شب که  
روح بزرگتر است از جبرئیل و بدین شب که جبرئیل از حمله فرشتگان است که در این  
نازل می شود و از قول مفسران است که گفته است ترک الملائکه و الروح الفقدیر علی  
ایام الزمان و بدین صورت است ما مقرر کرده اند فرشتگان و جبرئیل بر تمام  
زمان و بخدمت حضرت میباشند آنچه را که بخواهند نوشته اند یعنی نظر انحصار میباشند  
اینکه مکتوب مقرر شده از ثواب اعمال و جمیع مفعولات که از حضرت باقر ع  
که فرموده من قرأنا آنرا که فی سبیل الله الفقدیر رحمه الله کما قال الشاهر سیفیه سبیل الله

تفسیر  
سبیل

و من قرأها شیء کان له فی سبیل الله و من قرأها عشر مرار بحسب الله  
الفقدیر یعنی هر کس شوق آید آنرا که را بخواند پس چهار کس که بان یعنی از  
بخواند میباشد که است که برهنه کنند است شمشیر خود را و در راه خدا برای جهاد  
شمیر کنند و هر کس این شمشیر را از اهنه بخواند میباشد که است که در  
و باز کنند است و خون خود را در راه خدا و هر کس در شب این شمشیر را بخواند  
میفرماید خدا تعالی از او هزار گناه از کافران میبکشد این آیه که در کتب و اینها الکتاب  
و این کتب را در جهنم خالیدین فیها از کافران هم شتر البریه یعنی بدین شب که انکسایه  
کافر شدند از اهل کتاب که پیوسته اند و از شتر کین که عبید اصحاب باشند و از  
جهنم باشند در روز قیامت و حالیکه جاوید باشند و از انکسایه اینانند بدین  
افریدگان مفعولات حق که گفته است انکسایه کافران اند کسایه هستند که خداوند  
غالب نازل فرمود بر اینها قرآن را پس فرستادند و کافر گشتند و نافرمانی جناب امیر المؤمنین  
بودند اینها که این آیه است و علو الصالحین و لکن هم خیر البریه یعنی الکتاب  
ایمان آورده اند و کردند عملهای شایسته و پسندید و انکسایه اینانند بدین مخلوق  
و افریدگان انما فی نقل شده که از جابر بن عبد الله روایت است که گفت یوم نازل شد  
پس جناب علی بن ابیطالب رو کرد و شریف او شدند پس فرمود بنی خدا و ما که از آن  
النفث الی الکعبه فصرح باینکه تم قال و الذی یفیه سبیل الله و شیعته هم القبا  
یوم القیمه تم قال انه اولکم انما نامی و اوقام لعمری الله و قومکم بامر الله و اعدکم  
فی الرعبه و اقمکم بالیسوبه و اعظمکم عند الله و یتبعون بجهنم مذکبوا بامر الله

تفسیر  
سبیل

تفسیر  
سبیل







جواب میداد بمن و لکن این زلزله که نیست در حدیث دیگر از جناب عاقل علیها  
 و از دشمنی که فرموده اند و سبب مردم زلزله در زمان ابی بکر و ملجی شدند بمرد  
 و پناه آوردند بسوا ابی بکر و عوف بنی فاضل و از آن هر دو که بیرون آمدند از خانه  
 که التماس کنند اند بنوی جناب علی بن ابیطالب پس مردم هم به تبعیت آنها آمدند تا  
 اینکه رسیدند بدرخانه انجناب فخر حج عم غیر مکرر ثلث لیا هم فیه قصی و لبعه  
 الناس حتی انتهى الی بکته ففعد علیها و فعدوا حوله و هم یظفرون الی  
 جبار المذنبه ریح جانیبه و ذاهبه فقال لهم علی علیه السلام کانکم قد  
 هالکم ما ترون قالوا و کیف لا یهولنا و لم نر مثلهما قط قال فحرکت سفینه  
 ثم خربنا الارض بیک الشریفه ثم قال مالکنا شک فی سکت باذن الله یعنی  
 پس بیرون آمد جناب علی علیه السلام از خانه که هیچ نداشت بمحض مرعیه  
 که مردم بودند از آن زوایه و بیرون اینکه اضطراب و وحشت کند پس روانه  
 و مردم در عین انجناب میفرستند تا آنکه رسیدند به تل پس را بخانشند و ترا  
 هم بگردانند نشاند و حال آنکه ایشان نظر میکردند بپادشاهای شهر مدینه که  
 مکان بخور و حرکت نمیکرد در خانه که پیش آمد و پس پیش حضرت فرمودند  
 کو با شماها را ترسانند است اینچه میباید عرض کرد و چگونه ترسانند ما را و  
 آنکه چنین چیز و هاله ندیده بودیم هرگز پس لبهای میان را خضر حرکت داد  
 و بعد از آن دست شریف خود را بر زمین زد و فرمودند چه میشود ترا ساکن شود  
 حرکت باز ایست پس ناگهان و برقرار شد باذن خدا پس بفرمودند بیشتر از تعجب شما

انوفی که بیرون آمد انحضرت و هیچ نداشت خالت اضطراب خود را می  
 دیدند از اطینان انحضرت در تعجب بودند چون اینک مشاهده نمودند تعجب شما  
 زاده شد انجناب فرمودند مرا بشازا پس بدو رست که شما تعجب دیدار از انعمل من  
 کردند بی فرمود من ان مردی هستم که خدا بشارت داده میان که فرمود از زلزله الارض  
 زلزلهها و آخر جنات الارض انما لها و قال لا یشان ما لها پس من ان انسان که میگو  
 یز من که مثل من است مالک تو میشد بخیر اخبارها یعنی چیست مرا که از ام نمی گری  
 از زمان خبرهای خود را میداد بمن از جمعی نقل شد که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود  
 که ایا میندازید خبرهای من پیش چشم عرض کردند که خدا و رسول او بشارت داده اند  
 فرمودند خبرهای من اینست که شهادت و گواهی میدهد بر مردم و زن با چنین بکه کرد  
 اندر ایشان یعنی بر بالایی ان از خود بدو میگویند چنین و چنان کردند و در فلان  
 فلان عمل نمودند پس اینست خبرهای من **سور ۸۸** و العاديات يسبحن الله  
 و العاديات ضحكا فاكوزيات قدحا فالعير ان جنحا یعنی سو کند با سباد و نندازد  
 که بوف و بکند نقر زنند نقر دنی با و از که نه صهل بوی پس سو کند به بیرون و در کا  
 انش از سکنک بهمها خو یعنی استیجا که سم بر سکنک زنند و از ان انش جهل چنین  
 زدن که مثل انش نه بیرون اید پس سو کند با سباد غارت کنند در وقت سفید  
 دم مراد را کبان استیجا که غارت کنند اموال اغدا نند و چون سبب غارت کردن  
 استیجا پس گویند که انها غارت کنند و غارت یعنی سر بر آمدن یعنی کندن استیجا  
 شما بکنتک در زمان بوف غارت کردن مرویست از حضرت صادق و جمعی کینه

انجناب  
 علی



که نسبت ولایت سوز و مباح که فرمودند که جماعتی اعراب و عجمی ساجد بنزد من آمدند  
 و در وادی مله جمع شدند و میخواستند پیش من بیایند و در بر حضرت رسالت پناه بردند  
 بر مسئله زاری رسانند آنحضرت علم را با بونیکر دادند و او را با جوی اهل اسلام  
 بر بخاریه افرمودند چون اولی با آن لشکر بواد رسیدند آنها آغاز جنگ کردند  
 اولی بر سپید و روز بهر بیت نهاد و از هر بیت او و هموار مثلثانان بقتل آمد حضرت  
 روز دیگر علم را بدو بتوان داد و نیزه رفت و روز بهر بیت نهاد باز گروهی از مسلمانان  
 بقتل رسانیدند حضرت بسیار مشتاقانند و هناك شدند فرمودند که شاه اولیا  
 سید و صاحبان بخوانند چون جناب امیر المؤمنین علیه السلام حاضر شدند فرمودند  
 یا علی این علم را بکبر و بجانب مله بخوان و اولی با جمعی در خدمت حضرت روان شدند  
 حضرت در اول صبح خود را با جماعت رسانیدند و آغاز جنگ کردند بمیان فواله و  
 برکت انفس حضرت رسالت پناه روز کار را بر انقوم تیره و سبها کردند و بر آنها  
 غالب شدند و بعضی را مغلول ساخت و برخی را اسیر کرد و اسیران را به شهر هدیه کردند  
 جناب خاتمه انبیا و سر دوز را با استقبال سید و انبیا و ائمه و جناب امیر المؤمنین  
 از مرکب پناه شد و در کابا آنحضرت را بوسه دادند و حضرت سالک روح و عارف  
 و از غایت فرمودند یا علی اگر مرا اندیشه امت نبود که ناکاه و دشمنان تو غلو کنند در  
 محبت تو مبالغه نمایند چنانکه امت عیسوی در حق او غلو نموند و گمراه گشتند هر چه در  
 تو امروز بر وجهی سخن میگفتم که مرا که نمیکند شوق خال اندام ترا بر میداشتم که از آن  
 میموند یا علی بزرگوار شو که خدا و رسول تو را فرستادند بعد از آنکه این غلبه از

تکلیف

جناب امیر المؤمنین علیه السلام بر منی سلیم نظروا و ما در نامه نازل شد و القادری است  
 این که ما تم کشتن بوشید غیر النعم یعنی بر هر چه الهیه پرستید شوند  
 از دوزخ بوقت محاسبه از نعمها که بدان مشغول شدید و از عبادت دست کشیدید  
 معنی اینست که اگر من مکلفان پرستید نخواهد شد از هر نعمتی که بنما داده ام از  
 روضه الواعظین نقل شد که روایت است که فرمود این چیزها سوال نمیکند از سر شکر  
 و اب سگ و از لذت خواب از سائبهای سنگها و از قرار کاهها و از اعتدال خلق که  
 صورت حسن خلقت باشد از جناب صادق روایت کرد و دیگری نیز که از این جناب سوال  
 کردند که جعلت فداک شنید که در روایتی از شما که حضرت صادق فرمود با بونیکر  
 که رسیدن است از این شنبه ام اینکه بونیکر من بکشم و بونیکر من بکشد و گفتن  
 بوشید غیر النعم بطعام طیب لذت و اب و خوشکوار و در روزهای گرم تابستان  
 کفاری این جناب فرمودند لَوْ دَعَاكَ رَجُلٌ وَأَطْعَكَ طَعَامًا طَيِّبًا وَسَفَاكَ مَاءً بَارِدًا  
 مَا أَتَيْتَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ تَقُولَ مَا كُنْتَ تَقُولُ قَالَ إِنْ كُنْتُ تَقُولُ مَا كُنْتُ تَقُولُ  
 قَالَ نَاهُوا قَالَ جَنَابُ أَهْلِ الْبَيْتِ بَعْنِي هَكَذَا تَأْمُرُ دِي بَخَوَانِدِ بَضَائِفَ وَبَخَوَانِدِ  
 طَعَامَ لَذِيذٍ وَطَيِّبٍ بَنُو شَامِرٍ زَالِمٍ بَعْدَ زَانٍ مَتَّ كَذَّارٍ بَرُّوْ بَسْبِ ابْنِ شَابِ  
 كَهْ خَوْرَعُو كَرْدِي بَنِي مَرْدِي بَابُو كَهْ بَسْبِ مَبْدِي اَوْرَعَرَضْ كَرْدِي بَسْبِ بَحْلِ مَبْدِي  
 اَوْرَحَضْ فَرْمُونَدَا بَابِ خَدَا بَغَالِي رَسْبِ بَحْلِ مَادَا اَسْتَبَا اِيْنَكَا اِيْنَا خَدَا رَسْبِ بَحْلِ  
 مَبْدِي اِيْنَكَا كَرْدِي بَسْبِ عَرَضْ كَرْدِي بَنِي بَحْلِ مَبْدِي اِيْنَكَا اِيْنَا خَدَا رَسْبِ بَحْلِ  
 مَوَافَقِي بَدِ شَابِدِي اِيْنَا اَسْتَبَا اِيْنَا خَدَا رَسْبِ بَحْلِ مَبْدِي اِيْنَكَا اِيْنَا خَدَا رَسْبِ بَحْلِ



هر که محبت ما را داشته باشد سرگشته شود و هر که محبت ما را نداشته باشد گمراه  
 لغت نموده مشغول عقاب الهی خواهد بود با اینکه محبت الهی ذات و هم داران  
 سوال میکنند پس هر که دارای آنست بر آن باکی نیست و هر که از آن دور است  
 خداوندی بخشد و او را بدو این معنی و ظاهر از معنی حدیثی که خداوندی  
 آیه است ظاهر از آیه آنست که از معنی خدا داده است سوال میفرماید خداوند  
 محبت ما نداده است با آنکه دارای آن نیست پس چگونه از آن سوال میفرماید لکن  
 امام همه کس را ندانی فرموده و من چه مخالف پس معنی اول آنست ظاهر از حدیثی که  
 ظاهر حدیثی است و با جمله در هر دو صورت محبت اهل بیت بر کافه موجود است  
 و خداوندی سوال خواهد فرمود چه نعمتی و لایق محبت اهل بیت بر کافه است و این  
 از تحت مضمون آیه میار که خارج نیست چنانکه اشهاد الله علیهم فرموده اند نحن  
 المتولون و این نفرمایند که شد **سورة العصر** **بسم الله الرحمن الرحیم**  
 ان الانسان لکفر خیر یعنی منم بصیر میفرماید یا بصیر میفرماید که افضل اعضا است  
 و با صاحب زکات و با بنما عصر که صلوات وسطی است بر مرتضی بر جوامع است  
 بدرستی که انسان را این در دنیا نیکو کار است از کمال منقولست که از جناب زکی  
 روایت است که فرمود عصر اجتماع خروج جناب قائم علیه السلام است و معنی آن  
 آنست که خیر فرموده که مقصود خدا از انسان زانکاره شمس اما اصل بیت  
**ایله مبارک** **الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات** **تو اوصوا بالحق و تواصوا بالصبر**  
 مگر کسانیکه ایمان آورده اند و نیکو کارها میکنند و صبر نموده اند یکدیگر را راست

محبت الهی

و راست از اعطاء مدد عملی از نباشد خداوندی و شوا انکاران و وصیت نموده اند یکدیگر  
 صبر تحمل شان و طاعت و محبت از حق منقولست که از جناب صادق روایت کرده  
 که فرمودند بیان کرده اند با نیکو کاری که همه افراد انسان را شایسته است و یکسان خود را آن  
 از یکسان خوانند چنانکه فرمود **ان الانسان لکفر خیر** **الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات**  
 کسانیکه ایمان آورده اند و نیکو کارها میکنند حضرت امیر المؤمنین و زوار و تواصوا  
 بالحق یعنی وصیت نموده اند و اولاد با زمانند که آن خورا بولایت و صفت غور و انصاف  
 نموده اند بر آنکه خداوندی فرمود در نه حدیثی با تو که منقول از کمال در حدیثی  
 صادق بود میفرماید **الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات** مگر کسانیکه ایمان آورده اند  
**ما و عملوا الصالحات** میفرماید بخیر کردن ما اینکه عطا باشد بزرگان خود  
 که **تواصوا بالحق** از تواصی میفرماید میفرماید نمودند با ما که تواصوا بالصبر فرمود یعنی  
 بعثت پیغمبر و زوار از حضرت جناب چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است  
 که فرموده منم و منم و منم و منم امام از فرزندان حسین و حضرت سید الشهدا  
 شد **الا صلی علی من کونین و خیرشان** **تربک** **ایز کونین** **سورة العصر**  
**انا اعطینا لک الکونین** **فصل ربک** **و اعزک** **و شاک** **موا لا یترک** **یعنی** **بدرستی که ما**  
**عطا کردیم تو را ای محمد صبر است که آن اولاد و عذاب باشد و کثرت نسل و نسل طهارت**  
**فاطمة زهرا صلوات الله علیها** یعنی خاطر شریف اند یکدیگر مکرر آن که ما نور اکثر مردم  
 در عقب نسل که در زمین هیچ بقعه خطه نماند که فرزندان تو در آنجا باشند صلوات  
 الله علیهم گفته که این قصه مشهور است بعد از شما امام مظلوم است که بنی بقیع امام



دین العابدین نزد کوزا اهل بیت او کبی ماند بود حق تعالی بجا از وعده خود فرمود از نسل  
 او همه عالم را بزرگوار بپند منزه بپند چون خبر دنیا و آخرت بشوید که است فرمودیم پس نماز  
 گذار از برای پروردگار خود یعنی خدا و گفت کن بر آن خالص برای خدا بجهت شکر گذار  
 که نعم تو و قرآن کن شکر را که بخوار اموال عربست بصدق ما بر حنا جان بدر بسته  
 دشمن را رند تو یعنی غاص و ابل و انشتم بپرس و منقطع از خبر و نسل و ذرتب بعضی از  
 عامه گفتند اند که مراد از این نماز که خدا فرمود نماز عبد اضحی است مراد از ذکر کثیر حج  
 و اخصه است اما آن خواست که همه که میزد بجهت فی و اخصه که گفتند است که در حنا  
 عبد قربان قربانی میکنند و از حج بقل شد که از جناب صادق علیه السلام روایت شد که در  
 تفسیر نماز فرموده هو رفع یدک بحمد الله و تحمید یغنی نلند کردن و دوش دست  
 روی خود یعنی در وقت گفتن هر تکبیر نماز دستها را بجای روی بلند کردن و این معنی است  
 از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که چون نماز شد ایستاد ایستاد که جناب  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمودند چپست این کشتن و ذکر کرد که مراد از این امر فرموده  
 برورد کار من خبر شما عرض کرد بخور کردن قربانی مرا نیست لکن خدا بکمال امر منزه  
 را که چون میباید تکبیر الاخر است که بلند کنی دستهای خود را هرگاه تکبیر شود  
 و هرگاه رکوع کنی و هرگاه سر از سجده برداشته پس بدر بسته است این نماز و نماز جمیع اهل  
 اسمائیل و هفتگانه است پس بدر بسته است بکار هر چیز یعنی است و نیست و نیست از بلند  
 کردن دستها است و در وقت هر تکبیر از کتابا مالی منقول است که از این عباد روایت شد که  
 چون نماز شد بر سر خود انا اعطیناک الکوثر جناب علی بن ابی طالب عرض کرد که

است چپست آن کوثر حضرت فرمودند با علی کوثر هر نسبت که خدا بکرامی عطا فرمود  
 مرا با آن جناب امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله بدین سستی که این کوثر است  
 است تفریف کن از برای ما و بپای فرمودند نعم یا علی الکوثر هر چیزی تحت عزت  
ثم ما آتاه الله من النعمان والذين هم الغر الميامين و الذين هم الغر الميامين  
والذين هم الغر الميامين و الذين هم الغر الميامين و الذين هم الغر الميامين  
عز وجل ثم ضرب رسول الله على جنب امير المؤمنين عليه السلام وقال يا علي هذا امر  
لی ذلک و لیحییک میر بقدی یعنی حضرت فرمودند یا علی کوثر هر نسبت که جاری میشود  
 زیر عزت خدا بکتابان از شیر سفید تر است از عسل شیرین تر از مشک نرم تر است  
 در یکمای آن از زبرجد و یاقوت و مرغابست و علف خشک آن زعفرانست و خال آن  
 مشکینست و زینهاست خوی پنهان آن در زیر عزت جدای عز و جل است بعد از آن دست  
 مبارک خود را به پهلو برد جناب امیر المؤمنین علیه السلام از دست و فرمودند یا  
 این هر برای من برای است و برای دوستان و بعد از من اللهم اجعلنا من عتبه منک  
لا یخاکرکم الله الرحمن الرحیم قل هو الله أحد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن  
له کفو أحد ای محمد انگر که او را بپسند او است خدای ستیج صفات کمال بکانه بی  
 متوحد بذات مفرد و صفات شریک ندارد و خدا تعالی مقبوض و بقاء و همتنا و مستدام  
 و محنا و جانت بیپنا از غیث خود پس او بخور و پوشد زراد یعنی بیرون ناپدید از وجود  
 کشف که آن ولدانت ما را بشما گفته که از مخلوق بیرون میاید و به چیزی لطیف چون  
 نفوس منبسط شود از دوارض چون پستی در آن و خواب مستی و غم و اندوه و خوشحالی



و خنک و گرم و تر و سرد و منبسط و منكمش و در سنگی و در غیر این معنی متعاقبت  
 از آنکه متولد شود و بپزدن ابد از او شایسته و لطیفه و زاده نشد یعنی بپزدن  
 از و چیزی همچنانکه اجزا کینه از و بپزدن می اید از عناصر خود یعنی مانند حوض و  
 حیوان و در و بدنها از زمین و آبها از چشمها و موهها از درختها و همچنانکه اشیا  
 لطیفه از مرکز خود بپزدن می آیند چون در بدن از چشم و شنیدن از گوش و بوییدن از  
 بینی و چشیدن از دهان و سخن از زبان و تمیز و معرفت از دل و اتش از سنگ و نیست  
 و نبی و مزاورا و مانند اینها که بعضی از اینها نظری و شیبی و زبات و حقا  
 نیست در تغیر اینها که بپزدن و از دست و از توحید نقل شده که  
 حضرت صادق علیه السلام روایت کرد که فرمودند بدینستی که بود آن پسر شد از جناب سوال  
 پرسد مقام سوال عرض کردند پس سوال الله و صف کن خدای خود را و نسبت برای او را  
 تا ما بدانیم پس آنحضرت در مقام جواب سه فرمودند و آنها را جواب داد  
 پس از شد این سوره مبارکه قل هو الله احدنا اخر سوره و نیز از توحید نقل شده که  
 حضرت افرام علیه السلام نسبت و تغیر این آیه که فرمودند نقل یعنی ظاهر را آنچه را که ما بپزدن  
 فرستاد ایم و خبر داد از زبان بواسطه جمع و تالیف حروفی که خواندیم آنها را برای تو  
 اینکه راه بیابد باین حروف کسی که فریاد کرد گوش خود را که از ایشان و او حاضر شد  
 منزه خود لفظ هو است که کایه او در شد و ایشان کردند که بگویند و بگویند  
 پنهان پرسها که کرد دست بپزدن و لفظ و ایشان است بگویند از حواس همچنان  
 گفته اند اشاره است بگویند حاضر از حواس و سبب آن بود بدینستیکه کافرا شناسید

خدا بان خود را بشارت که لفظ خدا بود باشد پس گفتند هذه الیها المنة  
المدیة که بالانصاف فایض را بشارت الی الیه الذی ندعوا الیه حتی نراه و ندركه و  
 تا که بپزدن یعنی اینها خدا بان ما هستند که درین میشوند و مدرك میشوند بچشمها پس  
 ایشان بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند  
 و درک کنیم وی را و میترساییم را و بشارت فرستاد خدای تبارک و تعالی سوره قل  
 الله احدنا پس هاء ثابت کرد اینند نیست مرثیه او ایشان است بگویند بگویند  
 و درین چشمها و شنیدن بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند بگویند  
 باعضا و جوارح یعنی با دست مالیدن معلوم می شود و بدینستیکه خدای تعالی بپزدن  
 ترا از آنست که مدرك شود بواسطه او درک کنند و ندیدها است خلق کنند حواس یعنی  
 قوای مدركها نشانند پس فرمود لفظ الله یعنی آن معبود است که میترسید اندا فریدگان  
 از آن حقیقت و احاطه کردن بچگونگی او یعنی نایستن کامل بچگونگی که بپزدن و چنانکه  
عزها میگویند الیه الرجل اذا حیر الرجل فی شئ فله یحیط به علما و له ارفع الی  
شیء فایض و بحاطه و الاله هو المستور عن حوائس الخلق الله ازاله مشق  
 بمعنی بچشم چنانکه عرب بگویند الیه الرجل یعنی میترسید مرد را می بیند نای کامل  
 حاصل نکند بان زیرا که خدا بشارت کسی احاطه نمیشود و صاحبان عفو کامل  
 و در ذات وی بخیر دارند و میگویند و که یعنی پناه آورد بچگونگی از اینها بپزدن  
 میکنند و سیرازان یعنی عمول و اوهام اولیا و ارباب بصیرت در معرفت حقیقت  
 مرثیه و از آنست که بشارت بپزدن میکنند و بشارت نباشد و نشانند و بپزدن



عبادت است و نه شایسته است و نه شایسته است و نه شایسته است  
 از قوای مذکر که ایشان چه قوای ظاهر چه قوای باطنه واحد و واحد یک گفتند  
 و آن یکناشت که نظیر ما شندی مراد از اینست معنی تو چند از اینست یکا نکی  
 و آن جدائی و دوری از هر چیزی که غیر او است و احدا نکیست که جدا است چنان  
 جدائی که بر اینکته نمیشود چیزی یعنی منضم نمیشود چیزی که بیوکی هر یک چیز شوند مانند  
 سنجین که پس از انضمام سر که و انکین یکیش شد بعد از آن فرمودند و از پیوسته  
 است که میگویند بنای علی یکی میشود یعنی یکی علی حاصل نمیشود و خود یکی از عدد نیست  
 زیرا که علی اطلاق نمیشود بر یکی بلکه علی اطلاق میشود و پس معنی قول خدا تعالی  
 انما احدا ان معبود که خلق میجو میشود اگر از اذ او بیجا و احاطه چگونگی او عز وجل  
 یکا است از خدائی و معبود است خود و معنا نیست از صفات فردگان خود یعنی او بزرگ  
 و بلند تر از آنست که دارای صفات یکدکان که در جنب جلالت که با او کس عدم صفت  
 و لا شئی محض اند بوده باشد حضرت باقر که خبر داد پدر بزرگوار خود جناب حسین بن  
 علی صلوات الله علیه از این فرموده که الصمد کس نیست که او را خوف نباشد یعنی میا  
 می نباشد صمد آنکس نیست که بمقتضی نهایت نبوه باشد بزرگی و شرف او صمد آنچنان که  
 است که نمیشود و در نمی آید که نسبت اکل و شرب داده شود صمد آنکس نیست که خواب و صمد  
 آنچنان که نمیشود که همیشه بوده و همیشه خواهند بود و حضرت فرمودند که بوی محمد از حقیقه  
 فرزندار چند جناب امیر المؤمنین علی السلام که میفرمودند آنکس نیست که قائم بدار خود  
 بوده و از غیر خود بی نیاز باشد و گفته است غیر او که صمد یعنی کس که بلند است از کفر

و نه پس رسیده بدین صمد نسبت و صف و نه بنویسند و بعضی چیزی و نه مد بلا و  
 که گفته شود او غیر از اینست این غیر از اینست چه کسی در مقابل او نیست همه اشهاد و جنبان  
 سبحانه معدوم صرفند باز فرمودند الصمد استبد و مولا نیست مطاع یعنی لازم الاطاعه  
 چنان مطاعی یا لا تراز و کوی نیست که امر و نهی کند او را باز فرمودند که پرسید شد جناب  
 علی بن الحسین از معنی الصمد پرس فرمودند صمد کس نیست که شریک ندارد و از و مخفی نمیشود  
 هیچ چیز را اینجا کلام انحصار بود بعد از آن با وی میگویند که نه بدین علی میگویند صمد آنکس  
 که هرگاه خواسته باشد چیزی را بگوید بفرما و از آنکه باشد موجود شود پس باشد و موجود شود  
 و بر عجز و رحمت نمیکند و بر آن کران نباید نگاه داشتن هیچ چیز و صمد آنکس نیست که  
 اظهار و ایجاد کرده آنها بی قوه پس گردانند آنها را ضد های یکدیگر و شکلهای مختلفه  
 همه را جفت جفت خلق کرد چنانکه در ماده و در حیوانات فرار داد و خود جدا است سبحان  
 الذی خلق الاکروج کلماتی آنکه تا اینجاست که با شکی داشته باشد از جناب صادق  
 مردی که جماعتی از جناب امام محمد باقر از خندین مسئله پرسیدند پس جناب جواب داد  
 آنها را فرمود پس از آنجناب سوال نمودند از معنی الصمد پرس خص فرمودند نفسان در خود  
 یعنی معنای آن منوال قطرش میباشد الصمد هیچ خرفست الف لیل است بر اینست و چنانکه  
 فرموده شهید الله انه لا اله الا هو و این جنبه و اشان است بگو غائب بودن او از  
 ادراك حواس لام و نیست بر الهمی بعد نیست که او الله است الف لام مدغم اندر الف  
 ظاهر نمیشود در زبان و شنیده نمیشود در گوش و در کتب با شواهد هستند این و لفظ صمد  
 دلیل هستند بر اینکه الهیت و بیب طاعتش نیستند است در کتب نمیشود بگوایر بلطف غایب

این را بگویند



که در آن نمیشود با حواس و زبان بپاکشد در غی ابد و بگوش شنونده شنیده نمیشود  
 زیرا که اله آنکه نیست که متعجبش اندازد و بدکان از حقیقت فهمیدن آن و چگونه بگوید  
 حسیه یقین و ایه نه چنین است نیست شو بخت با بوم بلکه از موجدان و عالم و خالق  
 حواس است نیست و جز نیست که ظاهر میشود لام و قوت نوشتن نادلیل باشد بر  
 اینکه خدا باریعالی موندنا ساخته پروردگار خود را در ایجاد خلق و مرکب کردن و نمود  
 روحها آنها و لطیفه زجسد های آنها که کشف است پس هرگاه نظر کند بیک سو  
 نفس خود نمیشد که روح خود را چنانکه لام الصمد ظاهر نمیشود و در غی ابد و ظاهر  
 از حواس بچکانه خود که عبارت از سامعه با صر و شامه و ذائقه و لامسه است بر  
 هرگاه نظر کند بگو نوشته اشکار میشود برای شخص اینچنینکه پوشیده است و نازک پس  
 زمان که فکر کند بیک در حقیقت خالق و چگونه میسر میشود که از او خاطره  
 کند فکر او بچینکه صورتی بر خود در ذهنش بگذرد زیرا که عز وجل فرموده صور لها  
 من چون نظر کند بگو مخلوق خدا ثابت و واضح میشود برای او بعد نیست که خدای عز وجل  
 خالق ایشانست و ترکیب است روحهای آنها است با جسد های ایشان اما صواب نیست بلیست  
 بر اینکه خدای عز وجل صادق و راستگو است قول و کلام او صدق است کلامش راست  
 و خوانند است بندگان خود را بوی پروردگار صدق و وعدة صدق نموده و ارضاء  
 یعنی بشت اقامیم دلیل بر ملک او است آیه الملك الحق یعنی بذر است که او است باریعالی  
 بحق که همیشه بویه و همیشه خواهد بود و ملک او زوال ندارد و نا نیست و ملک خوب است اما  
 مال پس دلیل بر دام ملک عز وجل است اتم متعال عن الکون والزلزال بل هو عز وجل لکن

الکائنات الذی کان بیکونیه کل کائن یعرفنا نیست بلند است از کون و زوال بلکه  
 مکنون جمیع کائنات است که بعد از آن بتکون از عز وجل جمیع کائنات و مخلوقات مکنون  
 و ثابت است کذلک الله ربی کذلک الله ربی بعد از آن فرمودند هرگاه فی با هم بر علم خود  
 اینچنان علی که خدا بشارت عطا فرمود حاملانی یعنی کسانی که حاملان علم باشند هرگاه  
 نشر و پیکر نمیکردم نوچند و اسلام و ایمان و در هر شراعی را از معنی صمد چگونه میشود  
 این از برای من سوال آنکه حدیث این است که علیه السلام بنافث برای علم خود عمل  
 حتی آنکه در بالای منبر ایستاد و در از دل منکشف شد و منبر نمودند سلو بی قبل آن  
 نفقذونی فاین یمن الجوانح منی علی اجسامها هاهنا الا لا اجدر من حیثه الا  
 وانی علیکم فی الله الحق الباقیه فلا تلوکوا واما غویب الله علیهم قد بشیر  
 الا یحق کما بشیر الکفار من اصحاب القبور ثم قال لبا فیرم الحمد لله الذی من علینا  
 ووصنا لعیاده الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد  
 وخبینا عباد الا ونا ان حندا سرمد و شکر او اصبا یعنی جناب باریعالی  
 در بالای منبر ایستادند و منبر نمودند سوال کنند از من پیش از آنکه مرآت  
 و بنابید پس بدست که میباید ندان علم بسیار نیست آه آگاه باشند که میباید  
 که را که حامل این علم باشد بدست که من برای شما بشارت باریعالی هستم پس و بشیر نکند  
 کرد می که غضب کرد خدا بشارت باریعالی بشارت باریعالی خیرت چنانکه ملبوس شده  
 کافران رضا جناب فرها چه اعتقاد آنها نیست که مرد ها زنده شوند بعد از انعام  
 بعد با قره فرمودند بعد از خدای که منت گذاشت بر مومنان کرد ایند ما را بجهت



عبادت احد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و در كود ما را از  
 عبادت بنها حمد اعني و شكر همت اين مجلي بود از تفسير شو بوجد كه ذكر شد در  
 كه تفصيل شود بيا كه زباده از حد و اخلاص است موقوف كوكب كه معني بوجد  
 اقرار بولايت جناب علي بر ابطال است هر اكه ذات اقدس خداوندی جلالا  
 را منكرى نبست اخلاص در نبيان مخلوق در وجود صانع واقع نبست چنانكه در  
 ايه مباركه فرموده قل لا اله الا الله شك فاطر السموات الارض من عبدوا من قبله  
 هر كذوى عقول را بحال شك و انكار نبست في الحقيقة منكر ولايت جناب شمس  
 و كافر است در بعضى فقرات بارت جامعه كه فرمود اند و من عار بكم مشركا  
 و من محمد كافر و در تفسير ايه مباركه ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر  
 ما دون ذلك يعنى بدو سبب كه خدا بجهت ايكه شر يك فرار بدهند و او عز وجل  
 و بجهت سواي كه را بجهت شرك انكار ولايت جناب امير المؤمنين عليه السلام  
 كه خداوند هرگز نخواهد آمرز بدو از چنانچه در سابق همه از تفصيل مذكور شد و  
 حديث فدينى است كه مى فرمزد هر كس اطاعت كند على را هر چند معصيت مى كند  
 باشد و نعى امرم كسى را كه معصيت او كند هر چند اطاعت مى كند پس منكر جناب  
 على ترا بطلال عليه السلام شرك و كافر است و هر كس اقرار بولايت جناب اورد  
 مؤمن و موحد است و بوجد در حقيقت ولايت جناب على بر اهل طاعت است  
 نظر بجهت موقوف حقير بقدر امكان ابايت كه در نشان جناب امير المؤمنين عليه السلام  
 نازل شده در بن ساله بطريق اخلاص مانند در و با فو شسته ناليف را و در ذكر

چه جمع ايات قرآنى در نشان و منزلت جناب است چنانچه خود انجناب در حديثي  
 فرموده اند هر چه در قرآن مجيد است رفاتح الكتاب  
 است و هر چه در او است زيبى الله الرحمن  
 الرحيم است هر چه در او است در  
 نقطه يا است من  
 ان نقطه

صدق و بلغ بولايت امير المؤمنين عليه السلام في قوله يا ايها الناس اعبدوا الله لا شريك له  
 كتب الله لولائه عتق العتق و خلا لولائه في غايه شجاعت و شجاعت و شجاعت

بسم الله الرحمن الرحيم  
 في هذا الكتاب  
 من كتاب  
 من كتاب



*[The manuscript page contains dense handwritten Persian script in Nasta'liq style.]*

卷一







